

مسجد و جوانان

مشخصات کتاب

سرشناسه : انصاری، محمدرضا عبدالامیر، 1948-

عنوان قراردادی : مساجدنا تدعوالشباب. فارسی.

عنوان و نام پدیدآور : مسجد و جوانان / محمدرضا عبدالامیر الانصاری؛ ترجمه ابوالحسن هاشمی.

مشخصات نشر : مشهد: آستان قدس رضوی: بنیاد پژوهشهای اسلامی، 1384.

مشخصات ظاهری : ص 128

شابک : 8000 ریال: 9644448340

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : کتابنامه: ص. [123] - 128؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر : مساجدنا تدعوالشباب. فارسی.

موضوع : مسجدها.



موضوع: مسجدها -- برنامه های فرهنگی.

موضوع: اسلام و جوانان.

شناسه افزوده: هاشمی، ابوالحسن، 1330 -، مترجم

شناسه افزوده: آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهشهای اسلامی.

رده بندی کنگره: /BP261الف 8م 1384 5041

رده بندی دیویی: 75/297

شماره کتابشناسی ملی: م 79-9507

ص: 1

اشاره

ص: 2

ص: 3

ص: 4

فهرست مطالب

مقدمه ... 11



چگونگی ساختن مساجد ... 19

مسجد ضرار ... 28

همسایگان مسجد ... 31

علت بزرگداشت مساجد ... 33

چگونگی بزرگداشت مساجد ... 34

رفتن به مساجد ... 41

چگونگی ورود به مساجد ... 44

چگونگی خروج از مسجد ... 47

نشستن در مسجد ... 49

مسجدی در خانه ... 52

فایده مساجد ... 54

اعتکاف ... 59

ص: 5

فواید اعتکاف ... 64



مساجد ما شکایت می کنند و جوانان را فرا می خوانند ... 65

چگونگی حضور جوانان ... 68

الصَّلَاةُ جَامِعَةٌ ... 74

مساجدی که نماز در آنها ثواب دارد ... 78

روایات متفرقه ... 90

آخر الزَّمان ... 90

آفتها ... 91

محبوب ترین مردم ... 91

احتلام ... 92

احیای تمام شب ... 92

برای مؤمنان دعا می کنم ... 93

مژدگانی و بشارت ... 93

فتوادادن ... 93

روی به خدا آورید ... 93



او مؤمن است ... 94

کدام یک افضل است، دعا یا قرآن؟ ... 94

فرش ... 95

برخی از جوانان ... 95

بیت المعمور ... 96

بیعت ... 96

تصویرها و مجسمه‌ها ... 97

صورت خود را با دستمال پاک کردن ... 97

ص: 6

جمعه ... 97

همسایگان خدای متعال ... 98

حایض و جنب ... 99

نگهبان ... 99

زینت خود را بگیرید ... 99



خروس ... 100

مرد شبیه به زن ... 100

باغهای بهشت ... 101

ازدحام ... 101

زکات ... 101

سائل ... 101

دزدی ... 102

سعی ... 103

مسواک ... 103

ماه شعبان ... 103

شهادت علی علیه السلام ... 104

صدقه ... 105

صفهای نماز ... 105

نماز تمام ... 105



نماز عیدین ... 106

نمازش او را باز می دارد ... 106

در منازل خود نماز خوانده ایم ... 106

خنده ... 107

ص: 7

مردمان ضعیف ... 107

عابد و فاسق ... 107

علت غسل روز جمعه ... 108

فضیلت مساجد ... 108

فشار دادن به انگشتان و به صدا آوردن آنها ... 109

شیشه مُشک ... 109

داستانسرا ... 109

نماز قضا ... 110

خاکروبه ... 110



کفاره گناهانت ... 110

سخن حقی که باطل از آن اراده می شود ... 111

چگونه برای مردم نماز بخوانیم؟ ... 111

برای تو طلب آمرزش می کنم ... 112

شب عید فطر ... 114

مباهات کردن در مساجد ... 114

بدعت گذاشتن ... 114

مساجد مدینه ... 114

مساجد مخالفان ... 116

مسجد ناصبی ها ... 117

مسجد بُراثا ... 117

مسجد فضیخ ... 118

مسجدی که هزار در دارد ... 118

شانه زدن ... 118



ص: 8

مظلّمه ... 119

کدام یک در نزدت محبوبتر است؟ ... 119

منزل خدیجه علیهاالسلام ... 119

مانع شدن از مساجد خدا ... 119

وقف بر مساجد ... 120

شگفتا ... 120

منابع ... 123

ص: 9

ص: 10

مقدمه

ستایش و ثنا شایسته خداست، رحمت و درود بر بهترین انسانها، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و خاندان معصومش نیکوترین پاکان. پس از حمد خدا و درود بر پیامبر و آلش؛



مسجد در لغت به معنای جایی است که در آن سجده می شود و به هر جایی که در آن عبادت می شود، مسجد می گویند... برخی گفته اند: مَسْجِد - به کسر جیم - نامی است برای محلّ عبادت، خواه در آن محلّ سجده شود یا نشود(1).

در کتاب تهذیب اللّغه آمده است: مَسْجِد - به فتح جیم - به معنای محراب - و به کسر آن - جایگاه نمازهای جماعت است و جمع مسجد، مساجد است(2).

ص: 11

1- - اقرب الموارد، ج 1، ص 495.

2- - تهذیب اللّغه، ج 10، ص 570.

کلمه مسجد را به صورت مصغّر (مُسیجد) به کار نمی برند(1).

هر گاه مسجد، به صورت تثنیه (مسجدان) گفته شود، مقصود، مسجدِ مکه و مدینه است(2).

اما مسجد جامع در هر شهر، مسجدی است که روز جمعه، مردم در آن برای نماز جمعه گرد می آیند(3) واژه «جامع» در «المسجد الجامع»، صفت برای مسجد است زیرا اهل مسجد را فرا می گیرد(4). همچنین نشانه

اجتماع است و گاهی «المسجد» مضاف واقع می شود لیکن برخی این مطلب را قبول ندارند(5).



اما به طور اضافه می توان گفت: «مسجد الجامع» چنان که می گوئیم: الحقّ الیقین، با الف و لام و حقّ الیقین بدون آن یعنی مسجد الیوم الجامع، و حقّ الشیء الیقین، زیرا اضافه شیء به خودش در غیر این صورت، جایز نیست(6).

فراهِیدی گفته است: «مسجد الجامع» بدون «الف و لام» درست نیست زیرا اسم به صفت اضافه نمی شود. بنابر این، «هذا زید الفقیه» نمی گویند(7) بلکه فقیه، مرفوع و صفت زید است.

مسجد در اصطلاح شرع، جایی است که برای اقامه نماز برای همه مسلمانان وقف شده است؛ پس اگر به برخی از مسلمانان اختصاص داشته

ص: 12

1 -- جعفریات، ص 241؛ نوادر راوندی، ص 41.

2 -- معجم البلدان، ج 5، ص 123.

3 -- حاشیه دعائم الاسلام، ج 1، ص 148؛ مجمع البحرین، ج 4، ص 314.

4 -- العین، ج 1، ص 240.

5 -- لسان العرب، ج 8، ص 55.

6 -- الصّحاح، ج 3، 1199.

7 -- العین، ج 1، ص 240.

باشد، مسجد نخواهد بود(1).



در کتاب مفتاح الکرامه آمده است: مسجد، حقیقت شرعیّه است در مکانی که بر عموم نمازگزاران برای نماز وقف شده باشد نه این که به برخی اختصاص یابد (2).

مسجدها، چه نیکوخانه هایی اند آنها مراکز نورالهی (3) و محلّ جلوس

انبیا (4) و خانه هر مؤمنی هستند (5). بنابراین، به مسجدها بروید که خانه های خدا در زمین اند. هر کس با طهارت به مسجد وارد شود، خداوند، او را از گناهان پاک سازد و از زایرانش بنویسد، پس در مساجد، بسیار نماز و دعا بخوانید (6). کسی که مسجد، خانه اش باشد، خداوند برایش در بهشت، خانه ای بسازد (7).

قدم گذاشتن به مسجد و انتظار نماز پس از نماز قبلی، خطاها را می شوید و محو می کند (8) و نیکی ها را افزایش می دهد (9).

هر گاه مردی را ببینید که همواره به مسجد می رود برای او گواهی به ایمان دهید (10) چرا که خداوند می فرماید: «کسی مساجد خدا را آباد می کند»

ص: 13

1- - جواهر الکلام، ج 14، 69.

2- - مفتاح الکرامه، ج 2، ص 225.

3- - المستدرک، ج 3، ص 448، حدیث / 20.

4- - المستدرک، ج 3، ص 363، ضمن حدیث / 18.

5- - کنز العمال، ج 7، ص 650، حدیث / 20736.



- 6- - امالی صدوق، ص 293، حدیث / 8.
- 7- - ثواب الأعمال، ص 27؛ نه‌ایه شیخ طوسی، ص 108.
- 8- - دعائم الإسلام، ج 1، ص 154.
- 9- - بحار الأنوار، ج 88، ص 7، ضمن حدیث / 9.
- 10- - غوالی اللآلی، ج 2، ص 32، حدیث / 79.

که به خدا ایمان دارد»(1).

هرگاه در باره کسی که به جماعت حاضر نمی‌شود، از تو سؤال شد، بگو: من او را نمی‌شناسم(2). فاصله میان کفر و ایمان، ترک نماز است(3).

توجه به جماعت و جمع شدن برای نماز به منظور این است که معلوم شود چه کسی نماز می‌گذارد و چه کسی نمی‌گذارد، چه کسی اوقات نماز را مواظبت می‌کند و چه کسی مواظبت نمی‌کند و اگر این معیار نبود، هیچ کس نمی‌توانست بر صلاحیت کسی گواهی دهد زیرا کسی که در مسجد با مسلمانان نماز نخواند، برای او میان مسلمانان نمازی نیست چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: نمازی نیست برای کسی که با مسلمانان در مسجد نماز نخواند مگر این که علتی داشته باشد(4).

رفت و آمد به مسجد، زحمت است و دوری از آن نفاق(5).

پس نباید از مسجد غافل شد و منظور از غفلت این است که مسجد را ترک کنی(6).



تا زمانی که مؤمن به نمازهای پنجگانه اهمیّت دهد، همواره شیطان از او وحشت دارد ولی هرگاه به نمازهای پنجگانه اهمیّت ندهد و آنها را ضایع کند، شیطان بر او گستاخ می شود و او را به گناهان بزرگ وا می دارد(7).

بنابراین، به نماز در مساجد اهمیّت دهید و بر آن مواظبت کنید زیرا

ص: 14

1- -المستدرک، ج 3، ص 362 / ذیل حدیث / 18.

2- -النفلیه، ص 139.

3- -سنن ترمذی، ج 4، ص 125، حدیث / 2751.

4- -علل الشرائع، ص 325، حدیث / 1.

5- -کنز العمال، ج 7، ص 570، حدیث / 20302.

6- -بحار، ج 78، ص 115 / ضمن حدیث / 10، از عدد / 53.

7- -ربیع الأبرار، ج 2، ص 97.

نزد خدا هیچ کاری محبوبتر از نماز نیست و هیچ چیز از امور دنیا، شما را از اوقات نماز باز ندارد چون خدای متعال، کسانی را که از نماز غفلت می کنند، نکوهش کرده و فرموده است: «وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»(1). مقصود غافلانی هستند که به اوقات نماز، بی اعتنایی می کنند(2).



عایشه می گوید: رسول خدا با ما سخن می گفت و ما با او سخن می گفتیم اما همین که وقت نماز می شد، گویی نه او ما را می شناخت و نه ما او را می شناختیم(3).

هر گاه همسرتان اجازه خواست به مسجد برود، او را منع نکنید(4).

در جمع شدن زنان خیری نیست مگر در جماعت مسجد، یا برای تشییع جنازه شهیدی(5)؛
بهترین مساجد زنانان، خانه هاست(6).

بهترین آفریدگان، در پیشگاه خدا، جوان کم سن و سال و خوش سیمایی است که جوانی و زیبایی خود را برای خدا و در راه اطاعت خدا قرار داده است و خدای رحمان به وجود او بر فرشتگانش می بالد(7).

جوان متعبد، جزو هفت نفری است که خداوند، آنها را در سایه عرض خود قرار می دهد، روزی که جز سایه عرش، سایه ای نیست... و جوانی که در عبادت خدا رشد کرده است(8).

ص: 15

1 - - سوره ماعون، 5/107.

2 - - خصال، ص 621.

3 - - المستطرف، ج 1، ص 7؛ ربیع الأبرار، ج 2، ص 93.

4 - - غوالی اللآلی، ج 1، ص 136 / حدیث / 35؛ سنن نسائی، ج 2، ص 42.

5 - - کنز العمال، ج 7، ص 78، حدیث / 20875.

6 - - التهذیب، ج 3، ص 252، حدیث / 694؛ روضه الواعظین، ص 328.



7- - کنز العمال، ج 15، ص 785، حدیث / 43103.

8- - بحار، ج 84، ص 2، ضمن حدیث / 71، به نقل از خصال، ص 343، ضمن حدیث
8 /

تمام اهل بهشت جوان اند(1)، همان گونه که یاران مهدی علیه السلام جوان اند(2).

از این رو، مساجد ما با فریاد بلند، جوانان را دعوت می کند زیرا جوانان، نوبر زندگی و امید حیات و قلّه بزرگواری و منبع جنبش و کارند، و هنوز دامهای شیطان، دلهای آنها را گرفتار نساخته است.

دو چیز است که کسی قدرشان را نمی داند، مگر وقتی که آنها را از دست بدهد؛ جوانی و عافیت(3)؛ به همین دلیل، آدم پیر به سبب از دست دادن جوانی غمگین و اسفناک است.

گفته شده است که نژاد عرب، بر فقدان هیچ چیزی چون جوانی اشک حسرت نریخت و در عین حال نتوانست حش را ادا کند(4).

شاعر گفته است:

و نَحْتُ عَلَى الشَّبَابِ بِدَمْعِ عَيْنِي

فَمَا نَفَعَ الْبُكَاءُ وَلَا النَّحِيبُ

با اشک چشم خود بر جوانی گریستم ولی نه گریه سودی داشت و نه شیون.

فَيَا لَيْتَ الشَّبَابِ يَعُودُ يَوْمًا



فَأُخْبِرُهُ بِمَا فَعَلَ الْمَشِيبُ (5).

ای کاش روزی جوانی بر می گشت تا به او خبر می دادم که پیری با ما چه کرده است. بنابراین، تربیت باید فرایند زیربنایی و آماده سازی باشد به ویژه در مرحله ای که جوان به راهنمایی نیاز دارد تا این که جوان به بهترین مکارم اخلاقی آراسته گردد و قلبش به نور هدایت منور شود؛ در نتیجه،

ص: 16

1- - مناقب، ج 3، ص 398.

2- - غیبت شیخ طوسی، ص 284، حدیث / 18.

3- - شرح غرر الحکم، ج 4، ص 183.

4- - عقد الفرید، ج 2، ص 361.

5- - المستطرف، ج 2، ص 1.

کلید هر خوبی و قفل هر بدی باشد و از هواهای نفسانی دور شود، تا خداوند از چنین جوانی که میل به هوای نفس ندارد، شادمان گردد و به شگفت آید چنان که رسول خدا فرموده است (1).

روشن است که قلب نوجوان همچون زمین خالی است که هر بذری در آن پاشیده شود، می پذیرد (2).



هر مولودی بر فطرت [توحیدی] متولد می شود لیکن پدر و مادر او هستند که او را یهودی، نصرانی و مجوسی می کنند(3).

بنابراین، جوان، عادات و رفتار و رشد شخصیت خویش را از فضای محیط کسب می کند. از این رو باید خود را سرزنش کنیم چرا که ما چیزی را می خواهیم که به آن شناخت نداریم. جوانان ما مقلدند و به دنبال الگوی خوب می گردند اما بدون فایده، زیرا وجود زمینه منفی برای تعالیم اسلام و جوهره آن برای رشد و ترقی جوان مناسب نیست چنان که ما خود نیز هنوز نوجوانانی هستیم که رویدادها ما را نیازموده است. بنابراین، ممکن است جوانی معتدل در خانه ای پرورش یابد که حقیقت ذات جوان در این خانه ناشناخته است؟

بنابراین باید مسجدی باشد که قلب نوجوان را نورانی کند و جانش اوج گیرد و خردش با آن نورانی شود.

روایت شده است که هر کس به مسجد رفت و آمد کند به یکی از هشت چیز دست یابد: برادری که در راه خدا به دست آورد یا دانش

ص: 17

1- - محجّه البیضاء، ج 7، ص 90.

2- - شرح غرر الحکم، ج 3، ص 90.

3- - بحار، ج 61، ص 187.



تازه ای (1) یا آیه محکمی یا رحمتی که در انتظار او باشد یا سخنی که او را از هلاکت ننگه دارد یا سخنی بشنود که او را به راه راست هدایت کند یا گناهی که از روی ترس یا حیا آن را ترک کند (2). سرانجام، این که سیاحت امت محمد صلی الله علیه و آله حضور در مساجد است (3).

بار خدایا! مرا از زایران خانه ات و آباد کنندگان مساجدت قرار ده و باب توبه ات را به روی من بگشا، و باب معصیت و هر معصیتی را بر روی من ببند (4) چرا که تو، توبه پذیر مهربانی.

محمد رضا عبدالأمیر الأنصاری

مشهد مقدس - 14 رجب / 1418

ص: 18

-
- 1- - در خصال، ص 409، حدیث / 10، مستظرفا، آمده است.
 - 2- - الفقیه، ج 1، ص 153؛ التهذیب، ج 3، ص 248، حدیث / 681؛ امالی شیخ طوسی، ج 2، ص 47؛ روضه الواعظین، ص 338؛ المحاسن، ص 48، حدیث 66؛ فلاح السائل، ص 90.
 - 3- - مشکات الأنوار، ص 262.
 - 4- - کافی، ج 3، ص 445، ذیل حدیث / 12.

چگونگی ساختن مساجد



قریش در زمان جاهلیت، خانه کعبه را ویران کردند، هنگامی که خواستند آن را بسازند، یک نفر از آنها گفت: باید هر یک از شما پاکیزه ترین مال خود را بیاورد، مالی را که از راه حرام یا قطع رحم به دست آورده اید، نیاورید(1). پس ما که در سایه شریعت محمد صلی الله علیه و آله هستیم چگونه باید باشیم!؟

روایت شده است: کسی که از مال حلال مسجدی بسازد که خدای در آن عبادت شود، خداوند در بهشت خانه ای برای او بسازد(2). چه این مسجد بزرگ باشد و چه کوچک، هر چند به قدر لانه مرغ سنگخواره باشد(3).

حضرت علی علیه السلام معاویه را سرزنش کرد و هنگامی که شنید وی در شام، مسجدی ساخته است، فرمود:

سَمِعْتُكَ تَبْنِي مَسْجِدًا مِنْ جِبَايَةِ

وَ أَنْتَ بِحَمْدِ اللَّهِ غَيْرُ مُوَفَّقٍ

ص: 19

1 -- کافی، ج 4، ص 217، حدیث / 3.

2 -- کنز العمال، ج 7، ص 654 / حدیث / 20758.

3 -- امالی شیخ طوسی، ج 1، ص 186؛ دعائم الإسلام، ج 1، ص 150.

شنیده ام که تو از درآمد مالیات مسجدی می سازی حال آن که تو،



بِحَمْدِ اللَّهِ مَوْفِقٌ نَمِي شُورَى

كَمْ طَعِمَهُ الرُّمَانَ مِمَّا زَنَّتْ بِهِ

جَرَتْ مَثَلًا لِلْخَائِنِ الْمُتَصَدِّقِ

همچون زنی که از راه زنا، انار به دست می آورد و انفاق می کرد - این کار او برای شخص خائنی که صدقه می دهد، ضرب المثل شده است.

فَقَالَ لَهَا أَهْلُ الْبَصِيرَةِ وَالتَّقَى

لَكَ الْوَيْلُ لَا تَزْنِي وَلَا تَتَصَدَّقِي (1)

اهل بصیرت و تقوا به آن زن گفتند: وای بر تو! زنا نکن و صدقه نیز نده. بنابراین، زمانی که ساختن مسجد برای ریا و شهرت طلبی یا از مالهای غصبی یا غش دار باشد چگونه قلبها از خواندن نماز در آن آرامش پیدا کند؟ به ویژه قلبهای جوانان که صاف و نازک است و به سرعت تحت تأثیر واقع می شود به طوری که متنفر و آشفته می گردد و از ورود به هر مسجدی - هر چه باشد - خودداری می کند.

هنگام ساختن مسجد، مستحب است که قوچی را قربانی کند زیرا امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرموده: کسی که مسجدی بسازد (2) باید قوچ فربهی را ذبح کند و گوشت آن را به مستمندان بدهد و بگوید: خدایا! سرکشان جن و انس و شیاطین را از من دور کن و این را بر من مبارک گردان (3). ساختن مساجد بر روی قبرها



جایز نیست. از امام صادق علیه السلام در باره زیارت قبرها و ساختن مسجد در قبرستان سؤال شد، فرمود: زیارت قبور مانعی ندارد ولی در قبرستان، مسجد ساخته

ص: 20

1 -- بحار، ج 34، ص 430.

2 -- در کافی، ج 6، ص 299 حدیث / 20، به جای «مَسْجِدًا»: مَسْكَنًا، آمده است.

3 -- وسائل، ج 16، ص 454، حدیث 4.

نمی شود (1).

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: تمام زمین می تواند مسجد باشد مگر قبرستان و حمام (2) و دستشویی (3)، قبر مرا قبله و مسجد قرار ندهید زیرا خداوند، یهود را لعنت کرده است چون آنان قبور پیامبرانشان (4) را مسجد قرار دادند (5).

جایز است کنیسه ها (6) و کلیساها را مسجد قرار دهند؛ عیص می گوید: از امام صادق علیه السلام در باره کنیسه ها و کلیساها پرسیدم، آیا شایسته ای است ویران کردن آنها به خاطر ساختن مسجد؟ فرمود: آری (7).

پیامبر صلی الله علیه و آله به اصحاب خود فرمود: شما رُم را فتح می کنید، هرگاه کلیسای شرقی آن جا را فتح کردید، آن را مسجد قرار دهید (8).



مساجد مستحب است، رو باز و بدون سقف باشد؛ مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله سقف نداشت... و همچون آلونک موسی بود (9).

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا، مسجد خود را با یک خشت بنا

ص: 21

-
- 1- - الفقیه، ج 1، ص 114، حدیث 531.
 - 2- - سنن ترمذی، ج 1، ص 199، حدیث / 36.
 - 3- - نوادر راوندی، ص 43، جَشَّ، به معنای وضوخانه و در اصل به معنای باغ است، زیرا عربها برای دستشویی به باغها، می رفتند. لسان العرب، ج 6، ص 286.
 - 4- - طیبی گفته است: آنها را قبله قرار می دادند و در نماز همچون بت بر آنها سجده می کردند، اما کسی که در جوار مرد صالحی مسجد قرار دهد یا در مقبره ای نماز بخواند به قصد این که از روح صاحب آن قبر استمداد کند یا اثری از آثار عبادت وی به او برسد، نه این که قصدش توجه و تعظیم به او باشد، مانعی ندارد؛ می بینیم که مرقد اسماعیل در حجر و در مسجد الحرام واقع شده و خواندن نماز در حجر افضل است. بحار، ج 82، ص 56.
 - 5- - الفقیه، ج 1، ص 114، حدیث 532.
 - 6- - بیع و کنائس، به معنای معابد یهود و نصارا است.
 - 7- - کافی، ج 3، 386، حدیث / 3؛ تهذیب، ج 3، ص 260، حدیث / 732.
 - 8- - مناقب، ج 1، ص 109.



9- - مستدرک، ج 3، ص 369، حدیث / 4، به نقل از غوالی اللآلی، ج 2، ص 216، حدیث / 7.

کرد، سپس مسلمانان زیاد شدند، گفتند: ای رسول خدا! اگر امر فرمایی تا بر وسعت مسجد افزوده شود، فرمود: آری، پس بر وسعت آن افزوده شد و پیامبر صلی الله علیه و آله با یک خشت و نیم آن را بنا کرد. پس از آن مسلمانان زیاد شدند، گفتند، ای رسول خدا! اگر فرمان دهی تا بر مسجد افزوده شود، فرمود: آری، و امر فرمود تا بر وسعت آن افزوده شد و دیوار آن با دو خشت بنا شد؛ سپس حرارت آفتاب شدت یافت، مسلمانان گفتند: ای رسول خدا! اگر امر کنی تا برای مسجد، سایبانی درست شود، فرمود: آری، و فرمان داد تا از تنه درخت خرما، ستونهایی در مسجد بر پا شد و سقف آن را با چوبه و سفال و گور گیاه پوشاندند.

مسلمانان در مسجد بودند تا این که باران به آنها رسید و سقف مسجد چگه می کرد، گفتند: ای رسول خدا! اگر فرمان دهی تا سقف مسجد گل اندود شود؛ پیامبر صلی الله علیه و آله به آنها فرمود: نه [باید] آلونکی همچون آلونک موسی علیه السلام باشد، همواره مسجد همان گونه بود تا آن حضرت از دنیا رفت (1).

حلبی می گوید: از امام صادق علیه السلام در باره مسجد سقف دار سؤال شد که آیا نماز در آنها کراهت دارد؟ فرمود: آری، لیکن امروز به شما ضرری نمی رساند، و اگر حکومت عدل بود، می دیدید که در این باره چه می کرد (2).

اولین کاری که قائم ما شروع می فرماید، سقف مساجد را خراب می کند و با فرمان آن حضرت، آلونکی همچون آلونک موسی علیه السلام



ص: 22

1-- وسائل، ج 5، ص 206، حدیث / 1، به نقل از الکافی، ج 3، 295، حدیث 1؛ تهذیب، ج 3، ص 261، حدیث / 83؛ معانی الأخبار، ص 159، حدیث / 1؛ وفاء الوفا، ج 1، ص 335.

2-- کافی، ج 3، 368، حدیث / 4.

می شود (1).

همچنین مساجد باید بدون کنگره ساخته شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: مساجد را بدون کنگره بسازید (2). هرگاه حضرت قائم قیام کند، هر مسجدی که در روی زمین دارای کنگره باشد، کنگره آن را خراب می کند و آن را بدون کنگره قرار می دهد (3)، همان گونه که در زمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بوده است (4).

در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله، مسجد دارای مناره نبود (5) و بلال برای پیامبر، روی زمین اذان می گفت (6).

مستحب است که در مساجد، مناره روی دیوار باشد، نه این که در وسط مسجد قرار گیرد (7) زیرا موجب تنگ شدن فضای مسجد می شود و بین نمازگزاران مانع ایجاد می کند.

بسیاری از فقیهان تصریح کرده اند که بلندتر بودن مناره از مسجد، کراهت دارد زیرا به سبب اشراف بر منازل همسایگان مسجد، اذیت و آزار آنان فراهم می شود (8). دلیل این مطلب، خبری است که از امام علی علیه السلام



ص: 23

- 1-- الفقیه، ج 1، ص 153، حدیث / 707.
- 2-- المجازات النبویه، ص 89؛ شریف رضی در همان کتاب فرموده: این کلام، استعاره است زیرا منظور این است که مساجد را بسازید و برای آنها کنگره قرار ندهید. پیامبر ص مساجد را، به گوسفندان بی شاخ تشبیه فرموده و این از بهترین تشبیهات و تمثیلات است.
- 3-- ارشاد مفید، ص 365.
- 4-- بحار، ج 83، ص 353، حدیث / 6، به نقل از کتاب غیبت شیخ طوسی، ص 297.
- 5-- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 42.
- 6-- مناقب، ج 1، ص 171؛ تهذیب، ج 2، ص 284، حدیث / 1134.
- 7-- شرائع الاسلام، ج 1، ص 127.
- 8-- جواهر الکلام، ج 14، ص 79-80.

نقل شده: آن حضرت، مناره بلندی را دید و فرمان داد تا آن را ویران کنند و فرمود: بالاتر از بام مسجد، اذان گفته نمی شود(1).

همچنین مستحب است وضوخانه و دستشویی بیرون از مسجد باشد زیرا از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: دستشویی ها را بر در مساجد قرار دهید(2) چرا که مصلحت رفت و آمد کنندگان در آن است و بوی آنها نمازگزاران را اذیت نمی کند و از احتمال سرایت نجاست به مسجد جلوگیری می شود و احترام مسجد و نظافت آن محفوظ می ماند(3).



تزئین مسجد و نقاشی صورت بر در و دیوار آن حرام است (4)؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: مسجدهای خود را تزئین نکنید، آن گونه که یهود و نصاری معبدهای خود را تزئین کردند (5).

از امام کاظم علیه السلام در باره مسجدی سؤال شد در قبله آن که قرآن یا ذکر خدا نوشته می شود؟ امام علیه السلام فرمود: مانعی ندارد (6). همچنین از آن حضرت در باره مسجدی سؤال شد که در قبله آن با گچ، یا رنگ نقاشی می شود؟ فرمود: مانعی ندارد (7). از ابی خدیجه نقل شده که گفت: در قبله مسجد امام صادق علیه السلام دیدم که آیه الکرسی نوشته شده است.

ص: 24

-
- 1- دعائم الإسلام، ج 1، ص 147؛ غیبت شیخ طوسی، ص 123؛ الفقیه، ج 1، ص 155، تهذیب، ج 3، ص 256.
 - 2- تهذیب، ج 3، ص 254، حدیث / 702؛ مستدرک، ج 3، ص 380، حدیث / 2؛ بحار، ج 83، ص 383، حدیث / 54.
 - 3- جواهر الکلام، ج 14، ص 78.
 - 4- شرائع الإسلام، ج 1، ص 127.
 - 5- مستدرک، ج 3، ص 371، حدیث / 1.
 - 6- قرب الإسناد، ص 290، حدیث / 1148.
 - 7- قرب الإسناد، ص 290، حدیث / 1148.



قبله مسجد، همان محراب است که محترم ترین مکان و جایگاه نماز امام در مسجد است. سطح محراب باید از نماز گزاران پایین تر یا هم سطح با آنان باشد. محراب را به این دلیل محراب می گویند که امام در آن تنها و از مردم دور است (1).

بعضی گفته اند: به این جهت محراب گفته شده که هر گاه امام در آن بایستد، از این که دچار اشتباه و خطا گردد در امان نیست و از این رو می ترسد. برخی گفته اند: محراب، از ماده حَرَب گرفته شده است زیرا امام در محراب با شیطان می جنگد یا به علت این که شخصی که در نماز به محراب توجه دارد مثل کسی است که برای نماز با شیطان می جنگد. محراب در اصل، جایگاه بلندی است که شخص برای دفاع از اهلش در آن می جنگد. به مسجد نیز محراب گفته می شود (2).

روایت شده که مسجد نبوی شریف در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و خلفای بعد،

محراب نداشته است و نخستین کسی که محراب ساخت عمر بن عبدالعزیز بوده است (3). ساختن محرابها با تورفتگی زیاد در مسجد مکروه است، به طوری که در قبله مسجد، دو دیوار بسازند و سقفی بر آن بار کنند. خلفای ستمکار به علت ترس از دشمنانشان محرابها را این گونه می ساختند (4).

همچنین ساختن محرابها به شکل خانه های کوچک مکروه است، به طوری که به قربانگاه مسیحیان و یهودیان شبیه باشد. امام علی علیه السلام به



1- - المحاسن، ص 609، حدیث / 13.

2- - مجمع البیان، ج 2، ص 436 و ج 6، ص 505.

3- - وفاء الوفا، ج 1، ص 370.

4- - بحار، 83، ص 353.

تخریب این گونه محرابها فرمان داد. از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: علی علیه السلام هرگاه این گونه محرابها را می دید، آنها را خراب می کرد و می فرمود: اینها شبیه قربانگاه های یهودند(1).

ابن اثیر، در النهایه گفته است: بر سنگریزه های کف مسجد نماز می گزاردند و بین صورت نمازگزاران و سنگریزه ها حایلی وجود نداشت، هرگاه سجده می کردند، آنها را با دستهایشان هموار می کردند، پس از این کار نهی شدند زیرا این کار، خارج از کارهای نماز است و کار عبث در نماز جایز نیست و در صورت تکرار آن، نماز باطل می شود(2).

عمر دستور داد در کف مسجد سنگریزه پهن کردند تا جای نمازگزار نرمتر و راحت تر باشد. از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: هرگاه کسی از شما سنگریزه را از مسجد بیرون برد، باید آن را به جای خودش برگرداند یا در مسجد دیگری قرار دهد(3).

امام رضا علیه السلام چون از نماز فارغ می شد، سجده طولانی به جا می آورد تا این که عرق آن حضرت، سنگریزه های مسجد را تر می کرد(4).



بنابراین، چرا سجده کردن ما را بر زمین، بویژه بر تربت امام حسین علیه السلام زشت می شمارند، در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: زمین برای من سجده گاه و خاک آن پاک کننده قرار داده شده است (5).

در روایتی آمده است: زمین را برای تو و امت تو پاک کننده و محلّ

ص: 26

-
- 1- - علل الشرائع، ص 320، حدیث / 58.
 - 2- - النّهایه، ج 1، ص 393.
 - 3- - الفقیه، ج 1، ص 154، حدیث / 718؛ التّهذیب، ج 3، ص 256، حدیث / 711؛ علل الشرائع، ص 320، حدیث / 1.
 - 4- - عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 17، ضمن حدیث / 40.
 - 5- - غوالی اللّاکلی، ج 2، ص 208، حدیث / 130.

سجده قرار دادم (1). نقل شده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد خود

معتکف شد؛ ابری آمد و باران بارید تا این که از سقف مسجد، آب جاری شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدند که در میان آب و گل سجده می کرد حتی آثار گل در پیشانی مبارکش دیده می شد (2).



از امّ سلمه نقل شده که گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله یکی از غلامان ما را - که افلح نام داشت - دید که هر گاه به سجده می رود، جایگاه سجده را فوت می کند، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای افلح! چهره خود را به خاک بمال.

حمران از یکی از دو امام علیه السلام (3) نقل کرده است که فرمود: پدر من بر روی سجّاده کوچکی - بافته شده از برگ خرما - نماز می گزارد، آن سجّاده را بر روی قالیچه ای می گذاشت و بر آن سجده می کرد و هر گاه سجّاده وجود نداشت، سنگریزه ای بر روی قالیچه می نهاد و بر آن سجده می کرد (4).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر روی سجّاده نماز می گزارد (5).

لازم است که مساجد بر حسب نیاز منطقه ساخته شود، نه این که شخص برای شهرت طلبی و فخر فروشی و حسادت مسجد بسازد. هنگامی که در باره مساجدی که حاجیان در راه مکه ساخته اند، از امام صادق علیه السلام سؤال شد، فرمود: بَهْ بَهْ، آنها از بهترین مساجدند (6) زیرا این مساجد، بسیار مورد نیازند.

ص: 27

1 - ارشاد القلوب، ص 410.

2 - وفاء الوفا، ج 1، ص 340. شماره / 206.

3 - منظور، امام باقرع یا امام صادق (ع) است؛ جامع الرواه، ج 2، ص 461.

4 - تهذیب، ج 2، ص 305، حدیث / 90؛ استبصار، ج 1، ص 335، حدیث / 1.



5- - الفقیه، ج 1، ص 617، حدیث / 154.

6- - بحار، ج 84، ص 11، حدیث / 86، به نقل از: محاسن، ص 55، حدیث / 85.

مسجد ضرار

نیت، شالوده عمل است (1) و هیچ عملی نیست مگر این که نیت دارد (2) و هیچ عمل و نیتی پذیرفته نیست، مگر این که بر طبق سنت باشد (3).

خداوند به صورتها و مالهایتان نگاه نمی کند ولی به قلبها و اعمال شما می نگرد هر کس قلب صالح داشته باشد، خداوند بر او ترحم و مهربانی می کند (4). هر کس نیت صادق داشته باشد، دارای قلب سالم است زیرا سالم ماندن قلب از اندیشه های واهی از طریق خلوص نیت برای خدا در همه امور میسر می شود (5).

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: عبادت چیست؟ فرمود: حسن نیت به اطاعت از طریقی که انسان به آن امر شده است (6).

هنگامی که نیت فاسد باشد، برکت از بین می رود و حسد تقویت می شود. از این رو، هنگامی که بنی عمرو بن عوف، مسجد قبا را ساختند (7)، پیام دادند تا رسول خدا صلی الله علیه و آله بیاید، پیامبر تشریف آورد و در

ص: 28



- 2- - کافی، ج 2، ص 84، حدیث / 1.
 - 3- - امالی شیخ طوسی، ج 1، ص 396.
 - 4- - کنز العمال، ج 3، ص 421، حدیث / 7257.
 - 5- - مصباح الشریعه، ص 53.
 - 6- - المحاسن، ص 261، حدیث / 321.
 - 7- - خدای متعال فرموده است: **لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ؛ توبه، 108/9 -**
یعنی: آن مسجد را، اهل آن بر تقوی و اطاعت خدا بنا کردند، و از نخستین روزی که آن را بنیان نهادند، دوست دارند که از گناهان پاک باشند. در باره این مسجد اختلاف است، برخی گفته اند: مقصود مسجد قباست؛ برخی گفته اند: مسجد رسول است؛ و گفته شده: هر مسجدی است که در اسلام به قصد قربت به خدا، ساخته شود: مجمع البیان، ج 5، ص 73.
- مسجد قبا نماز خوانده در نتیجه، گروهی از منافقان از بنی غنم بن عوف حسد ورزیدند و گفتند: مسجدی می سازیم و در آن نماز می گزاریم و به جماعت محمد صلی الله علیه و آله حاضر نمی شویم [شاید ابو عامر در آن مسجد نماز بخواند(1)] آنان دوازده و به قولی پانزده مرد بودند... پس مسجدی را در پهلوی مسجد قبا ساختند، زمانی که از ساخت آن فارغ شدند، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند، در حالی که آن حضرت برای جنگ تبوک آماده می شد، گفتند: ای رسول خدا! ما مسجدی را ساخته ایم برای بیمار و نیازمند و شبهای بارانی سرد [و پیرمرد سالخورده(2)]. ما دوست داریم که به مسجد ما بیایید. و برای ما در آن جا نماز بخوانید و دعا کنید که مبارک باشد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: من آماده سفری هستم، اگر از سفر برگشتم، ان شاء الله به نزد شما خواهم آمد. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله از تبوک برگشت، این آیه بر او نازل شد: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَ



كُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَارْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَكَيْلًا لِمَنْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ» (3). زمانی که خداوند، پیامبر خود را، از نیت پلید آنها آگاه کرد - که آن مسجد برای ضرر رساندن به اهل مسجد قبا ساخته شده تا بین مؤمنان تفرقه و فساد کنند و کفر را بر پا دارند - رسول خدا هنگامی که از تبوک برگشت، عاصم بن عوف عجلانی و مالک بن دُخشم را فرستاد - مالک از قبیله بنی عمرو بن عوف بود - و به آن دو فرمود: بروید به این

ص: 29

1- - ما بین کروش، تاریخ مدینه منوره، ج 1، ص 53.

2- - تفسیر قمی، ج 1، ص 307.

3- - «آن مردم منافقی که مسجدی برای زیان اسلام برپا کردند و مقصودشان کفر و عناد و تفرقه میان مسلمانان و مساعدت با دشمنان دیرینه خدا و رسول بود و با این همه سوگندهای مؤکد یاد می کنند که در ساختن این مسجد ما جز قصد خیر و نیکی نداریم و خدا گواهی می دهد که آنها دروغ می گویند» - توبه / 107/9.

مسجدی که اهل آن ستمگرند، آن را خراب کنید و آتش بزنید.

روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله عمّار بن یاسر را فرستاد و دستور داد که آن مسجد را مزبله ای قرار دهد تا لاشه های مُردار را در آن بیفکنند (1).

نیت پلید صاحبان مسجد ضرار در مطالب زیر خلاصه می شود:

- 1- تلاش برای ضرر رساندن به اهل مسجد قُبا و مؤمنانی که در آن بودند زیرا مسجد ضرار را در کنار آن ساختند تا به اجتماع مسلمان در نماز لطمه بزنند.
 - 2- تقویت رشته های کفر و مشورت با یکدیگر در حيله و مکر به دور از چشم مؤمنان؛ همچنین امکان دادن به منافقان در ترک نماز.
 - 3- ایجاد تفرقه و اختلاف بین مؤمنان و از بین بردن وحدت آنان.
 - 4- در کمین نشستن و انتظار کشیدن کسانی که با خدا و رسولش جنگیده اند، تا شاید محاربی [به این مسجد] بیاید و جایی مناسب برای خویش پیدا کند و نیز گروهی را بیابد که آماده جنگ با رسول خدا باشند.
 - 5- بیان نیرنگ منافقان، با وجود این که آنان سوگند یاد کردند که اراده نیکی و مدارا با مسلمانان دارند و می خواهند برای اشخاص عاجز و ضعیف و کسانی که در میان باران گرفتار می شوند، ادای نماز آسان باشد.
- نیت خوب، در ساختن مساجد، پایه اصلی توفیق (2) و برکت است. بنابراین، کسی که نیت خوب داشته باشد، خداوند، توفیق و ثواب و محبت را نصیب او می گرداند (3). در نتیجه، وی مداومت بر خیر می کند و از

ص: 30



- 2- - شرح غرر الحکم، ج 5، ص 462، شماره / 9186.
- 3- - در تصنیف غرر الحکم، ص 92، شماره / 1604، آمده است: کسی که نیت وی خوب باشد، ثواب او بسیار و زندگی او پاکیزه و محبت او لازم است.

این مداومت، ترک کارهای زشت و حُبّ نجات و اطاعت الهی نشأت می گیرد. در این هنگام، تألیف قلوب حاصل می شود و بهترین این قلبها، قلبهای نازکی است که از نیت شایسته برخوردارند و مرکز آن نیتها، سینه مؤمنان و جوانان است.

همسایگان مسجد

روایت شده که حریم مسجد، چهل ذراع و همسایه آن (1) چهل خانه از چهار طرف است (2). هر کس صدای اذان مسجد را بشنود، همسایه مسجد است (3). هر کس از همسایگان مسجد که صدای اذان را بشنود و به مسجد حاضر نشود، نمازش کامل نیست (4).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای همسایگان مسجد شرط کرد که به نماز حاضر شوند (5).

ص: 31

1- - رسول خدا ص فرمود: آیا می دانید حقّ همسایه چیست؟ اگر فریادرسی خواهد، به فریادش برسی، و اگر قرض بخواهد به او قرض دهی و اگر نیازمند باشد باز هم به او قرض دهی، اگر مصیبتی به او برسد، به او تعزیت گویی، اگر خیری به او برسد، او را تهنیت گویی



اگر بیمار شود، او را عیادت کنی و اگر بمیرد، جنازه اش را تشییع کنی، بدون اجازه همسایه، ساختمان خود را بالا نبری که هوای خانه اش را بگیری، هر گاه میوه ای خریدی به او هدیه کن، اگر هدیه نمی کنی مخفیانه میوه را به خانه ببر، بچه خود را بیرون نفرستی که بچه همسایه را ناراحت کند، با بوی غذای خود او را ناراحت نکنی مگر این که مقداری به او بدهی؛ مسکن الفؤاد، ص 105. اما حقّ مسجد: حفظ نظافت و دارایی آن، پرهیز از کار لغو، خواندن دو رکعت نماز تحیت مسجد و حضور به هنگام همه نمازهاست.

2- - خصال، ص 544، حدیث / 20؛ روضه الواعظین، ص 336.

3- - دعائم الإسلام، ج 1، ص 148.

4- - محاسن، ص 85، ذیل حدیث / 21.

5- - امالی صدوق، ص 392، حدیث / 14.

نماز همسایه مسجد، کامل نیست مگر این که در مسجد بخواند یا

معذور و بیمار باشد. از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود: نماز همسایگان مسجد، کامل نیست در صورتی که به مسجد حاضر نشوند، مگر این که شخص، مریض یا گرفتار باشد(1).

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله عده ای از مسلمانان برای نماز، دیر به مسجد می آمدند، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: گروهی

نماز در مسجد را ترک می کنند، بزودی فرمان می دهیم که هیزم بیاورند و در خانه های آنها گذارند و خانه های آنها را به آتش کشند(2). مرد نابینایی به محضر پیامبر صلی الله علیه



و آله آمد و گفت: ای رسول خدا! من نابینا هستم (3)، چه بسا صدای اذان را می شنوم ولی کسی که مرا به نماز جماعت راهنمایی کند، نمی یابم. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: از منزل خود به مسجد ریسمانی ببند و به جماعت حاضر شو (4).

در کوفه به امیر مؤمنان خبر دادند که گروهی از همسایگان مسجد به نماز جماعت مسجد حاضر نمی شوند، امام علیه السلام فرمود: باید به نماز

جماعت ما حاضر شوند یا از ما دور شوند تا همسایه یکدیگر نباشیم (5).

هر کس از جماعت مسلمانان اعراض کند، عدالت او ساقط و

ص: 32

1- - الفقیه، ج 1، ص 245 / حدیث / 1091.

2- - تهذیب، ج 3، ص 25، حدیث / 87.

3- - کس که نابینایی را به مسجد یا منزل وی یا برای آوردن نیازی از نیازهایش راهنمایی کند، برای هر قدمی که برداشته و به زمین نهاده است، خداوند ثواب آزاد شدن بنده ای برای او بنویسد و فرشتگان بر او رحمت فرستند تا زمانی که از او جدا شود - ثواب الأعمال، ص 340.

4- - تهذیب، ج 3، ص 266، حدیث / 703.

5- - امالی شیخ طوسی، ج 2، ص 307.

کناره گیری از او لازم است و کسی که به جماعت مسلمانان ملتزم باشد، غیبت او حرام و عدالت او ثابت است (1).

هنگامی که حق همسایگی خانه ها مراعات نمی شود، حق مساجد نیز مراعات نخواهد شد زیرا اساس همسایگی همان برادری و تعهد و حفظ دارایی ها و بستن چشم از محرّمات و کمک به همسایگان است. علاوه بر این، در همسایگی مساجد، تهذیب نفوس می شود.

از این رو می بینیم که اغلب مردم به خاطر وجود نقصی، عزلت و گوشه نشینی اختیار کرده اند و این حالت به طور غیر مستقیم بر روحیه جوان اثر می گذارد. معالجه این کار به این است که امام جماعت مسجد به دیدار اهل خانه های مجاور مسجد برود و با روحیات آنها آشنا شود و از همین جا، اهمیت حق همسایگی و ثوابی را که انسان با رعایت آن می برد، برای آنها توضیح دهد. در نتیجه به عواملی که مانع آمدن آنها به مسجد می شود، گوش فرا دهد و به صورتی که در آینده در قلب آنها اطمینان حاصل شود، آن موانع را برطرف کند. هرگاه پدران در مساجد حاضر شوند، طبیعی است که فرزندان جوان آنها هم در آینده حضور خواهند داشت.

علت بزرگداشت مساجد

ابو بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام علت تعظیم مساجد را پرسیدم؟ امام علیه السلام فرمود: از این نظر به تعظیم مساجد امر شده که آنها خانه های خدا



1 - ذکر الشیعه، ص 265.

در زمین اند (1).

همچنین از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: ملعون است ملعون، کسی که احترام مسجد را حفظ نکند ای یونس! آیا می دانی چرا خداوند، حقّ مساجد را بزرگ شمرد و این آیه را نازل کرده است: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا (2)». [زیرا] یهود و نصارا هر گاه به معبدهای خود وارد می شدند، به خدای متعال شرک می آوردند، لذا خداوند سبحان، به پیامبرش امر کرد که در مساجد، خدا را به وحدانیت یاد و او را عبادت کنند (3).

چگونگی بزرگداشت مساجد

مهمترین کارها برای بزرگداشت مساجد عبارت اند از:

1- خوشبو کردن مساجد با بوهای معطر و مستحبّ است این کار در روز (4) یا شب جمعه باشد. رسول خدا صلی الله علیه و آله امر فرمود که مسجد را روز جمعه خوشبو کنند (5).

2- خوشبو کردن و پوشیدن لباسهای نیکو (6)، با طهارت بودن (7)، با

ص: 34



2- - «مساجد مخصوص خداست، پس نباید با خدا، احدی غیر او را پرستش کنید» جن / 72

3- - کنز الفوائد، ص 64.

4- - در کنز العمال، ج 7، ص 667 و تاریخ مدینه منوره، ج 1، ص 35، آمده است: در جمعه ها مساجد را خوشبو کنند و در دعائم الإسلام، ج 1، ص 149، آمده است: در هر هفته ای، یک بار مساجد را خوشبو کنند.

5- - وفاء الوفا، ج 2، ص 662.

6- - روایت شده که غلام امام زین العابدین، در شب سردی به آن حضرت برخورد، در حالی که امام حبه وردا و عمامه ای از خز (پم نرم و نازک) پوشیده بود و با نوعی عطر که از مشک و عنبر و کافور و روغن بان و عود ساخته می شود، خود را معطر کرده بود. غلام به آن حضرت گفت: فدایت شوم! در چنین ساعتی با این هیأت به کجا می روید؟ امام فرمود: به مسجد جدّم رسول خدا(ص) می روم - کافی، ج 6، ص 517، حدیث / 5.

7- - امام باقرع فرمود: به مسجد وارد مشو، مگر این که با طهارت باشی - تهذیب، ج 3، ص 263، ضمن حدیث / 743.

آرامش و متانت (1) به سوی مسجد رفتن.

خدای متعال فرموده است: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ (2)».

هر گاه وارد مسجد شدی و خواستی بنشینی... رو به قبله بنشین (3).



3- از خوردن چیزهایی که بوی آنها نماز گزاران را اذیت می کند، خودداری کند، از امام صادق علیه السلام در باره خوردن سیر و پیاز و تره سؤال شد؟ فرمود: خوردن آنها چه پخته و چه خام مانعی ندارد؛ همچنین خوردن سیر برای مداوا مانعی ندارد، لیکن هرگاه کسی سیر بخورد، به مسجد نرود(4) زیرا اذیت کردن مسلمانان با بوی سیر کراهت دارد(5) و از هر چیزی که مردمان اذیت می شوند، فرشتگان نیز اذیت می شوند(6).

4- هرگاه وارد مسجد شدی، دو رکعت نماز تحیت مسجد بخوان. حضرت علی علیه السلام فرموده است: هرگاه وارد مسجد شوی، از حق مسجد این است که دو رکعت نماز بخوانی(7). از میان مسجد عبور نکنید مگر این که دو رکعت نماز در آن بخوانید(8).

ص: 35

-
- 1- امام صادق فرمود: به سوی مساجد بشتاب و آرامش و متانت را حفظ کن - علل الشرائع، ص 357، حدیث / 1.
 - 2- «در هر عبادتگاه، لباس خود را بپوشید» - اعراف / 31.
 - 3- تهذیب، ج 3، ص 263، حدیث / 743.
 - 4- کافی، ج 6، ص 375، حدیث / 2؛ دعائم الإسلام، ج 2، ص 112.
 - 5- المحاسن، ص 512؛ دعائم الإسلام، ج 2، ص 12؛ بحار، ج 84، ص 90.
 - 6- سنن نسائی، ج 2، ص 43.
 - 7- دعائم الإسلام، ج 1، ص 150.
 - 8- الفقیه، ج 4، ص 2، ضمن حدیث / 1.



5- با نعلین یا کفش وارد مسجد نشود؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: به هنگام

ورود به مساجد، ته کفش خود را واری کنی (1).

6- در مسجد، آب دهان و آب بینی نیندازد؛ کسی که آب بینی در مسجد بیندازد، گناه کرده است (2). کسی که خلط سینه را در مسجد نیندازد و آن را به اندرون خود برگرداند، هیچ دردی در اندرون او نباشد، مگر این که درمان شود (3).

نقل شده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وارد مسجد شد، در حالی که شاخه خرمایی در دست آن حضرت بود، خلط سینه ای را در مسجد دید، پس آن را پاک کرد، سپس با حالت خشم، به مردم فرمود: آیا کسی از شما، دوست دارد که با مردی روبه رو شود و آب دهان به صورت او بیفکند؟ هر یک از شما که به نماز می ایستد با خدایش روبه رو می شود (4).

ص: 36

1- - مکارم الأخلاق، ص 123؛ علامه مجلسی در بحار، ج 83، ص 366، گفته است: احتمال می رود که منظور از «تعاهد النعل» این باشد که کفش خود را نزد شخص امینی بگذارد تا در حال نماز، قلبش به خدا متوجه باشد.

2- - تاریخ مدینه منوره، ج 1، ص 25؛ در تهذیب، ج 3، ص 265، حدیث / 712، به نقل از علیع آمده است: انداختن آب دهان در مسجد، گناه و کفاره اش دفن آن است.



3- - الفقیه، ج 1، ص 152، حدیث / 700؛ در محاسن، ص 54، حدیث / 83، آمده است: کسی که به خاطر بزرگداشت حقّ مسجد، آب دهان خود را فرو برد، خداوند آن را نیرویی در بدنش قرار دهد، و به سبب این کار، حسنه ای برای او بنویسد و سیئه ای از او محو کند. در کنز العمال، ج 7، ص 665، حدیث / 20811، آمده است: هرگاه بنده ای اراده کند که آب دهان در مسجد بیندازد، اعضای او به لرزه می آید و جمع می شود همان گونه که پوست در آتش جمع می شود، اگر آن را فرو برد، خدا هفتاد و دو درد را از او دور می کند و یک میلیون حسنه برایش می نویسد.

4- - تاریخ مدینه منوره، ج 1، ص 19؛ نقل شده که پیامبر خداص خلط سینه ای را در قبله مسجد دید، پس صاحب آن را لعنت کرد، در حالی که وی غایب بود. این خبر به همسر آن مرد رسید. وی آمد و خلط سینه را پاک کرد و به جای آن، خلوق (ماده ای خوشبو که عمدتاً از زعفران است) مالید، پیامبر خدا، کار آن زن را ستود چون آبروی شوهرش را حفظ کرد - مستدرک، ج 3، ص 376، حدیث / 4، به نقل از دعائم الإسلام، ج 1، ص 173.

7- بعد از شنیدن اذان از مسجد بیرون نرود؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که در مسجد، صدای اذان را بشنود و بدون سبب از مسجد بیرون رود، منافق است، مگر این که بخواهد برگردد(1).

هرگاه مؤذن بگوید: قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ، سخن گفتن بر اهل مسجد حرام است، مگر این که از جاهای مختلف جمع شده و امام جماعتی نداشته باشند، در این صورت اگر یک نفر به دیگری بگوید: فلانی، به عنوان امام جلو برود، مانعی ندارد(2).



8- سنگریزه (3) و هسته خرما در میان مسجد پرتاب نکند و سقز (آدامس) نَجُود. روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله مردی را دید که سنگریزه ای را در مسجد پرتاب می کرد، فرمود: همواره سنگریزه، آن شخص را لعنت می کند تا به زمین بیفتد (4).

امام باقر علیه السلام فرمود: پرتاب سنگریزه و جویدن کُندر، (نوعی سقز) از اعمال قوم لوط است (5).

9- ران یا ناف خود را در مسجد نمایان نسازد زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده

ص: 37

-
- 1- - امالی صدوق، ص 405، به نقل از دعائم الإسلام، ج 1، ص 173.
 - 2- - تهذیب، ج 2، ص 55، حدیث / 189؛ استبصار، ج 1، ص 301، حدیث / 1116.
 - 3- - روایت شده که پرتاب سنگریزه در مجالس، از اخلاق قوم لوط است، خدای تعالی فرموده است: «وَتَأْتُونَ فِي نَادِيكُمْ الْمُنْكَرَ» عنكبوت، 29/29؛ امام فرمود: مقصود از: منکر، پرتاب سنگریزه است. تهذیب، ج 3، ص 262، حدیث / 741.
 - 4- - جعفریات، ص 157.
 - 5- - الفقیه، ج 1، ص 168، ذیل حدیث / 795؛ تهذیب، ج 2، ص 371، ذیل حدیث 1542.

است: نمایان ساختن ناف و ران در مسجد از عورت محسوب می شود (1).



10- در مسجد نخواستید؛ از جابر نقل شده که گفت: در مسجد می خوابیدیم و علی علیه السلام همراه ما بود، رسول خدا صلی الله علیه و آله بر ما وارد شد و فرمود: برخیزید و در مسجد نخواستید. ما برخاستیم تا از مسجد خارج شویم، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اما تو ای علی علیه السلام بخواب (2) زیرا خدای متعال

برای تو حلال ساخته آنچه را برای من حلال ساخته است، گویا تو را بر لب حوض [کوثر] می بینم که در دست تو عصایی از چوب عوسج است (3) و آنها را منع می کنی.

هر کس در مسجد، بدون عذر بخوابد، خداوند او را به درد بی درمان مبتلا کند (4). هرگاه کسی در مسجد چرت بزند، باید از جای خود حرکت کند و به جای دیگر برود (5).

11- در مسجد شمشیر و مانند آن از نیام نکشد (6)؛ از علی علیه السلام نقل شده که فرمود: رسول خدا نهی کرد که در مسجد شمشیر کشیده یا در آن تیری اصلاح شود (7).

در کنز العمال آمده است: در مسجد سلاح نکشند، کمان برندارند و

ص: 38

1- - تهذیب، ج 3، ص 263، حدیث / 742؛ جعفریات، ص 37.

2- - مناقب، ج 2، ص 194.

3- - تاریخ مدینه منوره، ج 1، ص 38 - عوسج از بهترین و محکم ترین چوبهاست.

4- - جامع الأخبار، ص 70.

5- - غوالی اللالی، ج 1، ص 158، حدیث / 139.



6- از امام کاظم در باره شمشیری که در مسجد آویخته می شود، سؤال شد؟ امام فرمود: در سمت قبله جایز نیست اما در کنار آن مانعی ندارد. بحار، ج 10، ص 270، به نقل از قرب الإسناد، ص 290، حدیث / 1146 - در این کتاب به جای «جانبه» «جانب» آمده است.

7- دعائم الإسلام، ج 1، ص 149.

تیر نزنند(1). صدا را در مسجد بلند نکنند و به کارهای باطل پردازند... و مادامی که در مسجد است، کارهای لغو را ترک کند، اگر اینها را مراعات نکردی، روز قیامت جز خودت را ملامت نکنی(2).

13- مسجد را محلّ خرید و فروش و اجرای حدود و تجمع دیوانگان قرار ندهد؛ امام صادق علیه السلام فرمود: در مساجدتان از خرید و فروش و اجرای حدود اجتناب کنید و از ورود دیوانگان به مسجد مانع شوید(3).

هرگاه کسی را دیدید که در مسجد خرید و فروش می کند(4)، به او بگویید: خدا در تجارت تو سودی قرار ندهد(5).

14- در مسجد، شعری که حاوی دنیا و لذایذ آن باشد، نخواند و گمشده ای را طلب نکند؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کسی را که دیدید در مساجد شعر می خواند به او بگویید: خدا دهانت را بشکند، همانا مساجد برای قرائت قرآن برپا شده است(6).

اما خواندن شعری که در آن هدایت و بصیرت و مربوط به دین باشد، مانعی ندارد. حسن بن ثابت، یکی از شاعران پیامبر صلی الله علیه و آله بود؛ نقل شده که عمر به حسن برخورد،



در حالی که حسّان در مسجد شعر می خواند. عمر با گوشه چشم از روی خشم به او نگاه کرد، حسّان گفت: شعر خواندم، در

ص: 39

-
- 1- - کنز العمال، ج 7، ص 667، ضمن حدیث / 20820.
 - 2- - مکارم الأخلاق، ص 467.
 - 3- - علل الشرائع، ص 319، حدیث / 2؛ تهذیب، ج 3، ص 249، حدیث / 682؛ خصال، ص 410، حدیث / 13.
 - 4- - پیامبر ص فرمود: قیامت برپا نمی شود تا این که مردم در مساجد به خرید و فروش پردازند. مستدرک، ج 3، ص 382، حدیث / 7.
 - 5- - کنز العمال، ج 7، ص 666، ضمن حدیث / 20817.
 - 6- - کافی، ج 3، ص 369، حدیث / 5؛ التهذیب، ج 3، ص 259، حدیث / 725.
- حالی که شخصی بهتر از تو [پیامبر] در مسجد بود، سپس به ابوهریره توجه کرد و گفت: آیا شنیدی که رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: [خدایا] از من اجابت کن، خدایا حسّان را به وسیله روح القدس تأیید کن؟

ابوهریره گفت: آری (1).

روایت شده که چون دعبل، به شهر قم وارد شد، اهل قم از او خواهش کردند که قصیده خود را بخواند (2).



دعبل امر کرد تا مردم در مسجد جامع اجتماع کنند. وقتی که مردم جمع شدند، او بر منبر بالا رفت و قصیده خود را خواند، مردم مال و جامه های زیادی به او صله دادند(3).

هر کسی را دیدید که در مسجد، گمشده ای را طلب می کند، سه بار به او بگویید: هرگز آن را پیدا نکنی(4).

15- به نظافت و روشنایی مسجد عنایت کند؛ روایت شده که بهشت و حورالعین مشتاق اند به کسی که مساجد را جاروب کند و خار و خاشاک را از میان آنها بردارد(5).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که در یکی از مساجد خدا چراغی روشن کند(6)، فرشتگان و حاملان عرش برای او استغفار می کنند تا زمانی که در

ص: 40

-
- 1- سنن نسائی، ج 2، ص 48.
 - 2- این قصیده تائیه است که نخستین بیت آن این است: مَدَارِسُ آيَاتِ خَلَّتْ مِنْ تَلَاوِهِ وَ مَنْزَلِ وَحْيِ مَقْفَرِ الْعَرَصَاتِ مَكْتَبَاهِ آيَاتِ قُرْآنِ از تلاوت خالی مانده و منزلگاه وحی همچون بیابان خشک و بی آب و علف شده است.
 - 3- عیون اخبار الرضا(ع)، ج 2، ص 264.
 - 4- کنز العمال، ج 7، ص 666، ضمن حدیث / 20817.
 - 5- اصول السنّه عشر، ص 55 (اصل زید نرسی).



6- می گویند: تمیم دارمی، نخستین کسی که در مسجد، چراغ آویخت و این کار در زمان پیامبر(ص) بود - وفاء الوفاء، ج 2، ص 670.

آن مسجد، نوری از آن چراغ باشد(1). هر کس دوست دارد که لحش تاریک نباشد، باید مساجد را روشن کند(2).

در جامعه ای که هیبت و احترام برای خانه های خودشان قایل نباشند و هر چه هوای نفس آنها بخواهد، می کنند و فرمان خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و آنچه را عرف اجتماع در خانه رعایت می کند، ترک می کنند، چگونه می توان از آنها امید داشت که احترام خانه های دیگران را حفظ کنند.

بنابراین، باید آگاه باشیم و در برابر هر یاهه ای که از زبان متجاوزان به حریم همسایه خارج می شود، ساکت نباشیم و این، کار جداگانه ای را همراه با تعقل و به کار بردن الفاظ خوب می طلبد تا احساس شود که وی اصلاح شده است، نه فاسد. و هرگاه با این مقدار اصلاح نشد، شدیدتر برخورد می شود تا اصلاح شود. هنگامی که احترام خانه های همسایه مراعات شود، طبیعی است که احترام مساجد بیشتر رعایت می شود چرا که آنها خانه های خدا هستند و زمانی که پدران، ملزم به احترام همسایه باشند، بعید است که فرزندان بویژه جوانان، احترام همسایه را حفظ نکنند زیرا فرزندان، مطیع پدران هستند و آداب اجتماعی را رعایت می کنند.

رفتن به مساجد



امام صادق علیه السلام هرگاه [از خانه] برای نماز بیرون می رفت، می فرمود: «بارخدا یا! من از تو به حقّ سائلانت سؤال می کنم و به حق بیرون شدنم از

ص: 41

1- الفقیه، ج 1، ص 154، حدیث / 717؛ ثواب الأعمال، ص 49، حدیث / 1؛ المقنع، ص 58؛ المحاسن، ص 57، حدیث / 88. در: المحاسن به جای «اسرج» «سرج» و به جای «یستغفرون»، «یسبحون» آمده است.

2- الفضائل، فضل بن شاذان، ص 153. ص: 41

این محلّ زیرا به سبب سرمستی و گردنکشی و خودنمایی و شهرت طلبی، خارج نشده ام بلکه برای طلب خشنودی و پرهیز از غضب تو خارج شده ام، پس به عافیت خودت مرا از آتش معاف کن (1)».

کسی که به ندای مؤذن پاسخ دهد، کفّاره گناهان اوست (2)، و رفتن به مسجد، اطاعت خدا و رسول است (3). خدا به چیزی عبادت نشده است که بهتر از خاموشی و رفتن به خانه او باشد (4). از جمله چیزهایی که خداوند به سبب آن، گناهان را محو می کند، زیاد رفتن به مساجد است (5).

کسی که درست وضو بگیرد و به سوی مسجد برود، به هر قدمی که برمی دارد (6)، حسنه ای برای او نوشته و سیئه ای از او محو می شود و یک درجه بالا برده می شود (7).



از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: کسی که با طهارت کامل به مسجد برود، در نماز است مادامی که با طهارت باشد (8). آگاه باش! کسانی را که در تاریکیها به مسجد می روند، به نور درخشنده در روز قیامت بشارت بده (9).

ص: 42

-
- 1- امالی شیخ طوسی، ج 1، ص 381.
 - 2- بحار، ج 84، ص 154، ضمن حدیث / 49.
 - 3- مستدرک، ج 3، ص 365، ضمن حدیث / 4.
 - 4- روضه الواعظین، ص 336.
 - 5- امالی صدوق، ص 265، ضمن حدیث / 10.
 - 6- نقل شده است: پای خود را بر جای تر و خشکی نمی نهد مگر این که زمین برایش تسبیح می کند - تهذیب، ج 3، ص 255، حدیث / 706؛ ثواب الأعمال، ص 46، حدیث / 1.
 - 7- کنز العمال، ج 7، ص 571، حدیث / 20308. در اعلام الدین، ص 423، آمده است: برای او به هر گامی که بردارد تا به منزلش برگردد، ده حسنه نوشته و ده سیئه محو می شود و ده درجه بالا می رود.
 - 8- دعائم الإسلام، ج 1، ص 100.
 - 9- الهدایه، ص 280؛ اصول السنّه عشر، ص 45، (اصل زید نرسی).



نقل شده است که خانه های عدّه ای از مسلمانان از مسجد دور بود، از این رو خواستند به نزدیک مسجد، منتقل شوند(1)، این آیه نازل شد: «فَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ»، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: در خانه های خود بمانید زیرا آثار قدمهای شما نوشته می شود و برای هر گامی، یک حسنه برای شما منظور می گردد(2). برآستی هر چه از مسجد دورتر باشید، اجر بیشتری دارید(3).

بر شما باد آمدن به مساجد، و به مساجد نروید مگر این که پاک، با قلبهای سالم و تسلیم خدا باشید. از این رو، برداشتن گامها به تنهایی بدن را از آتش حفظ نمی کند بلکه طهارت و نیت خالص برای خدا، بدن را از آتش حفظ می کند زیرا از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: [روز قیامت] امر می شود که مردانی را به سوی آتش ببرند، خدای متعال، به مالک دوزخ می گوید: به آتش بگو: قدمهای آنان را مسوزان زیرا اینها به مساجد می رفتند... مالک دوزخ به آنان می گوید: عمل شما در دنیا چه بوده؟ گفتند: ما برای غیر خدا عمل می کردیم(4).

اگر در راه رفتن به مساجد از دنیا برود، خداوند هفتاد هزار فرشته را بر او موکل می کند تا در قبرش او را عیادت کنند و در تنهایی با او انس بگیرند

ص: 43

1- پیامبر(ص) مردم را بر حضور در صف اول نماز تشویق کرد و فرمود: خدا و فرشتگان بر نماز گزاران صف جلو رحمت می فرستند. از این رو، مردم ازدحام کردند؛ خانه های قبیله



بنی عذر از مسجد دور بود، گفتند: خانه هایمان را می فروشیم و خانه هایی نزدیک مسجد می خریم تا صف جلو نماز را درک کنیم - مجمع البیان، ج 6، ص 334.

2- کنز العمال، ج 7، ص 576، ذیل حدیث / 20328؛ الدر المنثور، ج 5، ص 260؛ سوره یاس، 36.

3- کنز العمال، ج 7، ص 651، حدیث / 20741.

4- علل الشرائع، ص 466، حدیث 18. ص: 43

و برای او استغفار کنند تا از قبرش برانگیخته شود [\(1\)](#). پس باید نیت برای خدا باشد تا ثواب ببریم و از زایران خانه خدا باشیم.

سالم ترین قلبها، قلبهای جوانان است زیرا در جست و جوی خیرند و به وسوسه شیاطین آلوده نشده اند.

چگونگی ورود به مساجد

هر گاه به مسجد رسیدی، باید بدانی که به درگاه پادشاهی بزرگ آمده ای که جز پاکیزگان، قدم بر بساط او نگذارند و جز صدیقان، اجازه همنشینی با او را ندارند [\(2\)](#). مساجد، بازار آخرت اند؛ هر کس به آنها وارد شود، میهمان خداست، پذیرایی او آمرزش و هدیه او کرامت است [\(3\)](#).

مساجد، یکی از شش مکانی است که خدا آنها را در زمین فضیلت داده است [\(4\)](#). بنابراین، نباید وارد آنها شد مگر این که با طهارت [\(5\)](#) و با قلبهای پاکیزه و دیدگان فرو هشته و



دستهای پاک باشیم. هنگام ورود، پای راست را قبل از پای چپ به مسجد بگذار (6) و بگو:

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ

ص: 44

-
- 1- روضه الواعظین، ص 337.
 - 2- مصباح الشریعه، ص 130.
 - 3- کنز العمال، ج 7، ص 580، حدیث / 20348.
 - 4- امام صادق (ع) فرمود: خداوند از بقعه های زمین، شش بقعه را برگزیده است: 1- بیت الحرام (کعبه)؛ 2- حرم الهی؛ 3- قبرهای انبیا؛ 4- قبرهای اوصیا؛ 5- قبرهای شهدا؛ 6- مساجدی که در آنها نام خدا برده می شود. کامل الزیارات، ص 125.
 - 5- جامع الأخبار، ص 70؛ در فقه الرضا، ص 85، آمده: وارد مسجد مشو در حالی که جنب و یا حیض باشی مگر این که عبور کنی (از دری وارد و از در دیگر خارج شوی).
 - 6- الفقیه، ج 1، ص 155؛ المقنع، ص 58؛ در جمال الأسبوع، ص 225، پای چپ قبل از راست آمده است.

الرَّجِيمِ (1)، بِسْمِ اللَّهِ (2) وَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ (3)، أَسَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْتَحْ لَنَا بَابَ رَحْمَتِكَ، وَاجْعَلْنَا مِنْ عُمَّارِ مَسَاجِدِكَ (4)، وَاعْصِمْنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَمِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ (5).

هرگاه وارد مسجد شدی و مردم در حال نماز بودند، بر آنها سلام کن، و هرگاه کسی بر تو سلام کند، جواب او را بده چرا که عمار بن یاسر، بر پیامبر خدا گذشت در حالی که آن



حضرت نماز می خواند، عمار گفت: اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، پیامبر، سلام او را پاسخ داد(6).

سپس دو رکعت نماز تحیت مسجد می خوانی، پیش از آن که بنشینی زیرا از ابوذر(رض) نقل شده که گفت: بر رسول خدا وارد شدم در حالی که آن حضرت، تنها در مسجد نشسته بود. من فرصت را غنیمت شمردم، پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: ای ابوذر! برای مسجد، تحیتی است. عرض کردم، تحیت مسجد چیست؟ فرمود: دو رکعت نماز است که به جا

ص: 45

- 1- جامع الأخبار، ص 68؛ در مجمع البیان، ج 10، ص 372، آمده: مستحب است که هنگام ورود به مسجد بگوید: لَالِ اِلَهَ اِلَّا اللهُ، وَلَا اَدْعُوْا مَعَ اللهِ اَحَدًا.
- 2- تهذیب، ج 3، ص 263، حدیث / 774.
- 3- جامع الأخبار، ص 68.
- 4- الفقیه، ج 1، ص 155؛ در سنن ترمذی از حضرت فاطمه کبری علیهاالسلام نقل شده که فرمود: رسول خدا(ص) هرگاه وارد مسجد می شد، بر محمد صلوات و درود می فرستاد و می فرمود: رَبِّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَافْتَحْ لِي ابْوَابَ رَحْمَتِكَ، و هرگاه از مسجد خارج می شد، بر محمد صلوات و درود می فرستاد و می فرمود: رَبِّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَافْتَحْ لِي ابْوَابَ فَضْلِكَ.
- 5- کنز العمال، ج 7، ص 661، ذیل حدیث / 20791.

6- بحار، ج 84، ص 306، حدیث / 31.

آوری (1)، هرگاه یکی از شما به مسجد بیاید، پیش از این که بنشیند، باید دو رکعت نماز بخواند (2). از میان مساجد عبور نکنید مگر این که دو رکعت نماز در آنها بخوانید (3).

این فرمان به خاطر احترام مساجد است و باید به آن ملتزم باشیم اما متأسفانه اغلب نماز گزاران به آن عمل نمی کنند، پس چگونه از جوانان می خواهیم که به آن عمل کنند؟! محبوب ترین بندگان در نزد خدا کسی است که اول به مسجد وارد و آخر خارج شود (4). بهترین روزها، روز جمعه است زیرا از ابوذر غفاری نقل شده که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: زمانی که روز جمعه فرا رسد، خدای متعال، فرشتگانی را می فرستد که با آنان قلمهایی از طلا و صحیفه هایی از نقره است؛ آنها می آیند و بر در مسجد می ایستند و نامهای کسانی که به مسجد می آیند، به ترتیب اولویت می نویسند، هرگاه نامها را نوشتند... در صفهای جماعت به جست و جو می پردازند و جویای کسانی می شوند که به جماعت حاضر نشده اند، می گویند: فلانی کجا است؟ گفته می شود: او مریض است. فرشتگان می گویند: خدایا او را شفا ده تا به نماز حاضر شود، باز می پرسند، فلانی کجاست؟ می گویند: به سفر رفته است، فرشتگان می گویند: خدایا او را به سلامت برگردان زیرا او اهل نماز جمعه است، باز می گویند: فلانی کجاست؟ می گویند: از دنیا رفته است، ملائکه می گویند: خدایا او را

ص: 46

1- خصال، ص 523، حدیث 13؛ معانی الأخبار، ص 333، ضمن حدیث / 1؛ امالی شیخ

طوسی، ج 2، ص 153.



- 2- سنن ترمذی، ج 1، ص 198، حدیث / 315.
- 3- امالی صدوق، ص 344، ضمن حدیث / 1.
- 4- الفقیه، ج 2، ص 124، ذیل حدیث / 539؛ امالی شیخ طوسی، ج 1، ص 144.

پیامرز چرا که او نماز جمعه را به پا می داشت(1).

هرگاه بخواهی حاجت برآورده شود - زمانی که از خدا درخواست حاجت می کنی - باید درود و رحمت بر پیامبر صلی الله علیه و آله بفرستی. اَبُو کَهْمَس گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: مردی وارد مسجد شد، و پیش از ثنای خدا و درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله سخن گفت، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: این بنده در دعای خود شتاب کرد؛ سپس مرد دیگری وارد شد ثنا و ستایش از خدا کرد و صلوات بر رسول خدا فرستاد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: از خدا بخواه که به تو عطا می کند(2).

بنابراین، در مساجد نماز و دعا زیاد بخوانید و در مکانهای مختلف آن نماز بگزارید زیرا هر مکانی روز قیامت برای نماز گزار شهادت می دهد(3). بهترین قدمهایی که وارد مساجد خدا می شود، قدمهای جوانان است؛ هرگاه پای راست خود را به مسجد نهد، فرشتگان می گویند: خدا تو را پیامرز(4).

چگونگی خروج از مسجد

هرگاه از مسجد بیرون رفتی، نخست پای چپ را بیرون بگذار(5) و بگو:

اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِکَ مِنْ اِبْلِیْسَ وَ جُنُوْدِهِ (6)، اللَّهُمَّ صَلِّ (7) عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ



ص: 47

1- مستدرک، ج 6، ص 38، حدیث / 3، به نقل از تفسیر ابوالفتوح، ج 5، ص 325 (فارسی).

2- کافی، ج 2، ص 485، حدیث / 7.

3- امالی صدوق، ص 294، ذیل حدیث / 8.

4- جامع الأخبار، ص 69.

5- کافی، ج 3، ص 308، ضمن حدیث / 1؛ الهدایه، ص 280.

6- کنز العمال، ج 7، ص 660، حدیث / 20786.

7- در کنز العمال، ج 7، ص 657، حدیث / 20773، آمده است: فلیسلم علی النبی (ص).

مُحَمَّدٍ وَأَفْتَحَ لَنَا بَابَ فَضْلِكَ (1)؛ هر گاه این کار را کردی، فرشتگان می گویند: خدا تو را حفظ کرد و حوایج تو را بر آورده ساخت و پاداش تو را بهشت قرار داد (2).

مستحب است جلو در مسجد توقف کنی و این دعا را بخوانی: اللَّهُمَّ دَعَوْتَنِي فَأَجَبْتُ دَعْوَتَكَ وَصَلَّيْتُ مَكْتُوبَتَكَ وَأَنْتَشَرْتُ فِي أَرْضِكَ كَمَا أَمَرْتَنِي، فَاسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَمَلِ بِطَاعَتِكَ وَأَجْتَنِبُ سَخَطَكَ (3)، وَالْكَفَافِ مِنَ الرِّزْقِ بِرَحْمَتِكَ (4).

مبادا در خروج از مسجد شتاب کنی چرا که این کار، موجب فقر است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده: بیست خصلت، موجب فقر است، از جمله آنها تعجیل در خروج از مسجد و صبح زود به بازار رفتن است (5).



مبادا بی سبب از مسجد بیرون روی، پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: کسی که صدای اذان را در مسجد بشنود و بدون سبب از مسجد بیرون رود، منافق است مگر این که بخواهد برگردد (6) یا بدون طهارت باشد و برای تحصیل طهارت بیرون رود (7).

ص: 48

- 1- الفقیه، ج 1، ص 155؛ المقنع، ص 58؛ در امالی شیخ طوسی، ج 2، ص 209، آمده است: رسول خدا(ص) هنگامی که از مسجد خارج شد، فرمود: **اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رِزْقِكَ**.
- 2- جامع الأخبار، ص 69.
- 3- در فلاح السائل، ص 210، **مَعْصِيَتِكَ**، آمده است.
- 4- کافی، ج 3، ص 309، حدیث / 4؛ مجلسی در بحار، ج 84، ص 22، حدیث / 10، دعای دیگری نقل کرده است، مراجعه کنید.
- 5- بحار، ج 76، ص 315، حدیث / 2، به نقل از جامع الأخبار، ص 124.
- 6- امالی صدوق، ص 405، حدیث / 17؛ روضه الواعظین، ص 337.
- 7- دعائم الإسلام، ج 1، ص 147.

نشستن در مسجد

هر گاه در مسجد نشستی، مستحب است رو به قبله باشی (1) و هر گاه مردی در کنارت بنشیند برای او جا باز کن؛ روایت شده است که مردی وارد مسجد شد، در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله تنها در مسجد نشسته بود، پیامبر صلی الله علیه و آله برای او جا باز کرد، آن مرد گفت: مکان وسیع است ای رسول خدا! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: از حق



مسلمان بر مسلمان این است که هرگاه ببیند برادر مسلمانش می خواهد پهلوی او بنشیند، برای او جا باز کند(2).

رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه وارد مسجد می شد، مردم برای آن حضرت پیا می خواستند، وی آنان را نهی کرد و فرمود: برای او در مجلس جا باز کنند(3).

خدای تعالی فرموده است: «إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ»(4).
نشستن در مسجد و انتظار نماز کشیدن، عبادت است، مادامی که حدّثی از او سر نزنند(5)،
گفته شد: حدّث چیست ای رسول خدا؟ فرمود: غیبت کردن است(6). سخن ظالمانه در
مسجد، حسنات را از بین می برد(7) و بهترین اهل مسجد، کسانی هستند که بیشتر به

ص: 49

-
- 1- هان مأخذ، ص 148.
 - 2- مکارم الأخلاق، ص 25.
 - 3- تفسیر قمی، ج 3، ص 356.
 - 4- «هرگاه به شما گفتند: در مجالس خود جای را بر یکدیگر فراخ دارید، امر خدا را بشنوید، تا خدا بر توسعه مکان شما بیفزاید» مجادله / 11.
 - 5- کنز العمال، ج 7، ص 556، حدیث 20228.
 - 6- امالی صدوق، ص 342، حدیث / 11.
 - 7- جامع الأخبار، ص 70.



یاد خدا باشند (1).

کسی که در مسجد بنشیند، با خدای خود نشسته است، از این رو، حق این است که جز سخن خیر نگوید (2).

بنابراین، در مسجد هر سخنی لغو است مگر این که قرآن یا ذکر خدا یا سؤال از خیر یا اعطای خیر (3) یا سؤال از علم و دانشی باشد (4). بازار مسلمانان همچون مسجد آنهاست، هر کس به مکانی سبقت بگیرد، تا شب اولویت دارد (5).

نقل شده که مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: در مکه یا مدینه یا حایر امام حسین علیه السلام و یا در جاهایی که فضیلت دارند، هستیم. بسا هست که شخصی از جای خود بیرون می رود تا وضو بگیرد، در همین حال، شخص دیگری می آید و در جای او می نشیند، امام علیه السلام فرمود: کسی که به مکانی سبقت بگیرد، در آن روز و شب به آن مکان سزاوارتر است (6).

کسی که در مسجد بعد از نماز، منتظر نماز دیگر باشد، میهمان خداست و بر خدا حق است که میهمان خود را احترام کند (7).

نشستن در مسجد بعد از طلوع فجر تا طلوع آفتاب، سریعتر از

ص: 50



- 2- تنبيه الخواطر، ج 1، ص 69.
- 3- كنز العمال، ج 7، ص 671، حدیث / 20840.
- 4- تنبيه الخواطر، ج 2، ص 62؛ مكارم الأخلاق، ص 467.
- 5- الفقيه، ج 3، ص 124، حدیث / 540، تهذيب، ج 7، ص 9، حدیث / 1.
- 6- كامل الزيارات، ص 331، حدیث / 10.
- 7- المحاسن، ص 48، ذیل حدیث / 66.

مسافرت در زمین روزی را جلب می کند (1). امیرالمؤمنین علیه السلام هر روز در مکانی از مسجد اعظم (کوفه) می نشست و بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب تسبیح می کرد (2).

رهبانیت عرب، نشستن در مسجد است؛ مسجد مؤمن، مجلس، خانه و صومعه اوست (3). نقل شده که عثمان مظعون به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: من می خواهم راهب شوم و برای عبادت عزلت گزینم، آن حضرت فرمود: این کار را نکن، زیرا رهبانیت امت من، نشستن در مساجد (4) و انتظار نماز، بعد از نماز است (5).

کسی که مساجد، خانه او باشد، خداوند، عاقبت او را با راحتی و رحمت و عبور از پل صراط به سوی بهشت ختم می کند (6). از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که فرمود: نشستن در مسجد برای من بهتر است از نشستن در بهشت زیرا در بهشت خشنودی خودم و در مسجد خشنودی پروردگام است (7).

بنابراین، نشستن خود را برای غیر خدا قرار مده، مثل این که منتظر شخصی باشی یا برای استراحت یا ریا یا اتلاف وقت به مسجد بروی.



ص: 51

- 1- الخصال، ص 612، ضمن حدیث / 10.
- 2- البحار، ج 34، ص 148.
- 3- دعائم الإسلام، ج 1، ص 148.
- 4- در امالی صدوق، ص 40، آمده است: همانا رهبانیتِ اُمّت من، جهاد در راه خداست -
التعازی، ص 16، حدیث / 28.
- 5- تهذیب، ج 4، ص 191، حدیث / 541؛ در مشکاه الأنوار، ص 262، آمده است:
سیاحت در اُمّت من، ملازم در مسجد بودن و انتظار نماز بعد از نماز است.
- 6- کنز العمال، ج 7، ص 659، حدیث / 20785؛ مستدرک، ج 3، ص 362، حدیث /
18.
- 7- ارشاد القلوب، ص 218؛ عدّه الداعی، ص 194.

هرگاه خدا صدق نیت تو را در نشستن برای ذات مقدّس خود، بداند با نظر رأفت و رحمت و مهربانی به تو نگاه می کند و تو را نسبت به آنچه دوست دارد و می پسندد، موفّق می کند.

مسجدی در خانه

نقل شده است که نخستین کسی که در خانه اش مسجدی انتخاب کرد، عمّار بن یاسر بود (1). حضرت علی علیه السلام خانه ای متوسط که در آن جز فرش و قرآنی نبود، برای نماز خود برگزیده بود (2).



از پیامبر صلی الله علیه و آله در باره مردی سؤال شد که در منزلش نماز می خواند، سپس به مسجد می آید و با جماعت نماز می خواند، پیامبر فرمود: برای این مرد، دو بهره است (3).

بهترین نماز، نمازی است که شخص در خانه اش بخواند به طوری که جز خدای - عزوجل - او را نبیند و فقط رضای او را طلب کند (4). مقصود در این جا، نماز شب یا نمازهای مستحب و نوافل است.

نماز شخص در منزلش با جماعت برابر با بیست و چهار نماز است و نماز مرد در مسجد با جماعت، معادل با چهل و هشت نماز است ... و نماز فرادا در مسجد، معادل بیست و چهار نماز است و نماز فرادا در منزل مانند غباری پراکنده است که در پیشگاه خدا قبول نمی شود. هر کس به

ص: 52

1- الطَّبَقَاتُ الْكُبْرَى، ج 3، ص 350.

2- الْمُحَاسِنُ، ص 612، حدیث / 30؛ میان پُرانتر، الْمُحَاسِنُ، حدیث / 29.

3- كُنْزُ الْعَمَالِ، ج 7، ص 577، حدیث 20333؛ در کافی، ج 3، ص 381، حدیث / 8، آمده است: کسی که در منزلش نماز بخواند، سپس به یکی از مساجد آنان برود و با آنها نماز بخواند، با حسنات آنها بیرون رود.

4- اِمَالِی شَیْخِ طُوسِی، ج 2، ص 141.

سبب اعراض از مساجد، در خانه اش نماز جماعت بخواند، نماز او و کسانی که با او نماز خوانده اند، کامل نیست مگر این که عذری داشته باشد که نتواند به مسجد برود (1).

در جامعه کنونی آیا دیده ای یا شنیده ای که شخصی در خانه خود، مسجدی انتخاب کند؟ در پاسخ خواهی گفت: آیا در خانه، مسجدی انتخاب می شود؟ در خانه ها، جای تمیز و پاکیزه ای کم یافت می شود، بخصوص خانه هایی که کودکان در آنها زیادند. بنابراین، چه نیکوست اگر در خانه هایمان، خانه ای را به عنوان مسجد انتخاب کنیم و در خلوت بر گناهان خود گریه کنیم زیرا سبب تراکم اندوههای ما این است که در خلوت اشکی نریخته ایم، هر چیزی دارای وزن و اندازه ای است مگر اشک (2) [که قیمت آن قابل سنجش نیست].

هیچ قطره ای نزد خدا محبوب تر از قطره اشکی نیست که در تاریکی شب از ترس خدا برای خدا ریخته شود (3). از مسمع نقل شده که گفت: امام صادق علیه السلام به من نوشت: دوست دارم که در منزلت، یکی از خانه ها را مسجد قرار دهی، سپس دو جامه کهنه و خشن بپوشی، آن گاه از خدا بخواهی که تو را از آتش آزاد و به بهشت داخل کند و سخن بیهوده و حرف زور بر زبان نیاوری (4).

روایت شده که چون مریم به سنّ زنان رسید، زکریّا برای مریم در مسجد، محرابی ساخت و در آن را در وسط محراب قرار داد، فقط با



- 1- بحار، ج 88، ص 14، ضمن حدیث / 25، به نقل از امالی شیخ طوسی، ج 2، ص 307.
- 2- کافی، ج 2، ص 481، حدیث / 1.
- 3- کافی، ج 2، ص 482، حدیث / 3.
- 4- المحاسن، ص 612، حدیث / 31.

نردبان به محراب می رفت و جز زکریا، دیگری به آن محراب وارد نمی شد، همه روزه آب و غذا و روغن برای مریم می آورد، هر زمانی که زکریا به محراب مریم وارد می شد، روزی (میوه تازه) در نزد مریم می دید. زکریا از این موضوع تعجب می کرد، مریم می گفت: این روزی از نزد خدا از بهشت است (1). همچنین حضرت فاطمه (س) سرور زنان جهان در محراب خود نماز می خواند (2).

گمان نرود که مقصود ما از این سخن، عزلت و رهبانیت است (3) بلکه منظور ما نماز شب و نمازهای مستحبی روز است زیرا کسی که خدا را در نهان یاد کند، بسیار یاد کرده است (4).

فایده مساجد

برای مساجد، فواید زیادی است که برخی از آنها را یادآور می شویم:

- 1- برادری که در راه خدا به دست می آوری؛ کسی که به مسجد می رود، دست کم یکی از سه فایده را می برد، ... برادری که در راه خدا به دست می آورد، مرد مسلمان بعد از فایده اسلام، هیچ فایده ای را به دست نیاورده که مثل برادر در راه خدا باشد (5).



ص: 54

- 1- مجمع البیان، ج 2، ص 436.
 - 2- بشاره المصطفی، ص 198؛ علل الشرائع، ص 181، حدیث / 1.
 - 3- هنگامی که پسر عثمان بن مظعون وفات یافت، سخت محزون شد تا آن جا که خانه ای را از منزلش به عنوان مسجد انتخاب کرد و در آن به عبادت پرداخت؛ رسول خدا(ص) به او فرمود: خداوند رهبانیت را بر ما مقرر نکرده است، همانا رهبانیت امت من، جهاد در راه خداست - امالی صدوق، ص 40.
 - 4- کافی، ج 2، ص 501، حدیث / 2.
 - 5- امالی شیخ طوسی، ج 1، ص 45.
- 2- اطلاع بر علم تازه ای یا آیه محکمی [از آیات قرآن] یا سخنی که او را هدایت کند یا از هلاکت نجات دهد(1).
- 3- رحمت الهی شامل حال او می شود و گاهی با دعای او، خدا بلا را از او دور می کند زیرا نقل شده است: کسی که در رفتن به مسجد مداومت کند، به رحمت منتظره ای دست یابد(2)، هرگاه رحمت بر اهل مسجد نازل شود، ابتدا بر امام، سپس بر کسانی که طرف راست امام هستند و سرانجام بر همه صفها، نازل می شود(3). [کسی که به مسجد می رود یا رحمت] یا روزی نصیب او می شود؛ از امام حسین علیه السلام نقل شده است که فرمود: قوی ترین عامل برای جلب روزی ... حضور در مسجد، پیش از اذان و مداومت بر طهارت است(4).



[فرد] یا در مسجد دعایی می کند که خدا بلای دنیا را از او دفع می کند (5) یا برای برآورده شدن حاجتی به مسجد می رود؛ امام صادق علیه السلام فرمود: حاجتی به خدا داشتم، در گرمای نیم روز [برای قضای آن] به مسجد رفتم، همچنین هرگاه حاجتی برای من رخ دهد به مسجد می روم (6). یا برای رفع غم به مسجد بروم؛ امام صادق علیه السلام فرمود: چه مانع می شود شما را که هرگاه غمی از غمهای دنیا روی آورد، وضو بگیرید و به مسجد بروید،
دو

ص: 55

-
- 1- روضه الواعظین، ص 338.
 - 2- مجمع الزوائد، ج 2، ص 22.
 - 3- کنز العمال، ج 7، ص 567، حدیث / 20291.
 - 4- بحار، ج 76، ص 318.
 - 5- امالی شیخ طوسی، ج 1، ص 45.
 - 6- البرهان، ج 2، ص 38، حدیث / 3، به نقل از تفسیر عیاشی، ج 2، ص 29، حدیث / 82؛ رجال کشی، ص 231، حدیث / 418.
- رکعت نماز بخوانید و در نماز دعا کنید (1).

4- ترک کارهای زشت و ناپسند، یا به سبب حیا از نماز گزاران یا به دلیل ترس از خدا؛ علی علیه السلام فرموده است: کسی که به مسجد رفت و آمد کند، به یکی از هشت چیز دست یابد: ... گناهی را به سبب ترس یا حیا ترک می کند.



5- ضبط حرکات افعال نماز به طور صحیح؛ نقل شده است که: رسول خدا وارد مسجد شد، آنس بن مالک را دید که نماز می خواند و به اطراف خود نگاه می کند؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای آنس! همانند کسی که نماز وداع می خواند، نماز بخوان، چنین در نظر بیاور که پس از این هیچ گاه نمازی نمی خوانی، چشمهایت را به محل سجده ات بدوز، به کسانی که طرف راست و چپ تو هستند، هیچ توجهی نکن. بدان که تو در برابر کسی هستی که تو را می بیند ولی تو او را نمی بینی (2).

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: مردی وارد مسجدی شد که پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در آن مسجد بود، آن مرد سجده را آن گونه که شایسته است، انجام نداد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: همانند کلاغ دانه چید، اگر این مرد (با این حالت بمیرد) (3) بر غیر دین محمد صلی الله علیه و آله مرده است (4).

ص: 56

1- مجمع البیان، ج 1، ص 100؛ تفسیر عیاشی، ج 1، ص 43، حدیث / 39.

2- دعائم الإسلام، ج 1، ص 157.

3- جمله میان پرانتز، در: ثواب الأعمال، ص 273، حدیث / 1، و در: المحاسن، ص 79، حدیث / 5، نیامده است.

4- امالی صدوق، ص 391، حدیث / 8؛ در المحاسن، ص 82، ذیل حدیث / 11، آمده است: علی (ع) مردی را دید که در نمازش همانند کلاغ که دانه می چیند، سرعت سجده می کند، امیر مؤمنان (ع) فرمود ... مثل تو در نزد خدا همچون مثل کلاغ است زمانی که دانه



از زمین می چیند، اگر با این وضع بمیری بر دین اسلام نمرده ای ... و دزدترین مردم کسی است که از نمازش بدزدد.

در کتاب ربیع الأبرار نقل شده است که مردی اعرابی، نماز خود را سُبُک به جا آورد، علی علیه السلام با تازیانه به سوی او رفت و فرمود: نمازت را دوباره بخوان، [او اعاده کرد] هنگامی که از نماز فارغ شد، امام علیه السلام فرمود: آیا این نماز بهتر است یا نماز اولی؟ او گفت: اولی، امام علیه السلام فرمود: چرا؟ گفت: زیرا نماز اول را برای خدای متعال خواندم و دومی را از ترس تازیانه به جا آوردم، علی علیه السلام خندید(1).

6- مسجد برای واردین امان است، و به وسیله آنان خدا عذاب را برطرف می کند؛ در روایت آمده است: اگر کسانی که مساجد مرا آباد می کنند(2)، نبودند، البتّه عذاب بر آنها نازل می کردم(3). رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: خورشید و ماه برای مرگ و زندگی هیچ کس نمی گیرند، لیکن این دو، دو آیه از آیات الهی هستند، هرگاه این آیات را دیدید، برای نماز به سوی مساجدتان بشتابید(4). از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود: زلزله ها، گرفتن خورشید و ماه و بادهای وحشتناک از نشانه های قیامت اند، هرگاه یکی از این علامتها را دیدید، روز قیامت را به یاد آورید و به مساجدتان پناه ببرید(5).

7- برای مساجد، اوتادی هستند، همنشین آنها فرشتگان اند که از آنان دلجویی می کنند، اگر حاجتی داشته باشند، فرشتگان به آنها کمک، اگر



- 1- ربیع الأبرار، ج 2، ص 106.
- 2- صاحب مستدرک، در: ج 3، ص 367، گفته است: مقصود از آبادی مساجد، آبادی آنها به نماز و دعا و ذکر و قرائت قرآن است، نه ساختن و تعمیر سقف و دیوارهای آنها.
- 3- جعفریات، ص 229؛ مشکاه الأنوار، ص 124.
- 4- المقنعه، ص 35؛ مسکن الفؤاد، ص 94.
- 5- امالی شیخ صدوق، ص 375، حدیث / 4.

بیمار شوند، از آنها عیادت، اگر غایب باشند، از آنان جست و جو می کنند و اگر حاضر باشند، گویند: خدا را یاد کنید (1).

8- اهل مسجد، در آخرت، ثواب می برند، و از کسانی هستند که خدا، آنها را در سایه خود جای می دهد، روزی که هیچ سایه ای جز سایه او نباشد ... مردی که هرگاه از مسجد بیرون رود، قلب او به مسجد متوجه باشد تا زمانی که برگردد (2).

تمام مطالبی که یادآور شدیم در این سخن امیر مؤمنان، علی علیه السلام جمع شده است، فرمود: کسی که به مسجد رفت و آمد کند، به یکی از هشت چیز دست یابد (3): برادری که در راه خدا به دست آورد، یا علم تازه ای تحصیل کند، (یا آیه محکمی، یا رحمت منتظره ای، یا سخنی که او را از هلاکت نگه دارد، یا سخنی بشنود که او را هدایت کند) یا گناهی را از روی ترس یا حیا ترک کند (4). بنابراین، هرگاه به خانه خدا وارد می شوی، از فوایدی که خدا برای تو مهیا کرده است، خود را محروم مکن، بیشترین فایده را جوانی می برد که آنچه را در مسجد گفته می شود کاملاً فرا می گیرد و در سلوک وی اثر می گذارد، برخلاف پدران چرا که آنها به



ص: 58

1- کنز العمال، ج 7، ص 581، حدیث / 20351؛ مجازات النبویّه، ص 412، حدیث / 330.

2- خصال، ص 342.

3- در قرب الإسناد، ص 33، آمده است، امام حسن (ع) فرمود: کسی که در آمد و شد به مسجد مداومت کند، به یکی از هفت چیز دست یابد.

4- الفقیه، ج 1، ص 153، حدیث / 36؛ ثواب الأعمال، ص 46، حدیث / 1؛ تهذیب، ج

3، ص 248، حدیث 681؛ نهایه شیخ طوسی، ص 108؛ فلاح السائل، ص 90؛ المحاسن،

ص 48، حدیث / 66؛ تحف العقول، ص 166؛ میان پرانتر، از: قرب الإسناد، ص 33،

چنین است: یا رحمت منتظره یا آیه محکمی که او را هدایت کند، یا - به گمان راوی فرمود:

- سخن درست یا ارشادی که وی را از هلاکت حفظ کند.

مشکلات و اندوههای دنیا گرفتارند.

اعتکاف

در لسان العرب آمده است: اعتکاف، مأخوذ از عَكَفَ عَلَى الشَّيْءِ، است، یعنی به آن روی

آورد، در حالی که مواظب بود و صورت خود را برنگرداند. برخی گفته اند: عَكَفَ یعنی

اقام، اقامت کرد و از همین قبیل، سخن خدای متعال است: «ظَلَّتْ عَلَيْهِ عَاكِفًا»⁽¹⁾؛ یعنی

مُقِيمًا؛ عَكَوْفٌ به معنای اقامت در مسجد است؛ خدای تعالی فرموده است: «وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ

فِي الْمَسَاجِدِ»⁽²⁾ یعنی در حالی که در مساجد اقامت کرده اید.



به کسی که ملازم مسجد است و بر عبادت در مسجد پایداری می کند، عاکف و معتکف می گویند. اعتکاف و عکوف به معنای اقامت در جایی و ملازم بودن چیزی یا جایی است... و گفته شده است: اعتکاف به معنایِ همنشینی مخصوص است (3).

در کتاب شرائع الإسلام آمده است: اعتکاف، همان درنگ طولانی در مسجد برای عبادت است و جز از مکلف مسلمان، صحیح نیست (4).

شرایط اعتکاف، نیت و روزه است؛ اعتکاف بدون روزه، صحیح نیست (5). حدّ اقلّ اعتکاف سه روز است (6). هرگاه دهه آخر ماه فرا می رسد،

ص: 59

1- طه، 97/20.

2- بقره، 187/2.

3- لسان العرب، ج 9، ص 255.

4- شرائع الإسلام، ج 1، ص 215؛ جواهر الکلام، ج 17، ص 159.

5- دعائم الإسلام، ج 1، ص 286.

6- کافی، ج 4، ص 177، حدیث / 2؛ الفقیه، ج 2، ص 121، حدیث / 525؛ استبصار، ج 2، ص 128، حدیث / 418؛ تهذیب، ج 4، ص 289، حدیث / 876.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد معتکف می شد، خیمه ای از مو برای آن حضرت برپا می کردند، دامن به کمر می زد و رختخواب خود را جمع می کرد (1). در خبر ابوالعبّاس



از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در دهه اول ماه رمضان معتکف شد، سپس مرتبه دوم در دهه وسط معتکف شد، آن گاه در مرتبه سوم در دهه آخر ماه معتکف شد، پس از آن همواره رسول خدا صلی الله علیه و آله در دهه آخر ماه معتکف شد (2).

امام صادق علیه السلام فرمود: اعتکاف صحیح نیست مگر در بیستم ماه رمضان (3). در جواهر الکلام آمده است: شرط بودن روزه در اعتکاف مثل شرط بودن طهارت در نماز است... چه این که روزه واجب باشد یا مستحب باشد، روزه رمضان باشد یا غیر رمضان، و هیچ اختلافی در این مورد وجود ندارد بلکه از کتاب المعتمر (4) نقل شده که فتوای علمای ما همین است (5).

در کتاب شرائع الإسلام آمده است: اعتکاف صحیح نیست مگر در زمانی که روزه صحیح باشد و اعتکاف کنندگان باید از کسانی باشند که روزه آنان صحیح است. بنابراین، اگر در عید فطر و قربان معتکف شود، اعتکافش صحیح نیست (6).

ص: 60

-
- 1- کافی، ج 4، ص 175، حدیث / 1؛ الفقیه، ج 2، ص 120، حدیث / 517؛ تهذیب، ج 4، ص 287، حدیث / 896؛ استبصار، ج 2، ص 130، حدیث / 426.
 - 2- الفقیه، ج 2، ص 123، حدیث / 535؛ الکافی، ج 4، ص 175، حدیث / 3.
 - 3- کافی، ج 4، ص 176، حدیث / 2.



- 4- در المعتمر، ج 2، ص 726 آمده است: هر روزه ای که بگیرد، خواه واجب باشد یا مستحب، رمضان باشد یا غیر رمضان، [فرق نمی کند] فتوای علمای ما نیز همین است.
- 5- جواهر الکلام، ج 17، ص 164.
- 6- شرائع الإسلام، ج 1، ص 215.

از این رو، در ایران اسلامی می بینیم که مراسم اعتکاف در «ایام البیض»⁽¹⁾ یعنی سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم ماه برگزار می شود بویژه در ماه رجب زیرا فضیلت و برکت در این ماه است⁽²⁾. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل نزد من آمد و گفت: به علی علیه السلام بگو: از هر ماهی سه روز، روزه بگیر... گفتم: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله این ثوابها فقط مخصوص من است یا برای عموم مردم است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند، این ثوابها را به تو و هر کس که این عمل را به جا آورد، عطا می کند، گفتم: آن سه روز کدام است ای رسول خدا؟ فرمود: ایام البیض در هر ماهی، و آن سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم است⁽³⁾.

مکان اعتکاف؛ از عالم علیه السلام⁽⁴⁾ در باره اعتکاف سؤال شد، فرمود:

ص: 61

1- شیخ مفید در کتاب المقنعه، ص 58، گفته است: ایام البیض را به علّت شبهای آنها «بیض» گفته اند، و علّت آن که شبهای آنها به این نام خوانده شده، این است که در این شبها، ماه از هنگام غروب خورشید طلوع می کند و تا طلوع آفتاب غروب نمی کند - الدرّوع الواقیه، ص 66، به نقل از: المقنعه، با کمی اختلاف.



2- رجب، ماه بزرگی است، خداوند، حسنات را در آن دو برابر، و سیئات را محو می کند، کسی که یک روز از ماه رجب را روزه بگیرد، آتش از او دور شود، و کسی که سه روز روزه بگیرد، بهشت بر او واجب گردد - الفقیه، ج 2، ص 56، حدیث / 245. کسی که ایام الیض ماه رجب را روزه بگیرد، و شبهای آن را به عبادت بگذراند... خدا هزار حاجت او را بر آورد... و خدا در بهشت برای او صد قصر از زمرد بنا کند... و این کار برای خدا آسان است - المستدرک، ج 7، ص 523، حدیث 4. رجب ماه ریزش رحمت خدا بر بندگان است - البحار، ج 97، ص 36، حدیث 16 به نقل از: عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 71، حدیث 331؛ در این کتاب به جای «اصب» «اصم» آمده است، رجب: نهری است در بهشت، از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر، کسی که یک روز، از ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند از آن نهر، او را سیراب فرماید - تهذیب، ج 4، ص 306، حدیث 924.

3- وسائل، ج 10، ص 437، حدیث / 3.

4- منظور، امام کاظم (ع) است - جامع الرواه، ج 2، ص 462.

اعتکاف، شایسته نیست مگر در مسجد الحرام و مسجد الرسول و مسجد کوفه و مسجد جامع، و مادامی که معتکف است باید روزه بگیرد (1).

از عمر بن یزید نقل شده است که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: در باره اعتکاف در بعضی از مساجد بغداد چه می فرمایید؟ امام فرمود: اعتکاف نیست مگر در مسجد جامعی که امام عادل در آن نماز جماعت خوانده باشد و اعتکاف در مسجد کوفه و بصره و مسجد مدینه و مسجد مکه مانعی ندارد (2)... و در روایتی مسجد مداین آمده است (3).



در کتاب شرائع الإسلام آمده که ضابطه اعتکاف، هر مسجدی است که در آن، پیامبری یا وصیّ او نماز جماعت اقامه کرده باشد؛ برخی از فقیهان گفته اند: نماز جمعه خوانده باشد(4).

اجازه کسی که بر دیگری ولایت دارد مثل شوهر بر همسر و پدر و مادر بر فرزندانشان در اعتکاف شرط است.

همچنین لازم است همواره در مسجد باشد، اگر بدون مجوز خارج شود، چه مایل باشد و چه نباشد، اعتکافش باطل است. بنابراین، اگر سه روز در مسجد نگذراند، اعتکاف باطل می شود.

اما خروج از مسجد برای کارهای ضروری مثل قضای حاجت سُست و شوی بدن و عیادت بیمار، جایز است.

امام صادق علیه السلام فرموده است: شایسته نیست که اعتکاف کننده از مسجد بیرون رود مگر برای حاجتی که ناگزیر باشد. سپس از ساعتی که

ص: 62

1- فقه الرضا، ص 190؛ کافی، ج 4، ص 176، حدیث / 3، به نقل از امام صادق(ع).

2- کافی، ج 4، ص 176، حدیث / 1.

3- الفقیه، ج 2، ص 120، حدیث / 520.

4- شرائع الإسلام، ج 1، ص 216.



بیرون رفته ننشیند تا به مسجد برگردد(1).

از مسجد بیرون نرود مگر برای تشییع جنازه یا عیادت بیماری [یا برای نماز جمعه(2)]
اعتکاف زن نیز همین گونه است(3)، جز این که اگر حیض شود باید از مسجد بیرون رود
تا پاک شود(4)، هرگاه پاک شد آنچه را بر ذمه اوست، قضا کند(5)؛ در صورتی که
اعتکاف کننده بیمار شود، به خانه اش می آید و زمانی که خوب شود به مسجد برمی گردد
و روزه می گیرد(6).

هرگاه برای یکی از امور فوق از مسجد بیرون رود، نشستن و راه رفتن زیر سایه برای او جایز
نیست و نیز نماز خواندن در خارج مسجد مگر این که در مکه باشد زیرا در مکه هر کجا
بخواهد، می تواند نماز بخواند و چنانچه سهوا از مسجد بیرون رود، اعتکاف او باطل نمی
شود(7).

کسی که در مسجد معتکف شده، لازم است به ذکر خدا و تلاوت قرآن و نماز مشغول باشد،
سخن دنیا نگوید، شعر نخواند، خرید و فروش نکند، با زنی خلوت نکند، دشنام و حرف
زشت نگوید، با هیچ کس مجادله و ستیز نکند(8)، بوی خوش به کار نبرد، از گیاه خوشبو
لذت نبرد(9)،

ص: 63

1- فقه امام رضا(ع)، ص 190.

2- کافی، ج 4، ص 178، حدیث 1.



- 3- کافی، ج 4، ص 178، حدیث / 3؛ الفقیه، ج 2، ص 122؛ حدیث 529؛ تهذیب، ج 4، ص 294، حدیث 871.
- 4- دعائم الإسلام، ج 1، ص 128.
- 5- کافی، ج 4، ص 179، ذیل حدیث 2؛ الفقیه، ج 2، ص 123، ذیل حدیث / 536.
- 6- کافی، ج 4، ص 179، حدیث 1؛ ج 2، ص 122، حدیث 530؛ تهذیب، ج 4، ص 294، حدیث 893.
- 7- شرائع الإسلام، ج 1، ص 217.
- 8- دعائم الإسلام، ج 1، ص 287.
- 9- کافی، ج 4، ص 177، حدیث / 4؛ الفقیه، ج 2، ص 122، حدیث 527؛ تهذیب، ج 4، ص 288؛ استبصار، ج 2، ص 129، حدیث 3.

با زنان مباشرت نکند؛ خدای متعال فرموده است: «وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَآنتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ» (1).

فواید اعتکاف

مهمترین فواید اعتکاف عبارت است از:

- 1- صبر بر طاعات و میزان آمادگی نفس بر آن.
- 2- پی بردن به ذات نفس از طریق فاصله گرفتن با لذایذ و تزیینات دنیا که آیا به دین متمایل است یا بیشتر به دنیا توجه دارد؟



3- تفکر و توجّه کامل به عبادت به دلیل گستردگی وقت که بعدها به آن خو می گیرد و این به سبب ارزش خشوعی است که همراه با گریه است و موجب پاک شدن نفس از رذایل می شود.

4- استجابت دعا به علت آمادگی کامل برای عبادت.

5- کمال آرامش و راحت خاطر به سبب دوری نفس از مادیّات.

6- احساس پشیمانی و توجّه به استغفار و توبه با خلوص نیت نسبت به گناهانی که نفس در گذشته مرتکب شده است؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: رجب، ماه استغفار امّت من است، در این ماه، بسیار استغفار کنید زیرا که خدا، آمرزنده و مهربان است (2).

7- کسب فضایل پسندیده و عادات حسنه چرا که معتکفان در مساجد اغلب از مؤمنان هستند.

8- نگاه داشتن زبان و آگاهی بر لغزشهای انسان که موجب خاموشی و

ص: 64

1- «در هنگامی که در مساجد معتکف هستید، با زنان، مباشرت نکنید» بقره / 187.

2- البحار، ج 97، ص 38، حدیث / 24.

جرأت بر امر به معروف و نهی از منکر می شود.



9- ارتباط بیشتر قلبها به مساجد برای این که در هنگام اعتکاف به اهمیت مساجد پی می برد.

بنابراین، اعتکاف مدرسه تهذیب نفس است و اعتکاف برای جوانان، بیشتر از پدرانشان اهمیت دارد به دلیل این که جوانان از فراغت برخوردارند و مسؤولیتی برای کسب روزی ندارند.

مساجد ما شکایت می کنند و جوانان را فرا می خوانند

غریبان در دنیا چهارند: 1- قرآنی که در قلب ستمگری باشد؛ 2- مسجدی که در میان مردمی باشد که در آن نماز نمی خوانند؛ 3- قرآنی در خانه ای باشد که قرائت نمی شود؛ 4- مرد صالحی که در میان مردمان بدی باشد (1).

از این رو، مساجد ما به خدا شکایت می کنند بویژه از همسایگانشان که در آنها حاضر نمی شوند. خداوند به مساجد وحی کرد: سوگند به عزت و جلالم، یک نماز از آنها نمی پذیرم، عدالتی از آنها در میان مردم آشکار نمی کنم، آنها را مشمول رحمت خود نمی گردانم، و در بهشت مجاور من نخواهند بود (2). جابر از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: روز قیامت سه چیز می آیند و به خدای متعال شکایت می کنند: 1- قرآن؛ 2- مسجد؛ 3- عترت پیامبر صلی الله علیه و آله (3)؛ قرآن می گوید: خدایا! مرا تحریف و

ص: 65



2- امالی شیخ طوسی، ج 2، ص 307.

3- همچنین روایت شده: سه چیز است که به خدای متعال شکایت می کنند: 1- مسجد خرابی که اهل محل در آن نماز نمی خوانند؛ 2- عالمی که بین مردم نادان باشد؛ 3- قرآنی که آویخته شده و گرد و غبار بر آن نشسته است و قرائت نمی شود. الخصال، 142، حدیث 163. در روضه الواعظین، ص 236، به جای «معلق» «مغلق» آمده است و در جامع الأخبار، ص 70، آمده است: و مسجد خرابی که اهل محل در آن نماز نخوانند.

پاره پاره کردند. مسجد می گوید: خدایا! مرا تعطیل و ضایع کردند. عترت می گوید: خدایا! ما را گشتند، آواره و در به در کردند(1).

هرگاه مردی که اهل مسجد است، غایب شود، سپس به مسجد برگردد، مسجد شادمان می شود، همان گونه که شما هرگاه مسافرتان بیاید، شادمان می شوید(2). شخصی که در مسجد برای نماز اقامت می کند، خدا را شادمان می کند، همان گونه که اهل خانه با دیدار مسافرشان خوشحال می شوند(3).

اما مساجد ما به برکت هوشیاری اسلامی تعطیل نشده است ولی از حاضر نشدن جوانان شکایت دارند چرا که وجود جوانان، رونق مسجد و کارهای عبادی ایشان، چراغ راه وارد شوندگان است و این به سبب صدق نیت و خلوص آنهاست زیرا دامهای شیطان هنوز در قلب آنها رسوخ نکرده است. همچنین مساجد از دو دسته شکایت می کنند: اول، واعظان جیره خواری که سخنگوی دربار شاهان ستمگرند. دوم، خطبا و سخنرانانی که احادیثی را ترویج می کنند که ضرر آنها بیش از نفع آنهاست.



امام جماعت مسجد باید عادل، مؤمن، عاقل و حلال زاده و بنا بر قول اظهر، بالغ باشد(4)، همچنین مریض نباشد. بنابراین، شخص بیمار برای اشخاص تندرست نمی تواند امامت کند زیرا این امامت، مخصوص پیامبر

ص: 66

1- خصال، ص 175، حدیث 232.

2- دعائم الإسلام، ج 1، ص 148.

3- نهاییه ابن اثیر، ج 1، ص 130.

4- شرائع الإسلام، ج 1، ص 124.

خدا صلی الله علیه و آله بوده است(1)، و باید ناصبی نباشد؛ پشت سر ناصبی نماز نخوانید، مگر این که بترسید مشهور و انگشت نما شوید(2).

نیز شرط است که امام جماعت، قاری ترین کتاب خدا باشد و داناترین مردم به حلال و حرام باشد، در سخن راستگوتر، در رفتار نیکوتر و از لحاظ سن بزرگتر باشد؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: قاری ترین مردم به کتاب خدا باید امام جماعت باشد، اگر در قرائت قرآن مساوی باشند، کسی که به سنت، داناتر است باید امام باشد، اگر در آگاهی از سنت یکسان باشند، کسی که در هجرت مقدم بوده است باید امام جماعت باشد، اگر در هجرت برابر باشند، کسی که سنش بزرگتر است(3) و اگر در سن مساوی باشند، کسی که زیباتر است باید امام جماعت باشد(4).



اگر خوشحال می شوید که نماز شما پاک باشد، نیکانتان را در امامت جماعت مقدم دارید (5) چرا که امام جماعت مردم، نماینده آنها به سوی خداوند است (6). کسی که امامت گروهی را بر عهده گیرد، در حالی که از او داناتر [یا فقیه تر] وجود دارد، همواره کار آنها به پستی و فرومایگی پیش می رود (7) [امام جماعت رابت] و امیر منصوب از سوی امام عادل و صاحب منزل برای امامت مقدم اند و سادات هاشمی در صورتی که شرایط امامت

ص: 67

-
- 1- دعائم الإسلام، ج 1، ص 151.
 - 2- دعائم الإسلام، ج 1، ص 151.
 - 3- مستدرک، ج 6، ص 476، حدیث / 8.
 - 4- المقنع، ص 66؛ علل الشرائع، ص 326، حدیث / 3.
 - 5- الفقیه، ج 1، ص 247، حدیث / 1101؛ علل الشرائع، ص 326، حدیث / 3.
 - 6- دعائم الإسلام، ج 1، ص 151.
 - 7- تهذیب، ج 3، ص 56، حدیث / 194؛ علل الشرائع، ص 326. کلمه میان گروه از ثواب الأعمال، ص 246، حدیث / 1؛ محاسن، ص 93، حدیث / 49.

در آنان باشد بر دیگران اولویت دارند هرگاه امامان جماعت به نزاع پردازند، هر کدام را که مأمومین مقدم داشتند، اولویت دارد، پس از آن اگر اختلاف کردند، نخست قاری تر، سپس فقیه تر، آن گاه کسی که در هجرت سبقت داشته، بعد از او کسی که سنش بیشتر است و پس از همه اینها کسی که زیباتر باشد، برای امامت مقدم است (1).



هر گاه در امام جماعت این شرایط باشد، قلبها به او اطمینان می یابد و بگو مگو از مجالس برطرف می شود، در نتیجه، دلها و گوشهای آنان متوجه می شود به آنچه امام می گوید از قبیل امر و نهی یا حکمتی که موجب تهذیب نفس می شود و بیشترین تأثیر را در دلهای جوانان می گذارد چرا که تازه و با طراوت اند.

چگونگی حضور جوانان

مهمترین امور برای حضور جوانان در مساجد به شرح زیر است:

1- امام جماعت مسجد باید از لحاظ علمی و دینی و اخلاق، سلوکی شایستگی داشته باشد و خود را بی خبر وانمود کند (یعنی آنچه را که از باطن اشخاص می داند، اظهار نکند) دوستدار آخرت و به مظاهر دنیایی اعتنا باشد، در جایی که حضور وی مقتضی است، حاضر شود و در تمام کارها جدی باشد تا هنگامی که برای کاری آنها را به مسجد دعوت می کند، همه حاضر شوند، و فرمان او را اطاعت کنند. در چنین مواردی، مردم و از جمله جوانانی که برای رشد و تکامل شخصیت خود به دنبال الگو هستند، در مسجد حاضر می شوند و بعد از هر نمازی برای استقامت

ص: 68

1- شرائع الإسلام، ج 1، ص 125.

دلهایشان، مواعظ و ارشادات دینی بیان می شود؛ البته باید طولانی و خسته کننده نباشد بلکه مختصر و مفید باشد تا مؤثر واقع شود.



بنابراین، هنگامی که فقیر و ثروتمند در کنار یکدیگر، پشت سر امام جماعت مسجد نماز می خوانند، پیر و جوان، دانشجو و بی سواد نشسته اند و به سخنان امام جماعت مسجد گوش می دهند. در این هنگام، کبر و برتری جویی از بین می رود و رحمت، مهربانی، همبستگی روحی و شوق به حضور در مسجد میان آنها به وجود می آید در استفاده علمی و ادای عبادت و مکان عبادت، همه مساوی اند.

2- هنگامی که امام جماعت مسجد با واردین معارفه می کند، باید دو کار انجام دهد: 1- جلسه ای مرگب از اهالی منطقه تشکیل دهد و درباره امور مخصوص به مسجد با مردم تبادل نظر کند و به پیشنهادها و دیدگاههایشان گوش فرا دهد. 2- در راستای امور مسجد، کمیته هایی تشکیل دهد و به قدر امکان در حل مشکلاتی که به مسجد مربوط است، بکوشد.

اما اموری که به خارج مسجد مربوط است، باید به کمک به عائله های نیازمند، عیادت بیماران، حضور در عروسیها و عزراها و اصلاح بین مسلمانان اهمیت دهد و اما کارهایی که مخصوص کمیته هاست، بر حسب احتیاجات مسجد تقسیم می شود: 1- کمیته ای برای نظافت و تمیزی مسجد، و این سخن به معنای بی نیازی از مأمور دایمی نظافت نیست زیرا کار کمیته نظافت، کمک به مأمور نظافت است؛ البته زمانی که مقتضی باشد. 2- کمیته ای برای خرید نیازمندیهای مسجد. 3- کمیته ای برای اداره کتابخانه. 4- کمیته قرض الحسنه. 5- کمیته ای برای جمع آوری اعانات و کمک به نیازمندان. 6- کمیته ای برای تبلیغ.



در برخی از این کمیته ها، اولویّت را به جوانان بدهند و آنان را در اداره امور شریک گردانند و باید همه کمیته ها برای هماهنگی بیشتر در کارهای مسجد با امام جماعت در ارتباط باشند.

3- دوره هایی برای تلاوت و حفظ و تفسیر قرآن به طور منظم تشکیل دهند؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: هر قومی که در خانه ای از خانه های خدا بنشینند و کتاب خدا را بخوانند و با یکدیگر مباحثه کنند، میهمان خدای متعال هستند و فرشتگان با بالهای خود بر آنان سایه می افکنند، مادامی که مشغول این کار باشند و به سخن دیگری نپردازند (1).

در روایتی آمده است: آرامش بر آنها فرود می آید و رحمت، آنان را فرا می گیرد و فرشتگان، آنها را گرمی می دارند (2).

نیز پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: اگر یک نفر از شما به مسجد بیاید و یک آیه تعلیم بگیرد، از یک شتر برای او بهتر است و دو آیه از دو شتر بهتر و سه آیه برای او از سه شتر بهتر می باشد (3).

همچنین [امام جماعت] درسهای فقهی، آموزشی، اخلاقی بدهد و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیه السلام و شخصیتهای مکتبی را در راستای تربیت روحی و روانی بیان کند. باید در این زمینه قبلاً آماده باشد و از زیاده گویی و طول سخن پرهیزد و مطالبی که می گوید، متنوع، محرّک، و با زندگی اجتماعی مردم مرتبط باشد، ده دقیقه بیشتر سخن نگوید تا کسانی که کار دارند، وقتشان تنگ نشود و جوانان خسته نگردند؛ هرگاه فایده سخن عام باشد، حضور مردم بیشتر خواهد شد زیرا این سخن با

1- مستدرک، ج 3، ص 363، حدیث 21، به نقل از دراللاکی، ج 1، ص 8.

2- کنز العمال، ج 1، ص 544، حدیث / 2436.

3- امالی شیخ طوسی، ج 1، ص 367.

تازگی و طراوت همراه و موجب تشویق مردم می شود.

4- ایجاد کتابخانه ای که در آن کتابهای حدیث، دعا، اخلاق، تفسیر قرآن، سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیه السلام موجود باشد. همچنین نوارهای کاست از قرآن و سخنرانیهای مفید، تهیه شود. اسماعیل بن جابر از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت، رساله ای برای اصحاب خود نوشت و دستور داد آن را بخوانند و مورد توجه قرار دهند و به آن عمل کنند. یاران امام، آن رساله را در مساجد خانه های خود گذاشتند و هر زمان از نماز فارغ می شدند، آن را مطالعه می کردند(1). بنابراین، بودن کتابخانه در مسجد، یکی از انگیزه های حضور جوانان است.

5- اذان گفتن را مختص یک نفر قرار ندهد(2) بلکه جوانانی را که صدای خوب دارند برای اذان گفتن تمرین دهد و فایده های اذان را برای آنها بیان کند؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: کسی که اذان مسجدی از مساجد خدا را به عهده گیرد و در آن برای رضای خدا اذان بگوید، خداوند به او ثواب... پیامبری عطا کند(3).

روایت شده که مؤذنان [در قیامت] با پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان محشور می شوند(4).



6- به طور علنی مردم را برای دادن خمس و زکات و تبرّعات و ارتباط با ثروتمندان تشویق کند از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که به اصحاب

ص: 71

1- کافی، ج 8، ص 2، حدیث 1.

2- نخستین کسی که برای مؤذنان، موجب قرار داد، عثمان بن عفان بود - وفاء الوفا، ج 2، ص 530.

3- ثواب الأعمال، ص 342.

4- امالی صدوق، ص 163، ضمن حدیث 1.

خود فرمود: برای خدا در امواتان حقی است، البتّه هرگاه به حدّ نصاب برسد. پس مردم، صدقات خود را می آوردند و در مسجد می گذاشتند. هرگاه آن مکان پر می شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله آن صدقات را تقسیم می کرد(1).

مردم مدینه، زکات فطریّه خود را به مسجد رسول خدا می آوردند(2). رسول خدا صلی الله علیه و آله پنج نفر را از مسجد بیرون کرد و فرمود: شما که زکات نداده اید در مسجد نماز نخوانید(3).

کمیته مسؤول جمع آوری خمس و زکات و اعانات باید از معتمدین باشد تا به آنها اطمینان باشد و باید برخی از جوانان مورد اعتماد نیز با آنان مشارکت کنند، اگر بخواهند به شخص خاصی کمک کنند، باید بیرون مسجد و بدون این که کسی بفهمد به او کمک کنند و اما



اگر می خواهند به همه اشخاص کمکی کنند، بهتر است در مسجد باشد. امیر مؤمنان علی علیه السلام در مسجد عطیه می داد(4).

7- تشکیل کمیته ای برای صندوق قرض الحسنه که در اداره آن برخی از جوانان شریک باشند.

8- جوانان نیرومند را در مراسم تعزیه ها و موالید اسلامی شرکت دهند و در صورتی که خطایی از آنان صادر شود، به طور غیر مستقیم به آنان گوشزد کنند چرا که یادآوری خطا به طور مستقیم، موجب کناره گیری و عدم حضور آنها در مسجد می شود و علت دیگر این که دلهای جوانان نازک است و انتقاد مستقیم را تحمل نمی کنند بلکه انتقاد را عیبجویی به

ص: 72

1- المستدرک، ج 7، ص 96، حدیث 3، به نقل از تفسیر ابوالفتوح، ج 1، ص 470.

2- تفسیر عیاشی، ج 1، ص 150، حدیث 493.

3- غوالی اللآلی، ج 3، ص 114، حدیث 4.

4- الإختصاص، ص 304؛ بصائر الدرّجات، ص 358.

حساب می آورند.

9- امام جماعت یک روز را برای نظافت و تمیز کردن مسجد با مشارکت همه گروهها اختصاص دهد و از جمله جوانان با میل و رغبت شرکت کنند. نظافت مسجد به حدیثهایی



که در این باره وارد شده است، ارتباط دارد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: مزدهای اُمّت من بر من عرضه شد حتّی پَر کاه و خاشاکی که شخصی آن را از مسجد بیرون می برد(1).

هر کس روز پنجشنبه و شب جمعه مسجد را جارو کند و اندکی از خاک به اندازه ای که در چشم بیفتد از مسجد بیرون برد، خداوند او را بیامرزد(2).

روایت شده است: کسی که مسجدی را جارو کند، خداوند برای او ثواب آزاد کردن یک بنده بنویسد و کسی که به اندازه پر کاه و خاشاکی که در چشم بیفتد از مسجد بیرون برد، خداوند برای او دو بهره از رحمت خود بنویسد(3). بهشت و حوران بهشتی به کسی که مساجد را جارو می کند و خاشاک آن را می گیرد، مشتاق اند(4).

بیرون بدن زباله از مسجد، کابین حورالعین است(5). در این هنگام است که همگان به ویژه جوانان ارزش و ثواب تمیز کردن مساجد را درک می کنند.

ص: 73

1- کنزالعمال، ج 1، ص 615، حدیث 2833.

2- الفقیه، ج 1، ص 152، حدیث 701؛ امالی صدوق، ص 405، حدیث 15؛ تهذیب، ج

3، ص 254، حدیث 703؛ روضه الواعظین، ص 336؛ ثواب الأعمال، ص 51، حدیث 1.

3- امالی صدوق، ص 152، حدیث 1؛ روضه الواعظین، ص 336، المحاسن، ص 56،

حدیث 87.

4- اصول السّته عشر، ص 55 (اصل زید نرسی).



5- کنز العمال، ج 7، ص 655، ذیل حدیث 20766.

10- گذاشتن صندوقی برای پیشنهادها و انتقادهای که برخی از جوانان بر آن اشراف داشته باشند.

هرگاه مسؤولیتها به جوانان واگذار شود، جوانان ارزش آن را درک می کنند، در نتیجه، ارتباط صمیمی به صورتی مستمر در مسجد به وجود می آید.

الصَّلَاةُ جَامِعَةٌ

عبارت «الصَّلَاةُ جَامِعَةٌ» برای دعوت مردم به اجتماع در مسجد به کار می رفت گرچه گاهی برای اقامه نماز نبود این ندا و دعوت در حوادث بزرگ و امور مهم رایج بود؛ واژه: الصَّلَاةُ، به سبب فعل محذوف یعنی «احضروا» منصوب است و «جامعه» بنا بر حالیت منصوب است و بسا به رفع خوانده می شود یعنی مبتدا و خبر باشد.

بنابراین، اجتماع مردم در مسجد برای توضیح در باره کاری بوده است (1). اکنون به بعضی از این اجتماعات با ندای «الصَّلَاةُ جَامِعَةٌ» توجه فرمایید: از جمله هنگامی که پیامبر می خواست مکه را فتح کند، از خدا در خواست کرد که اخبار آن را بر کفار قریش پوشیده دارد تا ناگهانی وارد مکه شود... حاطب بن بلتعنه، نامه ای به اهل مکه نوشت و آنها را به تصمیم پیامبر صلی الله علیه و آله مبنی بر فتح مکه با خبر ساخت. او نامه را به زن سیاهی سپرد و به او فرمان داد تا از بی راهه به مکه رود. وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله در این باره نازل و آن حضرت خبردار شد. از این رو، امیر مؤمنان را خواست و به او فرمود: یکی از اصحاب من به اهل مکه نامه ای نوشته و آنها را از هدف

1- البحار، ج 57، ص 115.

ما با خبر ساخته است... این نامه با زن سیاهی است که از بی راهه به مکه می رود، سپس پیامبر صلی الله علیه و آله زبیر بن عوام را خواست و به او فرمود: به همراه علی علیه السلام به طرف مکه برو. آن دو از بی راهه حرکت کردند و به آن زن رسیدند. زبیر جلو رفت و راجع به نامه ای که با اوست از او پرسید. وی انکار کرد و سوگند خورد که نامه ای با من نیست و گریست. زبیر گفت: ای امیر مؤمنان! به نظر من نامه ای با این زن نیست، برگردیم به سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله و آن حضرت را به بی گناهی این زن آگاه سازیم؛ علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من خبر داده است که نامه ای با خود دارد و به من امر فرموده که نامه را از او بگیرم و تو می گویی که نامه ای با او نیست؛ سپس شمشیر از نیام بر کشید و به سوی آن زن رفت و فرمود: آگاه باش! به خدا سوگند! اگر نامه را بیرون نیاوری، گردنت را می زنم. آن زن گفت: هر گاه چاره ای نیست ای پسر ابوطالب، صورت خود را از من برگردان. آن حضرت، صورت خود را از او برگردانید، آن زن روسری خود را برداشت و آن نامه را از میان گیسوان خود بیرون آورد. امیر مؤمنان علیه السلام نامه را گرفت و به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آورد. پیامبر امر فرمود که ندا دهند: الصلوه جامعه، در میان مردم ندا دادند و آن ها در مسجد جمع شدند تا مسجد پُر شد. آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله بر فراز منبر رفت، نامه را به دست گرفت و فرمود: ای مردم! من از خدا درخواست کردم که اخبار ما را از قریش پوشیده بدارد لیکن مردی از شما



به اهل مکه نامه نوشته و اخبار ما را گزارش داده است؛ صاحب نامه بایستد و گرنه وحی، او را رسوا خواهد کرد، هیچ کس بلند نشد، دوباره سخن خود را تکرار کرد، حاطب بن ابی بلتعنه در حالی که همچون شاخه خشکیده خرما می لرزید، ایستاد و گفت: من صاحب نامه هستم ای رسول خدا! بعد از این که اسلام آوردم، هیچ گاه نفاق

ص: 75

نداشته ام و بعد از یقین خود شک نکرده ام؛ پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: پس چه چیز تو را وادار کرد که این نامه را نوشتی؟ او گفت: ای رسول خدا! خانواده من در مکه است و در آن جا قوم و قبیله ای ندارم، ترسیدم که از ناحیه آنها زبانی به ما برسد، در نتیجه، نامه من وسیله ای باشد تا شر آنها را از خانواده ام باز دارد و من بر آنها مسلط باشم، و این کار را به سبب شک در دین انجام نداده ام.

عمر بن خطاب ایستاد و گفت: ای رسول خدا! اجازه بده تا او را بگشتم چرا که او منافق است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: او از اهل بدر است، شاید خدای متعال که بر ضمیر آنها آگاه است، آنها را بیامرزد؛ او را از مسجد بیرون کنید. مردم از پشت سر او را راندند تا از مسجد بیرون کردند، در حالی که او به پیامبر نگاه می کرد شاید بر او رحم کند، رسول خدا صلی الله علیه و آله امر کرد تا او را به مسجد برگردانند و به او فرمود: تو را عفو کردم و از جرمت گذشتم، از خدایت مغفرت بخواه و چنین جنایتی را تکرار نکن (1).



از جمله این که چون آخرین روز از ایام التَّشْرِيقِ (2) فرا رسید، خدای متعال آیه: «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ» (3) را نازل کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خبر مرگم به من داده شد، سپس ندا داد: الصَّلُوهُ جَامِعَهُ، مردم در مسجد

ص: 76

1- بحار، ج 21، ص 119، حدیث 18، به نقل از ارشاد مفید، ص 33.

2- ایام التَّشْرِيقِ روزهایی است که حاجیان در منی هستند و آن یازدهم و دوازدهم و سیزدهم بعد از روز عید قربان است، در عِلَّتِ نامگذاری آن اختلاف شده، بعضی گفته اند: ایام التَّشْرِيقِ نامیده شده به این سبب که گوشتهای قربانی را در آفتاب منی پهن می کنند تا خشک شود؛ بعضی گفته اند: به این سبب به این نام خوانده شده که قربانیها را نحر نمی کنند تا این که خورشید طلوع کند - نهاییه، ج 2، ص 464؛ مجمع البحرین، ج 5، ص 191.

3- سوره نصر، 1/110.

خَيْفَ اجْتِمَاعِ كَرَدْنَد، پیامبر صلی الله علیه و آله حمد و ثنای الهی به جای آورد و فرمود: ... ای مردم! من دو چیز گرانبها در میان شما می گذارم. عرض کردند: ای رسول خدا آن دو چیز گرانبها چیست؟ فرمود: کتاب خدا و عترت من، اهل بیت من، حقیقتا خدای لطیف و خبیر به من خبر داده است که این دو از هم جدای نمی شوند تا این که در کنار حوض بر من وارد شوند (1). از جمله موارد، این است که مردی به محضر امیر مؤمنان آمد و گفت: پروردگار ما را برای ما توصیف کن تا محبت و معرفت ما نسبت به او زیاد شود. آن حضرت



غضبناک شد و ندا داد: الصَّلاه جامعه، مردم اجتماع کردند تا این که مسجد پُر شد. او بر منبر بالا رفت در حالی که غضبناک و رنگ او دگرگون شده بود(2)...

از جمله موارد، این است که چون معاویه به قصد عراق حرکت کرد و به پُل مَنبج (3) رسید، منادی فریاد زد: الصَّلاه جامعه؛ چون مردم اجتماع کردند، امام حسن علیه السلام بر فراز منبر رفت، حمد و ثنای الهی به جای آورد، سپس فرمود: اَمَّا بَعْدُ، خدای متعال، جهاد را بر مسلمانان مقرر فرموده و آن را امری مکروه نامیده است(4)؛ پس از آن خداوند به مؤمنان مجاهد فرموده است: «اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» ای مردم، به آنچه دوست دارید نمی رسید مگر این که بر آنچه کراهت دارید صبر کنید(5).

ص: 77

-
- 1- تفسیر قمی، ج 1، ص 173؛ بحار، ج 37، ص 128.
 - 2- نهج البلاغه، ص 124؛ التَّوْحِيد، ص 48، حدیث 13.
 - 3- منبج، شهر وسیعی است دارای خیرات زیاد، پیرامون آن دیواری است که با سنگ بنا شده، فاصله بین آن و فرات سه فرسخ است - معجم البلدان، ج 5، ص 206.
 - 4- اشاره به این آیه شریفه است: كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَّكُمْ، بقره، 216/2.
 - 5- بحار، ج 44، ص 50، به نقل از شرح نهج البلاغه، ج 16، ص 38، آیه 46، انفال / 8.

مساجدی که نماز در آنها ثواب دارد



اول - مسجدالحرام: روایت شده است که ابراهیم علیه السلام مسجدالحرام را بنا کرد و این مطلب به نصّ قرآن ثابت است (1). این نخستین مسجدی است که برای عبادت بنا شده (2) و یکی از قصرهایی است که در بهشت ساخته شده (3) و نماز در آن برابر با صد هزار نماز است (4) و نماز در آن از صد هزار نماز در دیگر مساجد، افضل است (5).

ادای فریضه در آن برابر با یک حجّ و خواندن نماز مستحبّی برابر با یک عمره است (6). از این رو، نماز و دعا در این مسجد، بسیار بخوانید، آگاه باشید که برای هر بنده ای روزی است که به سوی او می آید (7).

دوم - مسجد الأقصی: نقل شده است که سلیمان علیه السلام (8) مسجد الأقصی را بنا کرد (9)؛ عبدالله بن عمرو از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که سلیمان بن

ص: 78

1- سنن نسائی، ج 2، ص 32؛ خدای متعال فرموده: وَ اِذْ يَرْفَعُ اِبْرَاهِيمَ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ، بقره، 127/2.

2- اباذر از رسول خدا (ص) پرسید: کدام مسجد اول بنا شده است؟ فرمود: مسجدالحرام - سنن نسائی، ج 2، ص 32.

3- امیر مؤمنان (ع) فرموده است: چهار قصر از قصرهای بهشتی در دنیا است: 1- مسجد الحرام؛ 2- مسجد الرسول؛ 3- مسجد بیت المقدس؛ 4- مسجد کوفه - امالی شیخ طوسی، ج 1، ص 379.

4- کافی، ج 4، ص 536، حدیث 5؛ دعائم الإسلام، ج 1، ص 148.



5- ثواب الأعمال، ص 50.

6- از امام باقر(ع) نقل شده که فرمود: مساجد اربعه، مسجدالحرام و مسجدالرسول و مسجد بیت المقدس و مسجد کوفه است... نماز فریضه در مسجد کوفه برابر با یک حج و نماز مستحبی برابر با یک عمره است - الفقیه، ج 1، ص 148، حدیث 683.

7- وسائل، ج 5، ص 272، حدیث 9، به نقل از کافی، ج 4، ص 526، حدیث 4.

8- بنا به روایتی آدم(ع) بنا کرد؛ سنن نسائی، ج 2، ص 32.

9- سنن نسائی، ج 2، ص 32.

داوود چون بیت المقدس را ساخت، سه خصلت از خداوند متعال تقاضا کرد: 1- از خداوند عزوجل درخواست کرد که به وی حکمی بدهد که مطابق با حکم خدا باشد، خدا به او داد؛ 2- از خداوند جلیل درخواست کرد چنان پادشاهی به او بدهد که شایسته هیچ کس بعد از او نباشد، خداوند هم به او داد؛ 3- هنگامی که از ساختن مسجد فارغ شد، از خدای متعال خواست که هر کس فقط به انگیزه نماز به این مسجد بیاید، از گناهان خود بیرون رود مثل روزی که از مادر متولد شده است: بنا به روایتی، نماز در آن، برابر هزار نماز است(1).

سوم - مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله (2): هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه هجرت کرد و شتر آن حضرت در مکانی که خرما خشک می کردند، زانو زد - این مکان به دو پسر بچه یتیم به نام سهل و سهیل تعلق داشت - پیامبر فرمود: **إِنْ شَاءَ اللَّهُ**، منزل همین جاست؛ پس آن دو نوجوان را فرا خواند و با آنها وارد معامله شد تا آن مکان را بخرد و مسجد بسازد، آن دو گفتند: آن را به شما می بخشیم ای رسول خدا! پیامبر صلی الله علیه و آله از این که به عنوان هبه آن را قبول کند، امتناع کرد تا این که آن را به ده دینار طلا



خرید، سپس آن را مسجد ساخت. در آن مکان درخت خرما و قبرهای مشرکان و خرابه‌هایی وجود داشت. پیامبر صلی الله علیه و آله امر کرد تا قبرهای مشرکان را نبش و خرابه‌ها را هموار کردند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ایستاد و ردای خود را روی زمین گذاشت تا چیزی [از مصالح ساختمانی] در آن حمل شود. هنگامی که مهاجران و انصار، این صحنه را دیدند، رداها و کساهای خود را به زمین

ص: 79

1- سنن نسائی، ج 2، ص 34.

2- روضه الواعظین، ص 338.

انداختند. عثمان، خشتی را حمل می کرد و آن را از جامه اش دور نگه می داشت و زمانی که خشت را به زمین می گذاشت، آستین خود را تکان می داد تا گرد و خاک آن بریزد. وی به جامه خود نگاه می کرد، اگر خاک به آن رسیده بود، گرد و غبار آن را می زدود، امام علی علیه السلام به او نگاه کرد و فرمود:

کسی که مساجد را آباد می کند و در عمران آن - ایستاده و نشسته - پیوسته می کوشد، با کسی که از گرد و غبار دوری می کند، برابر نیست.

عمّار بن یاسر، این رجز را شنید و آن را می خواند، در حالی که نمی دانست مقصود چه کسی است...؟ عمّار، دو خشت حمل می کرد، یک خشت برای خودش و یک خشت برای رسول خدا صلی الله علیه و آله. پیامبر صلی الله علیه و آله به سوی او رفت، دست بر پشت



او کشید و فرمود: ای پس سَمیّه! برای تو دو آجر و برای مردم یک آجر است و آخرین توشه تو از دنیا، شربتی از شیر است و گروه ستمکار تو را می‌کُشد.

ستونهای مسجد از تنه درختان خرما و سقف آن از شاخه و برگ خرما به شکل خیمه ای بود؛ طول آن از سمت قبله تا آخر آن صد ذراع و از دو طرف دیگر نیز صد ذراع به شکل مربع بود. گفته می‌شود: کمتر از صد ذراع بوده است، قبله مسجد به سمت بیت المقدس قرار داده شد و این مسجد، سه در داشت ... هنگامی که قبله از بیت المقدس تغییر یافت، پیامبر صلی الله علیه و آله دری را که پشت سرش بود، بست.

پیامبر صلی الله علیه و آله دوبار مسجد را ساخت؛ یکی هنگامی که وارد مدینه شد، کمتر از صد ذراع در صد ذراع ساخت و بار دیگر هنگامی که خدا خیر را به دست او فتح کرد، مسجد را ساخت و به همان اندازه ای که بود، بر

ص: 80

حُجره های آن افزود(1).

در کتاب معانی الأخبار آمده است که دیوار مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش از این که دارای سقف باشد، به اندازه یک قامت بود؛ هرگاه سایه یک ذراع می‌شد، نماز ظهر را می‌خواند و هرگاه سایه دو ذراع می‌شد، نماز عصر را می‌خواند(2). بنابراین، در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار نماز بخوانید زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: نماز در مسجد من مثل هزار نماز در دیگر مساجد است به جز مسجد الحرام زیرا در مسجد الحرام، برابر با هزار نماز در مسجد من است(3).



چهارم - نماز در مسجد قبا(4): هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه هجرت فرمود، در قبا بر طایفه بنی عمرو بن عوف فرود آمد، پس روز دوشنبه و سه شنبه و چهارشنبه و پنجشنبه در میان آنها اقامت کرد و مسجد خود را تأسیس فرمود، سپس خداوند روز جمعه پیامبر صلی الله علیه و آله را از میان آنها بیرون بُرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله اولین کسی بود که با دست خود، سنگی را در قبله مسجد گذاشت و آن نخستین مسجدی است که در اسلام بنا شد(5)

در باره همین مسجد و اهل آن آیه شریفه نازل شد: «لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ

ص: 81

1- وفاء الوفاء، ج 1، ص 324-340.

2- معانی الأخبار، ص 160، ذیل حدیث / 1.

3- کامل الزیارات، ص 21.

4- قبا به ضمّ قاف با مدّ و قصر خوانده می شود اسمی است غیر منصرف که به صورت مذکر و مؤنث به کار می رود، نام موضعی است نزدیک مدینه، از سمت جنوب، حدود دو میل با مدینه فاصله دارد [و مسجد التّقی، نیز نامیده می شود]. مجمع البحرین، ج 3، ص 454 - ما بین کروهه، از: معجم البلدان، ج 5، ص 124، نقل شده است.

5- معجم البلدان، ج 5، ص 124.

عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا»(1).



هنگامی که «فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا» نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله به سوی اهل مسجد قُبا رفت و فرمود: من دیدم که خدا شما را ثنای نیکو گفت، تطهیر کردن شما چگونه است؟ گفتند: با آب (2) پس از به کار بردن سنگ (3) استنجا می کنیم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله هر شب (4) پیاده (5) به مسجد قبا می آمد و می فرمود: کسی که در خانه خود تطهیر کند، سپس به مسجد قبا بیاید و یک نماز در آن بگذارد، برای او ثواب یک عمره خواهد بود (6). هر کس به مسجد بنی عمرو بن عوف یعنی مسجد قُبا برود، و تنها هدفش نماز باشد، برای او ثواب یک عمره خواهد بود (7).

از امام صادق علیه السلام راجع به مسجدی که بر اساس تقوا، بنا شده است، سؤال شد، فرمود: مسجد قُباست (8).

نقل شده که زمین مسجد قبا از آن زنی به نام لیه بود؛ وی الاغ خود را در آن جا می بست. سعد بن خيثمه، مسجدی در آن ساخت، اهل مسجد ضرار گفتند: ما در جایگاه الاغ لیه نماز بخوانیم؟!، به ذات خدا سوگند!

ص: 82

-
- 1- «الْبَتَّةُ مَسْجِدِي كَمَا بَنِيَتْ مِنْ رُؤْسِ الْوَيْطِ بِرُؤْسِ الْوَيْطِ» سزاوارتر است که در آن نماز بگذاری، در آن مردانی هستند که دوست دارند خود را پاک سازند» توبه / 108.
 - 2- تاریخ مدینه منوره، ج 1، ص 47.
 - 3- معجم البلدان، ج 5، ص 124.



4- در تاریخ مدینه منوره، ج 1، ص 45، روز دوشنبه، آمده است.

5- بحار، ج 19، ص 194.

6- تاریخ مدینه منوره، ج 1، ص 40.

7- تاریخ مدینه منوره، ج 1، ص 41.

8- تفسیر عیاشی، ج 2، ص 111، حدیث 135.

لیکن ما مسجدی را می سازیم و در آن نماز می گزاریم تا این که ابو عامر بیاید و امام جماعت ما باشد. ابو عامر (1) از خدا و رسولش فرار کرده و به مکه رفته بود. او سپس به شام رفت و در آن جا نصرانی شد و در گذشت (2).

پنجم - مسجد القبلتین: رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از بعثت، سیزده سال در مکه و نه ماه در مدینه، به سمت بیت المقدس نماز گزارد؛ سپس یهود، آن حضرت را سرزنش کردند و گفتند: تو پیرو قبله ما هستی، به این جهت پیامبر صلی الله علیه و آله سخت غمناک شد؛ در یکی از شبها بیرون رفت و صورت خود را به کرانه های آسمان برمی گردانید، هنگامی که صبح شد، نماز صبح را به جای آورد (3) [و نماز ظهر را در مسجد بنی سلّمه می خواند (4)] و چون دو رکعت خوانده بود، جبرئیل آمد و به آن حضرت فرمود: «قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّينَاكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا» (5) سپس دست پیامبر صلی الله علیه و آله را



1- وی، پدر حنظله غسیل الملائکه است؛ در دوران جاهلیت به علت عبادت زیاد، به «راهب» ملقب شد و در میان قبیله اوس و خزرج، کسی آگاهتر از وی به اوصاف پیامبر(ص) نبود او از یهود و نصارا راجع به صفات پیامبر(ص) سؤال می کرد و آنها به او خبر می دادند که مدینه، دارالهجره آن حضرت است. هنگامی که پیامبر(ص) به مدینه وارد شد، حسد ورزید و راه ستم و نفاق در پیش گرفت و از آن جایی که با حق و اهل آن مخالفت کرد، پیامبر(ص) او را فاسق نامید و چون حنظله پسرش اسلام آورد، از رسول خدا(ص) اجازه خواست تا پدرش را بکشد ولی پیامبر(ص) او را از این کار نهی کرد. ابو عامر رئیس منافقان بود و آواره و غریب مُرد، همان گونه که رسول خدا(ص) فرمود: خداوند، دروغگو را آواره و تنها میرانید - البدایه و النهایه، ج 4، ص 22؛ الإصابه، ج 1، ص 361؛ صفه الصفوه، ج 1، ص 608؛ مجمع البیان، ج 3، ص 72؛ المعارف، ص 343؛ المنتظم، ج 3، ص 184.

2- تاریخ مدینه منوره، ج 1، ص 54.

3- در تفسیر قمی، ج 1، ص 62، بنی سالم، آمده است.

4- مابین کروش، از: تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 42، نقل شده است.

5- «ما توجه تو را به آسمان به انتظار وحی و تغییر قبله می بینیم، البته روی تو را به قبله ای که بدان خشنود شوی بگردانیم» بقره / 144.

گرفت و صورت آن حضرت را به سوی کعبه برگردانید و نیز کسانی که پشت سر آن حضرت بودند، صورت خود را به سمت کعبه برگرداندند تا این که مردان به جای زنان و زنان به جای مردان ایستادند، به این ترتیب، اول نماز به سوی بیت المقدس و آخر آن به سوی کعبه بود(1). این مسجد که در مدینه نزدیک چاه رومه است(2)، به نام مسجد القبلتین نامیده شد(3).



نقل شده است که بنی عبدالأشهل، به نزد آنها آمدند در حالی که نماز می خواندند و دو رکعت را به بیت المقدس خوانده بودند، پس به آنها گفته شد که: پیامبر شما به سوی کعبه رو گردانید، آنها نیز به سوی کعبه رو کردند... و یک نماز را به دو قبله خواندند. به این ترتیب، مسجد آنها، مسجد القبلتین نامیده شد(4). در الفقیه آمده است: این خبر به مسجدی در مدینه رسید در حالی که اهل آن مسجد از نماز عصر، دو رکعت خوانده بودند، پس به طرف کعبه رو کردند، در نتیجه اول نماز آنان به سوی بیت المقدس و آخر نمازشان به سوی کعبه برگزار شد و آن مسجد را، مسجد القبلتین نامیدند(5).

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: کی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله صورت خود را به سوی کعبه برگردانید؟ فرمود: پس از این که از جنگ بدر مراجعت کرده بود(6).

ص: 84

-
- 1- الفقیه، ج 1، ص 178، حدیث 843.
 - 2- تهذیب، ج 2، ص 44، ذیل حدیث 138، چاه رومه، در عقیق مدینه واقع است. معجم البلدان، ج 1، ص 299.
 - 3- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 42.
 - 4- تهذیب، ج 2، ص 44، حدیث 138.
 - 5- الفقیه، ج 1، ص 178، ذیل حدیث 842.
 - 6- تهذیب، ج 2، ص 43، حدیث 135.



ششم - مسجد کوفه (1): اگر مردم، فضیلت کوفه را می دانستند، البتّه توشه و راحله از مکانهای دور برای آن تهیّه می کردند زیرا نماز فریضه در آن برابر با یک حج و نماز نافله برابر با یک عمره است (2).

نماز در مسجد کوفه به طور فرادا بهتر است از هفتاد نماز که در دیگر مساجد با جماعت خوانده شود (3). نشستن در مسجد کوفه بدون این که قرآن تلاوت کند، عبادت است (4).

نقل شده که مردی نزد امیر مؤمنان علیه السلام آمد، در حالی که آن حضرت در مسجد کوفه بود، آن مرد می خواست به مسجد اقصی برود، امام فرمود: از رفتن به مسجد اقصی چه چیزی را اراده کرده ای؟ او گفت: کسب ثواب و فضیلت را؛ امام فرمود: شتر خود را بفروش و توشه سفر خود را مصرف کن و در همین مسجد نماز بخوان، چرا که نماز فریضه در این مسجد، ثواب حجّ مقبول و نماز نافله، ثواب عمره مقبوله دارد، و برکت آن تا دوازده میل است (5). بنابراین، سفر نشاید مگر به سوی سه مسجد: مسجدالحرام، مسجدالرّسول، مسجد کوفه (6). زمانی خواهد آمد که این مسجد، مصلاّی فرزندان مهدی و مصلاّی هر مؤمنی خواهد بود و مؤمنی در روی زمین نمی ماند، مگر این که قلبش به سوی این مسجد مشتاق است، پس رفتن به آن را ترک نکنید و به سوی خدای متعال با نماز

ص: 85

1- کوفان و کوفه، یکی است، معجم البلدان، ج 4، ص 490.

2- جامع الأخبار، ص 69؛ کامل الزیارات، ص 28.

3- ثواب الأعمال، ص 50، حدیث 2.



4- روضه الواعظین، ص 337.

5- کافی، ج 3، ص 491، حدیث / 2؛ التهذیب، ج 3، ص 251، حدیث 689؛ کامل الزیارات، ص 32.

6- الفقیه، ج 1، ص 150، حدیث / 695؛ الخصال، ج 1، ص 142، حدیث 166.

خواندن در آن تقرّب جوید و برای برآورده شدن حوایج خود به سوی آن بروید(1).

در کوفه، مساجدی مبارک و مساجدی لعنت شده، وجود دارد، اما مساجد مبارک به شرح زیر است:

1- مسجد غنی که آن مسجد مبارکی است، به خدا سوگند که قبله آن معتدل است و مرد مؤمنی آن را تأسیس کرده، و آن در ناف زمین است و زمین آن پاکیزه می باشد. شبها و روزها نمی گذرد تا این که چشمه ای در آن جاری شود و در دو طرف آن دو باغ باشد، اهل آن ملعون هستند و این مسجد از آنها گرفته خواهد شد.

مسجد جعفری، مسجد مبارکی است [این مسجد امروز نیست و می گویند: از بین رفته است(2)] بسا مردمانی از غیب در این مسجد اجتماع می کرده(3) و در آن نماز می خوانده اند.

3- مسجد بنی ظفر(4)، مسجد مبارکی است، به خدا سوگند، در آن تخته سنگ سبزی است، خداوند هیچ پیامبری را نفرستاده است مگر این که تمثال چهره اش در آن موجود است و آن مسجد سهله می باشد.



4- مسجدالحمراء که همان مسجد یونس بن متی است، چشمه ای در آن جاری می شود که بر روی زمین شوره زار و اطراف آن آشکار می گردد.

ص: 86

1- روضه الواعظین، ص 337.

2- میان قلاب، از: روضه الواعظین، ص 336؛ تهذیب، ج 3، ص 250؛ کافی، ج 3، ص 490، نقل شده است.

3- در امالی شیخ طوسی، ج 1، ص 171، به جای «غیب» لفظ «العرب» آمده است.

4- در الغارات، ج 2، ص 484، به جای «بنی ظفر» «ابن ظفر» آمده است، ولی ما، از: کافی، ج 3، ص 489، حدیث 1؛ خصال، ص 300، حدیث 75؛ تهذیب، ج 3، ص 249، حدیث 685؛ امالی شیخ طوسی، ج 1، ص 171، نقل کردیم.

اما مساجدی که مورد لعن واقع شده به شرح زیر است:

1- مسجد اشعث بن قیس 2- مسجد جریر بن عبدالله بَجَلی

3- مسجد ثقیف 4- مسجد سماک

که بر روی قبر یکی از فراعنه ساخته شده است (1).

در شهر کوفه، چهار مسجد به خاطر خوشحالی از شهادت امام حسین علیه السلام تجدید بنا شد که عبارت اند از: مسجد اشعث، مسجد حریر، مسجد سماک و مسجد شَبَث بن رَبِعی (2).



هفتم - مسجد سهله: اما مسجد سهله، محلّ نزول حضرت قائم - عجل الله فرجه - می باشد هنگامی که آن حضرت با اهل آن قیام کند(3). نقل شده که این مسجد، بیت المال آن آقا و محلّ تقسیم غنائم مسلمانان خواهد بود(4).

هر گاه به کوفه وارد شدی به مسجد سهله برو و در آن نماز بگزار و حاجتهای دینی و دنیوی خود را از خدا بخواه، چرا که مسجد سهله، خانه ادریس علیه السلام است(5). هیچ غمناکی نیست که به مسجد سهله بیاید و دو رکعت نماز بین مغرب و عشا در آن بخواند و دعا کند مگر این که خدا غم و حزن او را برطرف سازد(6).

از امام باقر علیه السلام سؤال شد که بعد از حرم خدا و رسولش، کدام یک از

ص: 87

1- الغارات، ج 2، ص 482.

2- کافی، ج 3، ص 490، حدیث 2؛ التّهذیب، ج 3، ص 250، حدیث 687.

3- کافی، ج 2، ص 495، حدیث 2؛ التّهذیب، ج 3، ص 252، حدیث 692؛ قصص الأنبياء، ص 80 حدیث 63.

4- البحار، ج 53، ص 11.

5- قصص الأنبياء، ص 80 حدیث 64.

6- تهذیب، ج 6، ص 38، حدیث 77.

بقعه های زمین افضل است؟ فرمود: کوفه که پاک و پاکیزه است، قبرهای پیامبران و مرسلین و غیر مرسلین و اوصیای راستین در آن جاست (1) و نیز مسجد سهیل در کوفه می باشد هر پیامبری را که خداوند برانگیخته، در آن جا نماز خوانده است، عدل خداوند در کوفه ظاهر می شود و حضرت قائم و قائمان بعد از او در آن شهرند و منازل انبیا و اوصیای صالح است.

هشتم - مسجد جمکران: فاضل آقا محمد علی، فرزند استاد بهبهانی، در حاشیه کتاب نقدالرجال مطلبی نوشته که عبارت آن این چنین است: حسن بن مثله جمکرانی، همان شخصی است که امام صاحب الزمان (عج) او را به ساختن مسجد جمکران امر فرمود. جمکران، نام آبادی است که یک فرسخ با شهر قم فاصله دارد. این قضیه که در شب سه شنبه، سال 393 به طور شفاهی در محل آن مسجد واقع شد، داستانی طولانی دارد که شیخ در کتاب مؤنس الحزین فی معرفه الدین و الیقین آن را نقل کرده و حاوی معجزاتی از امام است. شیخ صدوق در این داستان، حسن بن مثله جمکرانی را با عنوان شیخ عقیف صالح، توصیف نموده و آن مسجد را مدح زیادی کرده است و به مردم دستور داده که در آن چهار رکعت نماز بخوانند؛ دو رکعت برای تحیت مسجد که در هر رکعتی حمد را یک مرتبه و سوره توحید را هفت بار و نیز تسبیح رکوع و سجود را هفت بار بخوانند، سپس دو رکعت نماز حضرت صاحب الزمان علیه السلام بخوانند و چون به آیه اِیَّاكَ نَعْبُدُ وَ اِیَّاكَ نَسْتَعِیْنُ» برسد، صد مرتبه آن را تکرار کند، پس از آن حمد را تا آخر بخواند و هنگامی که از نماز فارغ شد، تهلیل بگوید، آن گاه تسبیح حضرت زهرا را به جا آورد، پس از آن به سجده رود و صد مرتبه بر



1- کامل الزیارات، ص 30؛ التّهذیب، ج 6، ص 31، حدیث 75.

پیامبر صلی الله علیه و آله و آلش درود فرستد. امام زمان علیه السلام فرموده است: هر کس این نماز را در آن مسجد بخواند، گویا در کعبه، آن را خوانده است (1).

ص: 89

1- المستدرک، ج 3، ص 447، حدیث 19.

روایات متفرقه

آخر الزمان

از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: در آخر الزمان، گروهی از امت من به مساجد می آیند و دور هم می نشینند، دنیا ورد زبان و محبوب آنهاست با آنان مجالست نکنید زیرا خدا به آنها نیازی ندارد (1) و از دنیا حذر کنید، هنگامی که مساجد تزیین شود همان گونه که کنیسه ها و کلیساها تزیین می شود (2).

امام صادق علیه السلام فرمود: مساجد را آکنده یافتم از کسانی که از خدا می ترسند و برای غیبت در مساجد اجتماع می کنند، و گوشت اهل حق را با غیبت می خورند (3). رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بزودی بر امت من زمانی خواهد آمد که از قرآن جز نشانی و از اسلام جز نامی باقی نماند، به نام



ص: 90

1- جامع الأخبار، ص 130، تنبيه الخواطر، ج 1، ص 69.

2- بحار، ج 78، ج 6، ص 307.

3- کافی، ج 8، ص 38.

مسلمان نامیده می شوند در حالی که دورترین افراد از اسلام هستند، مساجدشان آباد ولی از نور هدایت خالی است، فقیهان آن زمان، بدترین فقیهان زیر آسمان اند، فتنه از آنها سر می زند و به سوی آنها باز می گردد(1).

زمانی بر مردم می آید که در مساجدشان جمع می شوند و نماز می گزارند در حالی که مؤمنی در میان ایشان نیست(2).

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بزودی بر امت من زمانی می آید که علما را جز با لباس خوب نمی شناسند و قرآن را جز با صدای خوب نمی شناسند و خدا را جز در ماه رمضان عبادت نمی کنند، هرگاه چنین باشد، خداوند پادشاهی را بر آنها مسلط کند که دانش و بُردباری و رحم نداشته باشد(3).

آفتها

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: هرگاه آفات نازل شود، اهل مساجد در عافیت می مانند(4).



محبوب ترین مردم

از گُلیب نقل شده که گفت: با حضرت علی علیه السلام بودم. صدای ضجّه مسلمانان را در مسجد شنیدم که قرآن می خواندند، آن حضرت فرمود:

ص: 91

1- ثواب الأعمال، ص 301، حدیث 4.

2- کنز العمال، ج 11، ص 176، حدیث 31109.

3- جامع الأخبار، ص 130.

4- الجعفریات، ص 39.

خوشا به حال اینها، اینان محبوب ترین مردم به رسول خدا بودند (1). بر سرین نشستن و هر دو پای را به شکم چسبانیدن؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بر سرین نشستن و پاها را به شکم چسبانیدن، در مساجد دیوارهای عرب است، و تکیه کردن در مساجد، رهبانیت عرب است (2).

امام صادق علیه السلام فرمود: بر سرین نشستن و پاها را به شکم چسبانیدن به جهت تعظیم کعبه در مسجد الحرام، کراهت دارد (3).

احتلام



هرگاه در یکی از مساجد محتلم شدی، از مسجد بیرون برو و غسل کن، مگر این که در مسجدالحرام یا مسجدالنبی محتلم شوی زیرا هنگامی که در یکی از این دو مسجد محتلم شدی، تیمم کن و بیرون برو و با حال جنابت از این دو مسجد عبور نکن مگر این که با تیمم باشی (4).

احیای تمام شب

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که نماز مغرب و عشا و نماز صبح را در مسجد، با جماعت بخواند، گویا همه شب را احیا داشته است (5).

ص: 92

1- کنز العمال، ج 2، ص 288، حدیث 4025.

2- الجعفریات، ص 52.

3- علل الشرائع، ص 446، حدیث 1.

4- البحار، ج 81، ص 52، ضمن حدیث 23، به نقل از: فقه الرضا، ص 85.

5- امالی شیخ صدوق، ص 269، ذیل حدیث 5.

برای مؤمنان دعا می کنم

نقل شده که یکی از صالحان، در مسجد، بعد از نماز برای برادرانش دعا می کرد، چون از مسجد بیرون رفت، دید پدرش از دنیا رفته است، هنگامی که از دفن پدرش فارغ شد، شروع کرد به تقسیم اموال او بین برادرانی که برای آنها دعا می کرد، از سبب این کار او در مسجد



از وی سؤال کردند، گفت: من برای آنها بهشت را درخواست می کردم، آیا نعمت فانی را از آنها دریغ دارم (1).

مژدگانی و بشارت

هر کس وضوی کامل و شاداب بگیرد، سپس فقط برای ادای نماز به مسجد بیاید، خدا به او بشارت می دهد، همان گونه که بستگانِ مسافر را به دیدن او بشارت می دهند (2).

فتوادادن

امام باقر علیه السلام به ابان بن تغلب فرمود: در مسجد مدینه بنشین و برای مردم فتوا ده زیرا من دوست دارم که در میان شیعیانم مثل تو را بینم (3).

روی به خدا آورید

خدای متعال فرموده است: «وَأَقِمْ وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (4) یعنی

ص: 93

1- دعوات راوندی، ص 290 حدیث 32.

2- کنز العمال، ج 7، ص 575، حدیث 20319.

3- المستدرک، ج 17، ص 315، ذیل حدیث 14، به نقل از رجال نجاشی.

4- اعراف، 29/7؛ در هر عبادتی، روی به خدا آورید.



به سمتی روی آورید که خداوند در نماز شما را به توجّه به سوی آن فرمان داده و آن کعبه است و مراد از مسجد، اوقات سجده است که همان اوقات نماز است؛ بعضی گفته اند: هرگاه در مسجدی وقت نماز فرا رسید، پس نماز بگذارید و بگویید: به مسجد خودم برگردم.

برخی گفته اند: در وقت هر نمازی به قصد حرکت کنید و با جماعت نماز بخوانید. همچنین گفته شده: توجّه خود را در اطاعت خدای تعالی خالص کنید و بت یا چیز دیگری را شریک او قرار ندهید(1).

او مؤمن است

هرگاه دیدید که مردی ملازم مسجد است، گواهی دهید که او مؤمن است چرا که خدای متعال می فرماید: «أَنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ آمَنَ بِاللَّهِ»(2). مؤمن کسی است که به یگانگی خدا اقرار کند و نماز را با حدود آن به پا دارد و زکات را - اگر بر او واجب است - به مستحقان پردازد و جز خدا از هیچ مخلوقی نترسد(3).

کدام یک افضل است، دعا یا قرآن؟

از امام صادق علیه السلام سؤال شد در باره دو نفر که در یک زمان وارد مسجد شدند و در یک زمان مشغول نماز گشتند، یکی بیشتر دعا کرد و دیگری بیشتر قرآن خواند، آیا عمل کدام یک بهتر است؟ امام علیه السلام فرمود: هر یکی



1- مجمع البیان، ج 2، ص 411.

2- کنز العمال، ج 7، ص 579، حدیث 20342، «همانا مساجد خدا را کسانی تعمیر می کنند که به خدا ایمان دارند...» توبه / 18.

3- مجمع البیان، ج 5، ص 13.

فضیلتی دارد و هر دو خوب است. گفته شد: این را می دانیم لیکن می خواهیم بدانیم کدام عمل بهتر است؟ امام علیه السلام فرمود: دعا بهتر است، آیا نشنیده ای که خدای متعال می فرماید: «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» (1) سه مرتبه فرمود: سوگند به خدا، دعا افضل است، آیا دعا عبادت نیست (2)؟!

فرش

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که دوست دارد که جای خود را در بهشت ببیند، باید مساجد را با گلیم مفروش کند (3) و هر کس دوست دارد، شاداب و باطراوت بماند (4) باید مساجد را فرش کند (5).

برخی از جوانان

نقل شده که زنها به مسجد می رفتند و پست سر رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز می خواندند، هنگامی که شب فرا می رسید و برای ادای نماز مغرب و عشا بیرون می آمدند، بعضی از جوانان، سر راه آنها می نشستند و متعرض آنها می شدند، از این رو خدای متعال این آیه را نازل فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ زَوَّجَكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِئِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ



ص: 95

- 1- «مرا با (اخلاص) بخوانید تا دعای شما را مستجاب کنم، کسانی که از دعا و عبادت من سرکشی و اعراض می کنند، بزودی با ذلت وارد جهنم می شوند» - غافر / 60.
- 2- دعائم الإسلام، ج 1، ص 166.
- 3- البحار، ج 8، ص 145، حدیث 67.
- 4- در کتاب الفضائل، به جای «لایبلی» «لایبکی» آمده ولی صحیح «لایبلی» است.
- 5- الفضائل، تألیف ابن شاذان، ص 153.

يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَنَ (1).

بیت المعمور

روایت شده که بیت المعمور، همان کعبه است؛ بیت الحرام با حج و عمره آباد است و آن نخستین مسجدی است که در روی زمین، برای عبادت بنا شده است (2).

بیعت

روایت شده است که عدّه ای از مردم به خانه علی علیه السلام آمدند و از آن حضرت خواستند که از خانه بیرون بیاید و دستش را برای بیعت بگشاید، آن حضرت دست خود را بست، آنها ازدحام کردند، همچون شتران تشنه که هنگام آشامیدن آب ازدحام می کنند تا آن جا که نزدیک بود یکدیگر را بگشند، چون امام علیه السلام چنین دید، از آنها خواست که بیعت در مسجد، آشکارا باشد و فرمود: اگر یک نفر از مردم، از بیعت با من کراهت



دارد، در امر خلافت وارد نمی شوم، مردم با آن حضرت آمدند تا وارد مسجد شدند، پس نخستین کسی که با امام بیعت کرد، طلحه بود(3).

در بحار آمده است که گفتند: ما از تو جدا نمی شویم تا با تو بیعت کنیم، فرمود: اگر چنین است، باید بیعت با رضایت مسلمانان و در میان

ص: 96

1- تفسیر قمی، ج 2، ص 196؛ آیه 59، سوره احزاب. ای پیامبر(ص) به همسران و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویشان را به چادر فرو پوشند، این کار برای این که به عفت شناخته شوند و از تعرض (هوسرانان) آزار نکشند، بهتر است.

2- مجمع البیان، ج 9، ص 163.

3- شرح نهج البلاغه، ج 4، ص 80.

اجتماع باشد(1).

تصویرها و مجسمه ها

علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر علیه السلام در باره مسجدی که در آن تصویرها و مجسمه هایی وجود دارد، سؤال کرد: آیا نماز در چنین مسجدی چه حکم دارد؟ امام علیه السلام فرمود: سر مجسمه ها را بشکنند و سر تصویرها را با رنگ دیگری لکه دار کنند، سپس در آن مسجد نماز بخوانند، مانعی ندارد(2).



صورت خود را با دستمال پاک کردن

علی علیه السلام در مسجد دستمالی داشت که صورت خود را با آن پاک می کرد، همچنین نقل شده که آن حضرت دستمالی در مسجد خانه خود آویخته بود، هرگاه وضو می گرفت، صورت خود را با آن پاک می کرد(3).

جمعه

نماز جمعه، حجّ مساکین است(4)، هر کس نماز جمعه را سه هفته پیاپی بدون عذر ترک کند، نام او به عنوان منافق ثبت می شود(5).

ص: 97

1- البحار، ج 32، ص 24.

2- قرب الإسناد، ص 205، حدیث 793.

3- المحاسن، ص 429، حدیث 247 و 248.

4- دعوات راوندی، ص 37، حدیث 91.

5- مستدرک، ج 6، ص 9، حدیث 13، به نقل از بحار، ج 89، ص 183، حدیث 18.

نخستین جمعه ای که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با اصحاب خود نماز جمعه را اقامه کرد، در میان وادی قبیله بنی سالم بن عوف بود و آن مکان را مسجد قرار دادند، هنگامی که جمعه فرا رسید، رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز جمعه را با اصحاب خود اقامه فرمود و این اولین جمعه در اسلام بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز جمعه را برپا داشت(1).



رسول خدا صلی الله علیه و آله از سخن گفتن در روز جمعه - هنگامی که امام جمعه خطبه می خواند - نهی فرمود زیرا کسی که صحبت کند، کار لغوی کرده و هر کس کار لغوی کند، نماز جمعه او کامل نیست (2).

امام باقر علیه السلام روز جمعه صبح زود به مسجد می آمد، هنگامی که آفتاب به قدر (3) یک نیزه بالا آمده بود و هرگاه ماه رمضان می شد، زودتر از این به مسجد می آمد و می فرمود: فضیلت جمعه های ماه رمضان بر جمعه های سایر ماهها همچون فضیلت ماه رمضان بر سایر ماههاست (4).

هرگاه پیرمردی را دیدید که روز جمعه در مسجد، تاریخ جاهلیت را می گوید: سنگریزه بر سرش بزنید (5).

همسایگان خدای متعال

روز قیامت خدای تعالی ندا می دهد: همسایگان من کجا هستند؟ فرشتگان می گویند: پروردگارا! چه کسانی شایسته اند که همسایه تو

ص: 98

1- مجمع البیان، ج 10، ص 286؛ تاریخ مدینه منوره، ج 1، ص 68.

2- الفقیه، ج 4، ص 5، ضمن حدیث 1.

3- در: التّهذیب، ج 3، ص 244، حدیث 660، به جای «قدر» «قید» آمده است.

4- کافی، ج 3، ص 429، حدیث 8.



5- التَّهْذِيبُ، ج 3، ص 247، حَدِيثُ / 674؛ الْفَقِيه، ج 1، ص 273، حَدِيثُ 1248؛ الْخِصَالُ، ص 393، حَدِيثُ 94.

باشند؟ خداوند می فرماید: کجایند تعمیر کنندگان مساجد؟ تعمیر کنندگان مساجد، خانواده خدای عزوجل هستند (1).

حایض و جُنُب

زراره می گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: حایض و جُنُب می توانند وارد مسجد شوند یا نه؟ امام فرمود: نباید وارد مسجد شوند مگر این که عبور کنند زیرا خدای متعال می فرماید: «وَلَا جُنْبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا» (2) از مسجد می توانند چیزی بردارند ولی نباید چیزی در مسجد بگذارند (3).

نگهبان

نقل شده که عمر بن عبدالعزیز، نگهبانی را برای مسجد اجیر کرد که کسی در مسجد مشغول حرفه ای نشود (4).

زینت خود را بگیرید

خدای متعال فرموده است: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (5) یعنی جامه های خود را که با آن برای نماز در جمعه ها و عیدها زینت می کنید، بگیرید ... گفته شده: به هنگام هر نمازی، زینت خود را



- 1- کنز العمال، ج 7، ص 578.
- 2- «در حال جنابت به مسجد نروید - مگر این که رهگذر باشید - تا غسل کنید» نساء 43.
- 3- تفسیر العیاشی، ج 1، ص 243؛ تفسیر القمی، ج 1، ص 139.
- 4- وفاء الوفاء، ج 2، ص 531.
- 5- «زینت خود را به هنگام عبادت برگیرید» - اعراف / 31.

برگیرید.

حسن بن علی علیه السلام هر گاه به نماز می ایستاد، بهترین جامه های خود را می پوشید، به آن حضرت گفته شد: ای فرزند رسول خدا! چرا بهترین لباسهایت را می پوشی؟ فرمود: خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد. بنابراین، من خودم را برای خدایم زیبا می کنم ... بعضی گفته اند: زینت کردن، همان شانه زدن به هنگام هر نمازی است (1).

خروس

پیامبر صلی الله علیه و آله خروس سفیدی داشت، اصحاب آن حضرت، برای این که اوقات نماز را بفهمند، با خود خروس، به سفر می بردند ... پیامبر صلی الله علیه و آله خروس را در خانه و مسجد نگه می داشت (2).

مرد شبیه به زن

حضرت علی علیه السلام مردی زن مانند را در مسجد رسول خدا دید، به او فرمود: از مسجد رسول خدا بیرون رو، ای کسی که پیامبر خدا او را لعنت کرده است! سپس علی علیه السلام



فرمود: شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: خدای لعنت کند مردانی را که خود را به زنان شبیه می کنند و زنانی را که خود را به مردان شبیه سازند(3).

ص: 100

1- مجمع البیان، ج 2، ص 412؛ تفسیر عیاشی، ج 2، ص 14، حدیث 29 و ص 12، حدیث 21.

2- حیوه الحیوان، ج 1، ص 490.

3- علل الشرائع، ص 602، حدیث 63.

باغهای بهشت

هرگاه به باغهای بهشت گذر کردید، بچرید، گفته شد: باغهای بهشت کدام است؟ فرمود: مساجد عرض کردند: چریدن چیست؟ فرمود: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ(1).

ازدحام

هرگاه در روز جمعه یا روز عرفه در وسط ازدحام مردم قرار گرفتی و به سبب بسیاری جمعیت نتوانستی از مسجد بیرون روی، تیمم بگیر و با جماعت نماز بخوان، سپس هرگاه بازگشتی، نمازت را اعاده می کنی(2).

زکات



امام باقر علیه السلام فرمود: در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد بود، فرمود: فلانی بلند شو، فلانی بلند شو، تا این که پنج نفر را از مسجد بیرون کرد، پس گفت: از مسجد ما بیرون روید شما که زکات نمی دهید در آن نماز نخوانید (3).

سائل

اباذر می گوید: روزی از روزها با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نماز ظهر را خواندم، سائلی در مسجد سؤال کرد ولی هیچ کس چیزی به او نداد، سائل دستهایش را به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا گواه باش که من در مسجد

ص: 101

1- کنز العمال، ج 7، ص 651، حدیث 20739.

2- المقنع، ص 39.

3- المناقب، ج 1، ص 108.

رسول خدا سؤال کردم ولی هیچ کس چیزی به من نداد، در همان حال علی علیه السلام در رکوع نماز بود با دست راست خود که انگشتری در آن بود، اشاره به سائل کرد، سائل آمد و انگشتر را از انگشت آن حضرت بیرون آورد و این کار در حضور رسول خدا بود و آن حضرت نماز می خواند، هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله از نمازش فارغ شد، سر خود را به آسمان بلند کرد ... پس خداوند این آیه را بر او نازل فرمود: «أَنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (1).

دزدی

صفوان بن اُمیّه بعد از این که مسلمان شد، در مسجد خوابیده بود. ردای او را دزد بُرد. وی دزد را تعقیب کرد، ردایش را از او گرفت و او را به محضر رسول خدا آورد، دو شاهد اقامه کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله امر فرمود تا دست راست او را قطع کنند؛ صفوان گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله آیا دست او را به خاطر ردای من قطع می کنی؟ آن را به او بخشیدم؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: پیش از این که او را نزد من بیاوری، این کار ممکن بود [ولی حالاً نه] پس دست دزد را قطع کرد، از این رو، در مسأله حدّ سنت بر این جاری شده که هر گاه سارق را به نزد امام ببرند و شاهد بیاورند، حدّ تعطیل نمی شود و اجرا می گردد.

شیخ صدوق فرموده است: کسی که از مساجد و جاهایی که بدون اجازه می توان وارد شد مثل گرمابه ها و آسیاب ها و کاروانسراها دزدی

ص: 102

1- البحار، ج 35، ص 194، حدیث / 15، به نقل از کشف الغمه، ج 1، ص 428؛ المناقب، ج 3، ص 3؛ الفضائل، ص 149، «همانا ولیّ امر شما خدا و رسول و آن مؤمنانی هستند که نماز را به پا داشته، به فقیران، در حال رکوع زکات می دهند» مائده / 55.



کند، دستش قطع نمی شود، پیامبر صلی الله علیه و آله دست آن مرد را به این جهت قطع کرد، که ردا را دزدید و پنهان ساخت و اگر آن را پنهان نمی کرد، فقط تعزیر می نمود و دستش را قطع نمی کرد(1).

سعی

امام زین العابدین علیه السلام فرموده است: معنای گفتار خدای متعال: «فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ» (2) این است؛ به سوی خانه خدا حج کنید. ای فرزندانم! کعبه خانه خداست، هر کس حج خانه خدا را به جا آورد، به سوی خدا روی آورده است و مساجد، خانه های خدا هستند، هر کس به سوی آنها برود، به سوی خدا رفته و به ذات حق توجه کرده است(3).

مسواک

رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه فجر طالع می شد، تطهیر می کرد و مسواک می زد، آن گاه به مسجد می رفت و دو رکعت نافله صبح را می خواند، سپس می نشست تا این که نماز صبح را به جا می آورد(4).

ماه شعبان

امیرمؤمنان علیه السلام بر گروهی از مسلمانان اوباش گذر کرد که در میان آنها از مهاجر و انصار کسی نبود. آنها روز اول ماه شعبان در یکی از مساجد



1- الفقیه، ج 3، ص 193، حدیث 877.

2- الذاریات، 51/50. به سوی خدا بگریزید.

3- التّوْحید، ص 177.

4- دعائم الإسلام، ج 1، ص 211.

نشسته بودند و در باره قضا و قدر و مطالب دیگر گفت و گو می کردند...

امیر مؤمنان، آنها را صدا زد: ای گروه سخنوران! ... امروز، اول ماه شعبان کریم است؛ پروردگار ما آن را به خاطر پراکنده شدن خیرات، شعبان نامیده است، و شعبه های خیرات آن عبارت اند از: نماز، روزه، زکات، امر به معروف و نهی از منکر، نیکی به پدر و مادر، خویشان و همسایگان اصلاح بین مسلمانان، و صدقه دادن در این ماه ... کسی که در جست و جوی کشف اسرار الهی برآید، از هلاک شوندگان خواهد بود(1)

شهادت علی علیه السلام

امام علی علیه السلام در سپیده دم شب جمعه، نوزدهم ماه رمضان به دست عبدالرحمان بن ملجم مرادی ملعون در مسجد کوفه به شهادت رسید؛ وردان بن مجالد، از قبیله تیم الرّباب و شیب بن بجره و اشعث بن قیس و قطام دختر اخضر، در قتل آن حضرت به او کمک کردند(2)...

ابن ملجم، شمشیر زهرآلودی بر فرق سر آن حضرت وارد ساخت(3).



امیر مؤمنان علی علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام امر فرمود که چهار قبر در چهار مکان برای او حفر کنند: 1- در مسجد کوفه؛ 2- در رحبه؛ 3- در غری؛ 4- در خانه جَعَدَه بن هبیره. امام علیه السلام با این امر خواسته است که دشمنان جای قبر آن حضرت را ندانند (4).

ص: 104

-
- 1- تفسیر امام حسن عسکری، ص 635.
 - 2- در تاریخ اسلام، ج 3، ص 608، قطام دختر شجنه از قبیله: بنی تیم الرباب، آمده است که علی (ع) پدر و برادر او را در جنگ نهروان کشته بود.
 - 3- المناقب، ج 3، ص 703.
 - 4- فرحه الغری، ص 32.

صدقه

از محمد بن مسلم نقل شده که گفت: در مسجد الرسول با امام باقر علیه السلام بودم، یک کنگره از کنگره های مسجد افتاد و به پای مردی اصابت کرد ولی صدمه ای به او نرسید، امام باقر علیه السلام فرمود: از او سؤال کنید چه عملی امروز انجام داده است؟ از او سؤال کردند، او گفت: بیرون آمدم و در آستینم خرمایی بود، به سائلی گذر کردم، خرما را به او صدقه دادم، امام باقر علیه السلام فرمود: به وسیله همان صدقه، خداوند، بلا را از تو دفع کرد (1).



صفهای نماز

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای مردم! صفهای نماز خود را راست کنید، و شانه های خود را مساوی یکدیگر قرار دهید تا در بین شما فاصله ای نباشد، و با هم مخالفت نکنید که خدا بین دلهای شما اختلاف می اندازد، آگاه باشید که من شما را از پشت سر خود می بینم (2).

نماز تمام

امام صادق علیه السلام فرمود: در مسجد الحرام و مسجد الرسول صلی الله علیه و آله و مسجد کوفه و حرم امام حسین علیه السلام نماز را تمام می خوانی (3).

ص: 105

-
- 1- کافی، ج 4، ص 7، حدیث 11.
 - 2- الوسائل، ج 5، ص 472، حدیث 7، به نقل از ثواب الأعمال، ص 274، حدیث 1؛ المحاسن، ص 80، حدیث 7.
 - 3- کامل الزیارات، ص 250، در ص 249، آمده است: در سه مکان، نماز را تمام می خوانی، مسجدالحرام، مسجدالرسول و نزد قبر امام حسین (ع).

نماز عیدین



از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: شایسته نیست که نماز عیدین را در مسجد سقف دار یا در خانه بخوانی، همانا آن را در صحرا یا در فضای باز می خوانی (1).

نمازش او را باز می دارد

نقل شده که جوانی از انصار، نماز را با پیامبر صلی الله علیه و آله می خواند و مرتکب کارهای زشت می شد. این موضوع با پیامبر صلی الله علیه و آله در میان گذاشته شد، آن حضرت فرمود: روزی نمازش او را باز خواهد داشت، طولی نکشید که آن جوان توبه کرد (2).

هر کس دوست دارد که بداند آیا نمازش به حال او نفعی داشته یا نه، باید نگاه کند، اگر نمازش او را از کارهای زشت و ناپسند باز داشته است، به همان مقدار که کارهای زشت را ترک کرده، از نماز خود نفع برده است (3).

در منازل خود نماز خوانده ایم

رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز گزارد، دو مرد را در گوشه مسجد دیدند که نماز نخوانده اند، پیامبر صلی الله علیه و آله آن دو را فرا خواند، آنها آمدند در حالی که بدنشان می لرزید، فرمود: چه چیز شما را مانع شد که با ما نماز بگزارید؟ گفتند: در خانه های خود نماز خوانده ایم، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:



1- الفقیه، ج 1، ص 322، حدیث 1471.

2- مجمع البیان، ج 8، ص 285.

3- معانی الأخبار، ص 237، حدیث 1.

این کار را نکنید، هرگاه یکی از شما در خانه خود نماز بخواند سپس نماز امام را درک کند، باید با امام نماز بخواند، زیرا این کار برای او مستحب است (1).

خنده

خنده [بلند] در مسجد، موجب تاریکی در قبر است (2)؛ نقل شده که روزی امام باقر علیه السلام وارد مسجد شد، وی جوانی را در مسجد دید که می خندد، امام علیه السلام به او فرمود: در مسجد می خندی در حالی که تو... از اصحاب قبوری (3).

مردمان ضعیف

از علی علیه السلام نقل شده که به آن حضرت عرض شد: ای امیر مؤمنان! اگر امر می فرمودی تا کسی روز عید برای مردمان ضعیف در مسجد نماز بخواند، فرمود: کراهت دارم که سنتی را بگذارم که رسول خدا آن را نگذاشته است (4).

عابد و فاسق

از یکی از دو امام (5) علیه السلام نقل شده که فرمود: دو نفر وارد مسجد شدند،



1- المستدرک، ج 6، ص 495، حدیث 3، به نقل از غوالی الالائی، ج 1، ص 59، حدیث 92.

2- کنز العمال، ج 7، ص 668، حدیث 20826.

3- مشارق الأنوار، ص 91.

4- دعائم الإسلام، 1: 185.

5- یعنی امام باقر(ع) یا امام صادق(ع)، جامع الرواه، ج 2، ص 461.

یکی عابد بود و دیگری فاسق، هنگامی که از مسجد بیرون رفتند، فاسق، صدیق بود(1) و عابد، فاسق، و این به خاطر این است که عابد وارد مسجد شد، در حالی که به عبادتش می نازید و در این اندیشه بود ولی فاسق در اندیشه پشیمانی بر فسق خویش بود و به سبب گناهایی که مرتکب شده بود، از خدا طلب مغفرت می کرد(2).

عَلَّتْ غَسْلَ رَوْضِ جَمْعِهِ

امام صادق علیه السلام در باره عَلَّتْ غَسْلَ رَوْضِ جَمْعِهِ فرمود: طایفه انصار با شتران آبکش و اموال خود کار می کردند. هنگامی که روز جمعه فرا می رسید، به مسجد حاضر می شدند، مردم از بوی بد زیر بغل و بدن آنها اذیت می شدند، رسول خدا صلی الله علیه و آله به آنها دستور داد که غسل کنند، از این رو سنت بر آن جاری شد(3).

فَضِيلَتُ مَسَاجِدِ



از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: نماز در مسجدالحرام، برابر با صد هزار نماز است، نماز در مسجد مدینه معادل ده هزار نماز است و نماز در مسجد بیت المقدس برابر با هزار نماز است و نماز در مسجد اعظم [کوفه] صد نماز است و نماز در مسجد قبیلہ بیست و پنج نماز است و نماز در مسجد بازار، دوازده نماز و نماز مرد به تنهایی در

ص: 108

-
- 1- صدیق، یعنی مؤمن صادق در ایمانش و بسیار راستگو در گفتار و کردار.
 - 2- کافی، ج 2، ص 314، حدیث 6.
 - 3- الفقیه، ج 1، ص 62، حدیث 320؛ علل الشرائع، ص 285، حدیث 3.
- خانه اش یک نماز است (1).

فشار دادن به انگشتان و به صدا آوردن آنها

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله پشت سر خود، صدای انگشتانی را شنید، مردی در نماز با فشار دادن انگشتانش، آنها را به صدا درآورد. وقتی از نماز فارغ شد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آگاه باشید که بهره او از نمازش همین است (2).

شیشه مُشک



از عبدالله بن حارث نقل شده است که گفت: امام زین العابدین علیه السلام در مسجد خود، شیشه ای مُشک داشت، هر گاه می خواست وارد نماز شود، قدری از مُشک برمی داشت و به خود می مالید(3).

داستانسرا

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: امیر مؤمنان علیه السلام در مسجد، داستانسرایی را دید، او را با تازیانه زد(4) و از مسجد بیرون کرد(5). به علت این که مساجد برای موعظه و تربیت و عبادت است، نه برای رفاه طلبی و شادمانی.

ص: 109

-
- 1- دعائم الإسلام، ج 1، ص 148.
 - 2- کافی، ج 3، ص 365، حدیث 8.
 - 3- کافی، ج 6، ص 515، حدیث 6.
 - 4- در: مجمع البحرین، ج 1، ص 24، آمده است: علی(ع) تازیانه ای داشت که دارای دو طرف بود.
 - 5- التّهذیب، ج 10، ص 149، حدیث 595؛ الکافی، ج 7، ص 263، حدیث 20.

نماز قضا

به امام باقر علیه السلام نامه ای نوشتند و درباره مردی سؤال کردند که در مسجد الحرام یا در مسجد الرسول یا مسجد کوفه، قسمتی از پنجاه رکعت نماز نافله و فریضه را قضا می کند،



آیا هر رکعتی طبق آنچه از پدران در باره این مساجد نقل شده، چندین برابر حساب می شود، به طوری که اگر ده هزار رکعت بر ذمه اش باشد، صد رکعت بخواند کافی است یا کمتر یا بیشتر بخواند؟ و آیا وضعیّت او در این باره چگونه است؟ امام علیه السلام نوشت: چندین برابر برای او حساب می شود، نماز گزار در ادای نماز در این مساجد کوتاهی نکند زیرا وی به زیادیِ ثواب، نزدیکتر است (1).

خاکروبه

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برای هر چیزی، خاکروبه ای است و خاکروبه مساجد، سوگند به اسم جلاله است که شخصی در مسجد بگوید: لا والله و بلی و الله (2).

کفاره گناهانت

از علی علیه السلام نقل شده است که فرمود: یا رسول خدا صلی الله علیه و آله، در مسجد منتظر نماز بودیم، مردی ایستاد و گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله من گناهی کرده ام، پیامبر صلی الله علیه و آله از او رو گردانید، هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله نماز را تمام کرد، آن مرد ایستاد و سخن خود را تکرار کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آیا این

ص: 110

1- کافی، ج 3، ص 455، حدیث 19.

2- تنبیه الخواطر، ج 1، ص 69.



نماز را با ما نخواندی و وضو را نیکو نگرفتی؟ عرض کرد: چرا. فرمود: همان وضوی خوب و نماز، کفاره گناه تو است (1).

سخن حقی که باطل از آن اراده می شود

امام علی علیه السلام در کوفه خطبه خواند، مردی از خوارج ایستاد و گفت: حکمی نیست مگر برای خدا. امیر مؤمنان علیه السلام ساکت شد، سپس دیگری و دیگری ایستاد، هنگامی که زیاد، این جمله را گفتند، آن حضرت فرمود: این سخن حقی است که باطل از آن اراده می شود. برای شما در نزد ما سه خصلت است: 1- از این که در مساجد خدا نماز بخوانید، شما را منع نمی کنیم؛ 2- مادامی که دست شما در دست ما باشد، شما را از گرفتن غنیمت مانع نمی شویم؛ 3- آغازگر جنگ با شما نیستیم مگر این که شما جنگ را آغاز کنید (2).

چگونه برای مردم نماز بخوانیم؟

قسمتی از عهدنامه ای که امیر مؤمنان علیه السلام به مالک اشتر نوشته، چنین است: ... هرگاه برای مردم نماز (جماعت) گزاردی، [طول مده] مردم را از خود، دور و رنجیده مکن و نمازت را ضایع مگردان زیرا در میان مردم، بیمار و حاجتمند وجود دارد. من از رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که مرا به یمن می فرستاد، پرسیدم: چگونه با آنان نماز گزارم؟ فرمود: با آنها مثل نماز ضعیف تر و ناتوان تر ایشان نماز گزار و با مؤمنان

ص: 111



2- دعائم الإسلام، ج 1، ص 393.

مهربان باش (1).

برای تو طلب آموزش می کنم

نقل شده است که مالک اشتر از بازار کوفه عبور می کرد پیراهنی از کرباس بر تن و عمامه ای از آن بر سر داشت. یکی از بازاریان او را دید و از روی تحقیر و اهانت، گلوله گلی به سوی او انداخت، مالک گذشت و به او توجهی نکرد، به او گفتند: وای بر تو [می دانی] به چه شخصی اهانت کردی؟ گفت: نه. گفتند: این شخص، مالک اشتر، یار و محبوب امیرمؤمنان علیه السلام است. بدن آن مرد لرزید و رفت تا از مالک عذرخواهی کند، دید که مالک وارد مسجد شده و به نماز ایستاده است. وقتی که نمازش تمام شد، آن مرد بر روی قدمهای مالک افتاد و پاهای او را بوسید و گفت: از کاری که کردم عذر می خواهم. مالک گفت: باکی بر تو نیست، سوگند به خدا من وارد مسجد نشدم مگر این که برای تو طلب آموزش کنم (2).

لَتَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا: البته برای ایشان مسجدی می سازیم.

منظور از گفتار خدای تعالی: «الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا» (3)، پادشاه مؤمن و اصحاب او هستند، بعضی گفته اند: مقصود اولیای اصحاب کهف، از مؤمنان هستند، برخی گفته اند: منظور رؤسای شهرند آنهایی که بر امورشان استیلا یافتند [پادشاه گفت: شایسته است که در این جا مسجدی بسازیم و آن را زیارتگاه قرار دهیم زیرا اینها مؤمن بوده اند]. بعضی در آیه «لَتَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا» گفته اند: یعنی عبادتگاه

ص: 112

- 1- نهج البلاغه، ص 440، نامه 53؛ مابین کروش، از: بحار، ج 77، ص 260.
- 2- تنبیه الخواطر، ج 1، ص 2، میان کروش از: بحار، ج 42، ص 157، حدیث 25.
- 3- «البته مسجدی برایشان بسازیم» - کهف / 21.

و محلّی برای عبادت و سجده باشد که مردم در آن جا به برکت آنها عبادت کنند و این مطلب، دلالت دارد که اغلب آنها مؤمن بوده اند. همچنین گفته شده: مسجدی بسازیم که اصحاب کهف هر گاه بیدار شوند، در آن نماز بخوانند (1).

لَهْدِمَتْ صَوَامِعُ وَبِيعُ: هر آینه صومعه ها و کنشتها ویران می شد.

مقصود خدای متعال در این آیه: «لَهْدِمَتْ صَوَامِعُ وَبِيعُ وَصَلَوَاتُ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ» (2) این است که در شریعت هر پیامبری، مکانی که در آن نماز می خواند، خراب می شد، زیرا اگر آن دفع الهی نبود، در زمان موسی علیه السلام کنیسه هایی که در شریعت موسی علیه السلام در آنها نماز می خواندند، خراب می شد و نیز در زمان عیسی علیه السلام صومعه ها و در زمان پیامبر ما حضرت محمد صلی الله علیه و آله مساجد خراب می شد. بنابراین، خدا از آنها هنگامی دفاع کرد که بر حق بودند پیش از آن که دین آنها تحریف یا نسخ شود. صومعه ها برای مسیحیان و کلیساها برای یهودیان و کنیسه ها برای صائبی ها و مساجد برای مسلمانان است. برخی گفته اند: صومعه ها متعلق به مسیحیان است که در صحرا آنها را می ساختند و کلیساها نیز به آنها تعلق دارد که در شهرها آنها را می ساختند و کنشتها از آن یهود است که در زبان عبرانی به آن: صلوتا می گویند (3).



ص: 113

- 1- مجمع البیان، ج 6، ص 460، مابین گروه از: تفسیر قمی، ج 2، ص 33.
- 2- «اگر خدا، دفع شرّ بعضی از مردم را به بعض دیگر نکند، هر آینه صومعه ها و دیرها و کنشها و مساجدی که در آن نماز و ذکر خدا بسیار می شود، همه ویران می شد» - حج / 40.
- 3- تفسیر کبیر، ج 23، ص 40.

شب عید فطر

اما علی بن الحسین علیه السلام شب عید فطر را با نماز احیا می داشت تا صبح می شد و آن شب را در مسجد بیتوته می کرد و می فرمود: امشب [در فضیلت] شب قدر کمتر نیست (1).

مباهات کردن در مساجد

از آنس نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: از نشانه های قیامت، این است که مردم در مساجد بر یکدیگر مباهات می کنند (2).

بدعت گذاشتن

ابوهاشم جعفری گفت: در محضر امام حسن عسکری علیه السلام بودم، آن حضرت فرمود: هنگامی که قائم ظهور کند، دستور می دهد مناره ها (3) و مقصوره هایی را که در مساجد



است، خراب کنند، من با خود گفتم: برای چه این کار را می کند؟ امام رو به من کرد و فرمود: برای این که آنها بدعت است و هیچ پیامبر و امامی آنها را نساخته است (4)

مساجد مدینه

عقبه از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که گفت: به آن حضرت عرض

ص: 114

1- اقبال الأعمال، ص 274.

2- سنن نسائی، ج 2، ص 32.

3- علامه مجلسی گفته است: بین اصحاب، مشهور است که بلند ساختن مناره بیشتر از بام مسجد مکروه است، برای این که مؤذنان بر خانه همسایگان مسجد، مُشرف نباشند و مناره های بلند از بدعتهای عمر است - بحار، ج 83، ص 376.

4- کشف الغمّه، ج 3، ص 296.

کردم: من به مساجد اطراف مدینه می آیم. از کدام یک شروع کنم؟ امام فرمود: از قُبا شروع کن و در آن بسیار نماز بخوان زیرا قبا نخستین مسجد در این سرزمین است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن نماز خوانده است. سپس به مشربه امّ ابراهیم برو و در آن نماز بخوان چرا که آن جا، محلّ سکونت رسول خدا صلی الله علیه و آله و جایگاه نماز آن حضرت است، پس از آن به مسجد فضیخ می روی و دو رکعت نماز در آن می خوانی زیرا پیامبرت در آن نماز خوانده است، هر گاه در این مساجد نماز خواندی، به طرف اُحد برو و



ابتدا در مسجدی که نزدیک حرّه است نماز بخوان، سپس به کنار قبر حمزه بن عبدالمطلب برو و بر او سلام کن (1)، آن گاه به کنار قبرهای شهیدان اُحد برو بایست و بگو: اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا اَهْلَ الدِّيَارِ اَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَاَنَا بِكُمْ لَاحِقُونَ. پس از اینجا به مسجد که در محلّ وسیعی کنار کوه سمت راست قرار دارد، می روی تا وارد اُحد شوی و در آن نماز گزاری، در این جا پیامبر صلی الله علیه و آله به سوی اُحد رفت و مشرکان را ملاقات کرد، پیامبر با اصحاب در آن جا ماندند تا وقت نماز فرا رسید و نماز خواندند، همچنان برو تا برگردی و کنار قبور شهیدان نماز واجب خود را بخوان و به راهت ادامه بده، آن گاه به مسجد احزاب می روی و در آن نماز می گزاری زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله روز جنگ احزاب در آن دعا کرد و فرمود: يَا صَرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ وَايَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَايَا غِيَاثَ الْمَلْهُوفِينَ اَكْشِفْ هَمِّيَّ وَاكْرَبِيَّ وَاغْمِيَّ فَقَدْ تَرَى حَالِيَّ وَاَحَالَ اَصْحَابِي (2).

ص: 115

1- کامل الزیارات، ص 26.

2- کامل الزیارات، ص 23.

مساجد مخالفان

زید شحّام از امام صادق علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمود: ای زید! با مردم [مخالفان] به اخلاق آنها رفتار کنی، در مساجدشان نماز بخوانی و از بیمارانشان عیادت کنی و در تشییع جنازه آنها حاضر شوی و اگر بتوانی پیشنهادی بدهی و مؤذّن باشی، این کار را بکنی



زیرا شما هرگاه این کار را بکنید، خواهند گفت: اینها جعفری مذهب هستند، خدای جعفر صادق را رحمت کند، چقدر نیکو، اصحاب خود را تربیت کرده است(1).

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام می گوید: به آن حضرت عرض کردم: من از نماز خواندن در مساجدشان [مخالفان] کراهت دارم، امام فرمود: کراهت نداشته باش زیرا هیچ مسجدی ساخته نشده، مگر بر روی قبر پیامبری یا وصی پیامبری که شهید شده و به آن بقعه قطره ای از خون او چکیده، در نتیجه، خدا دوست داشته که در آن یاد شود، از این رو نمازهای واجب و مستحب را در مساجد آنها ادا و نمازهایی را که از تو فوت شده، قضا کن(2).

از کلب بن معاویه اسدی نقل شده است که گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: به خدا سوگند که شما بر دین خدا و دین فرشتگان او هستید، مرا با پارسایی و کوشش خود کمک کنید، سوگند به خدا، عملی پذیرفته نیست مگر از شما، پس از خدای بترسید و زبانتان را [از گناه] باز دارید و در مساجد آنها نماز بگذارید [و بیمارانتان را عیادت کنید] هرگاه آنها جدا شدند، شما نیز جدا شوید(3).

ص: 116

1- الفقیه، ج 1، ص 251، حدیث 1129.

2- کافی، ج 3، ص 370، حدیث 14؛ التهذیب، ج 3، ص 258، حدیث 723.

3- رجال کشی، ص 339، حدیث 628، میان دو قلاب، از: اعلام الدین، ص 458.



مسجد ناصبی ها

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که به بازار جماعتی یا به مسجد ناصبی ها وارد شود و یک بار بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ» با یک حج مقبول برابری می کند. (1)

مسجد بُرَاثَا

بُراثَا محلّه ای [قدیمی] است در طرف بغداد که در قبله کرخ واقع است در آن محلّه مسجدی ساخته شد که شیعیان در آن جمع می شدند [و به دشمنان فاطمه زهرا علیها السلام] دشنام می دادند (2). هنگامی که امیر مؤمنان علیه السلام از جنگ با خوارج نهروان بازگشت، در این مسجد نماز خواند (3)؛ مردی به نام بُراثَا آن را ساخت، از این رو مسجد به نام بانی آن «بُراثَا» نامیده شد (4). نقل شده که امیر مؤمنان علیه السلام از دیرانی - که در مسجد بُراثَا بود و به دست آن حضرت مسلمان شد - پرسید: چه کسی در این جا نماز گزارده است؟ وی گفت: عیسی و مادرش مریم؛ علی علیه السلام فرمود: آیا به تو خبر دهم چه کسی در این جا نماز خوانده است؟ گفت: آری، امام فرمود: ابراهیم علیه السلام (5).

ص: 117

1- المحاسن، ص 40، حدیث 48.

2- مراصد الإطلاع، ج 1، ص 174؛ مجمع البحرین، ج 1، ص 176.



- 3- مجمع البحرين، ج 1، ص 176؛ بحار، ج 9، ص 30.
- 4- الیقین فی إمره امیر المؤمنین (ع)، ص 56، ضمن باب 157.
- 5- الفقیه، ج 1، ص 151، ذیل حدیث 699.

مسجد فضیخ

مسجد فضیخ، یکی از مساجد مدینه است؛ نقل شده که: پیامبر صلی الله علیه و آله، قبیله بنی نضیر را محاصره کرد، خیمه آن حضرت را نزدیک مسجد فضیخ برپا کردند، پیامبر صلی الله علیه و آله در محل فضیخ شش شب نماز خواند، هنگامی که شراب حرام شد ... بند مشکها را گشودند و شرابها را در آن جا ریختند، از این رو مسجد فضیخ نامیده شد (1) زیرا بیشترین شرابی که بر زمین ریخته شد، فضیخ یعنی شراب خرما بود (2). بنا به روایتی در همین مسجد، خورشید برای امیر مؤمنان علیه السلام برگشت (3).

مسجدی که هزار در دارد

هرگاه حضرت قائم قیام کند، در پشت کوفه، مسجدی می سازد که هزار در دارد و خانه های مردم کوفه به دو نهر کربلا می پیوندد (4).

شانه زدن

امام صادق علیه السلام شانه ای در مسجد داشت که هرگاه از نمازش فارغ می شد، [محاسنش را] شانه می زد (5).



- 1- تاریخ المدینه المنوره، ج 1، ص 69.
- 2- تفسیر القمی، ج 1، ص 180؛ در علل الشرائع، ص 459، آمده است: چرا مسجد فضیخ را، مسجد فضیخ نامیده اند؟ زیرا خرما را فضیخ می نامند، از این رو آن را فضیخ نامیده اند.
- 3- مجمع البحرین، ج 3، ص 407.
- 4- کشف الغمه، ج 3، ص 36؛ البحار، ج 100، ص 385، حدیث 3.
- 5- تفسیر عیاشی، ج 2، ص 13، حدیث 26.

مظلّمه

از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: خدای متعال به من وحی کرد که قوم خود را انذار کن، مبادا وارد خانه ای از خانه های من شوند، در حالی که یکی از بندگانم به گردن یکی از آنها مظلّمه ای داشته باشد زیرا تا زمانی که او در مقابلم به نماز ایستاده، من او را لعن می کنم تا این که آن مظلّمه را رد کند، در نتیجه گوش او می باشم که با آن می شنود و چشم او می باشم که با آن می بیند و از اولیا و برگزیدگانم می شود و با پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان در بهشت خواهد بود.

کدام یک در نزدت محبوبتر است؟

ابراهیم بن میمون گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مردی با ما نماز می گزارد و ما به او اقتدا می کنیم، آیا نماز با او در نزد شما محبوبتر است یا نماز در مسجد؟ فرمود: نماز در مسجد، نزد من محبوبتر است (1).



منزل خدیجه علیها السلام

اما منزل خدیجه ... پیامبر صلی الله علیه و آله آن را مسجدی قرار داد که در آن نماز می خواند و به همان صورتی که امروز است، آن را ساخت بدون این که تغییر کرده باشد (2).

مانع شدن از مساجد خدا

معنای گفتار خدای متعال: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا

ص: 119

1- التّهذیب، ج 3، ص 261، حدیث 734.

2- البحار، ج 22، ص 167.

اسْمُهُ» (1) این است: چه ظلمی بزرگتر است از ظلم کسی که مانع شود در مساجد خدا نام الله برده شود، یعنی هیچ کس ستمکارتر نیست از کسی که منع کند در مساجد خدا نام خداوند گفته شود و از نماز جماعت و عبادت در مسجد جلوگیری کند (2).

وقف بر مساجد

از امام صادق علیه السلام در باره وقف بر مساجد سؤال شد (3)، امام علیه السلام فرمود: جایز نیست زیرا مجوسیان بر آتشکده ها وقف کردند (4).

شگفتا



شگفتا: آل رسول خدا صلی الله علیه و آله را بر روی پلکان مسجد در حالی که

ص: 120

1- البقره، 114/2؛ کیست بیدادگرتر از آن کس که نگذارد درمساجد خدا، نام وی برده شود.

2- مجمع البیان، ج 1، ص 189.

3- فیض کاشانی گفته است: آنچه از خبر به دست می آید، این است که علت منع وقف تشبّه به مجوس است، شاید علت اصلی کم شدن هزینه مساجد و نیاز نداشتن به وقف باشد، زمانی که خوب ساخته شود، علت احتیاج مساجد به وقف، این است که از دو موضوع فوق غفلت شده است. علامه مجلسی گفته است: در عبارت خبر احتمال جواز می رود، شاید مراد این باشد که هرگاه مجوس بر آتشکده باطل خود وقف قرار می دهند، مسلمانان سزاوارترند که بر مساجد حقّه خود وقف کنند، بعضی گفته اند: احتمال می رود که منظور راوی از سؤال وقف بر مساجد، وقف اولاد برای خدمت در مسجد باشد و پاسخ امام(ع) و تعلیل وی به این که مجوس بر آتشکده های خود وقف کرده اند. عبارت خبر بر نهی تحریمی دلالت ندارد بلکه نهایت چیزی که از آن به دست می آید، کراهت است و دلیل آن این است که مسجد اگر موقوفه نداشته باشد، کسی در آن طمع نمی کند و برای پیش نمازی و تصدّی کارهای آن نزاع نمی شود - حاشیه الفقیه، ج 1، ص 238، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

4- الوسائل، ج 3، ص 553، حدیث 1، به نقل از: الفقیه، ج 1، ص 154، حدیث 720.



زین العابدین علیه السلام میان آنها بود، با اسیران سرپا ننگه داشتند و بر در مسجد جامع دمشق، سر امام حسین علیه السلام را نصب کردند(1).

شگفتا: در بصره مساجدی(2) برای دشمنی با علی بن ابی طالب علیه السلام و بدگویی از آن حضرت ساخته می شود(3).

آیا بر روی منبرها، آن حضرت را دشنام می دهید، در حالی که چوبهای این منابر با شمشیر او استوار مانده است(4).

شگفت آورتر از این، به کار گرفتن روایاتی است که در فضایل زاده هند جگرخوار - معاویه بر فراز منبرها در هر مسجدی به دروغ روایت نقل کنند، و این روایات دروغ را به آموزگاران مکتب خانه ها القا کردند، در نتیجه، آنان، این دروغها را به کودکان تعلیم دادند، همان گونه که قرآن را تعلیم می دادند(5).

از نسائی، در باره فضایل معاویه پرسیدند، وی گفت: من فضیلتی برای او سراغ ندارم مگر: «لا أشع الله بطنه» را [که پیامبر فرموده]: خدا شکم معاویه را سیر نکند. با مشت و لگد، پیایی بر او زدند تا این که او را از مسجد بیرون کردند و به علت همان لگدها از دنیا رفت(6). شگفتا: کسی که یاد خدا را زنده کرده است در خانه خدا سب می شود و کسی که یاد خدا را منع کرده است، ستوده می شود.

ص: 121



- 2- این مساجد عبارت اند از مسجد بنی عدی، مسجد بنی مجاشع، مسجدی که در علافین روبه روی بصره است و مسجدی در آزد - بحار، ج 34، ص 293.
 - 3- البحار، ج 34، ص 293.
 - 4- المناقب، ج 3، ص 222.
 - 5- الاحتجاج، ج 2، ص 17.
 - 6- وفيات الاعیان، ج 1، ص 77؛ الوافی بالوفیات، ج 6، ص 417؛ تذکره الحفّاظ، ج 2، ص 700.
- ص: 122

منابع

- 1- قرآن کریم.
- 2- الأحتجاج، تألیف: ابو منصور احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی، انتشارات دارالنعمان، نجف اشرف.
- 3- الاختصاص، تألیف شیخ مفید، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- 4- اختیار معرفه الرجال، معروف به: رجال کشی، تألیف شیخ طوسی، انتشارات دانشکده الهیات و معارف اسلامی، مشهد.
- 5- الأرشاد، تألیف شیخ مفید، انتشارات بصیرتی، قم.



- 6- ارشاد القلوب، تألیف شیخ دیلمی، انتشارات رضی، قم.
 - 7- الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، تألیف شیخ طوسی، انتشارات رضی، قم.
 - 8- أسد الغابه، تألیف ابن اثیر جزری، دالشعب.
 - 9- الاصابه، تألیف حجر عسقلانی دار صادر، بیروت.
 - 10- الاصول الستة عشر، چاپ دار شبستری، قم.
 - 11- اعلام الدین فی صفات المؤمنین، تألیف شیخ حسن بن ابوالحسن دیلمی، انتشارات مؤسسہ آل البیت علیهم السلام، قم.
 - 12- اقبال الأعمال، تألیف سید ابن طاووس، دارالکتب الإسلامیه، تهران.
- ص: 123
- 13- اقرب الموارد، تألیف شرتونی لبنانی، کتابخانه مرعشی، قم.
 - 14- امالی شیخ صدوق، انتشارات مؤسسہ اعلمی، بیروت.
 - 15- امالی شیخ طوسی، انتشارات مکتبه الأهلیه، بغداد.
 - 16- بحار الأنوار، تألیف علامه مجلسی، مؤسسہ الوفا، بیروت.
 - 17- البدایه و النهایه، تألیف ابن کثیر، دارالکتب العلمیه، بیروت.



- 18- البرهان فى تفسير القرآن، تأليف سيد هاشم بحراني، مؤسسہ مطبوعاتی اسماعیلیان، قم.
- 19- بشاره المصطفى، تأليف ابو جعفر طبرى، انتشارات مكتبه الحيدريه، نجف.
- 20- بصائر الدرجات، تأليف ابن فروخ الصفار القمى، انتشارات كتابخانه آيه الله مرعشى، قم.
- 21- تاريخ المدينه المنوره، تأليف ابن شبه، چاپ دوم.
- 22- تاريخ اليعقوبى، دار صادر، بيروت.
- 23- تحف العقول، تأليف ابن شعبه الحرانى، انتشارات مكتبه الحيدريه، نجف.
- 24- تذکره الحفاظ، تأليف ذهبى، داراحياء التراث العربى، بيروت.
- 25- تصنيف غرر الحكم، تأليف آمدى، مكتب الإعلام الإسلامى، قم.
- 26- روح الجنان و رُوح الجنان، تأليف ابو الفتوح رازى، انتشارات كتابفروشى مرعشى، قم.
- 27- تفسير العياشى، كتابفروشى علميه اسلاميه، تهران.
- 28- تفسير القمى، مؤسسہ دارالكتاب، چاپ و انتشار، قم.
- 29- التفسير الكبير، تأليف فخر رازى، انتشارات دانشگاه الأزهر، قاهره.
- 30- تفسير منسوب به امام حسن عسکرى عليه السلام، مكتب امام مهدي عليه السلام، قم.



31- تنبيه الخواطر، معروف به مجموعه ورّام، تأليف ورّام بن ابوفراس، دار صعب و دارالتعاريف.

32- تهذيب الأحكام، تأليف شيخ طوسي، دارالكتب الإسلاميه، تهران.

33- تهذيب اللغه، تأليف ازهرى، دارالمصريه.

34- التوحيد، تأليف شيخ صدوق، مؤسسه انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين

ص: 124

قم.

35- ثواب الأعمال، تأليف شيخ صدوق، كتابفروشى صدوق، تهران و انتشارات رضی، قم.

36- جامع الأخبار، تأليف شعيرى، انتشارات رضی.

37- جامع الرواه، تأليف اردبيلی، دارالأضواء، بيروت.

38- الجعفریات، يا: الأشعثيات، تأليف اشعث كوفى، انتشارات كتابفروشى نينواى جديد، تهران كه باقرب الإسناد چاپ شده است.

39- جمال الأسبوع، تأليف ابن طاووس، انتشارات رضی، قم.

40- جواهر الكلام، تأليف شيخ محمد حسن نجفى، داراحياء التراث العربى، بيروت.



- 41- حياه الحيوان الكبرى، تأليف دميرى، انتشارات مكتبه مصطفى البابى الحلبي، مصر.
- 42- الخصال، تأليف شيخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسين حوزة علميه قم.
- 43- الدر المنثور، تأليف سيوطى، انتشارات محمد امين و شركا، بيروت.
- 44- الدروع الواقيه، تأليف ابن طاووس، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم.
- 45- دعائم الإسلام، تأليف قاضى تميمى، دارالمعارف.
- 46- الدعوات، تأليف قطب الدين راوندى، مكتب امام مهدي عليه السلام قم.
- 47- ذكرى الشيعه، تأليف شهيد اول، محمد بن مكي عاملى، كتابفروشى بصيرتى.
- 48- ربيع الأبرار و نصوص الأخبار، تأليف زمخشري، انتشارات شريف رضى.
- 49- رجال نجاشى، مؤسسه انتشارات اسلامى، وابسته به جامعه مدرسين، قم.
- 50- روض الجنان فى شرح ارشاد الأذهان، تأليف شهيد ثانى، مؤسسه آل البيت عليهم السلام قم.
- 51- روضه الواعظين، تأليف فتال نيشابورى شهيد، انتشارات رضى، قم.
- 52- سنن الترمذى الجامع الصحیح، دارالفكر، بيروت.
- 53- سنن نسائى، چاپخانه دانشگاه الأزهر مصر، چاپ اول.



- 54- شرایع الإسلام، تألیف محقق حلّی، منشورات اعلمی، تهران.
- 55- شرح غررالحکم، تألیف آمدی، انتشارات دانشگاه تهران.
- 56- شرح نهج البلاغه، تألیف ابن ابی الحدید، انتشارات کتابفروشی مرعشی، قم.
- 57- الصّحاح، تألیف جوهری، دارالعلم للملایین، بیروت.
- ص: 125
- 58- صفه الصفوه، تألیف ابوالفرج، ابن جوزی، دارالمعرفه، بیروت.
- 59- الطبقات الکبری، تألیف ابن سعد، دار بیروت.
- 60- عدّه الداعی و نجاح السّاعی، تألیف احمد بن فهد حلّی، کتابفروشی وجدانی، قم.
- 61- العدد القویه، تألیف علی بن یوسف بن مطهر حلّی، انتشارات کتابفروشی مرعشی، قم.
- 62- علل الشّرائع، تألیف شیخ صدوق، کتابفروشی داوری، قم.
- 63- العین، تألیف فراهیدی، مؤسسه دارالهجره، ایران.
- 64- عیون اخبار الرّضا، تألیف شیخ صدوق، انتشارات کتابفروشی طوسی، قم.
- 65- الغارات، تألیف ثقفی، انتشارات انجمن آثار ملی، تهران.
- 66- غوالی اللّالی، تألیف ابن ابی جمهور، چاپ اول، قم.



- 67- الغیبه، تألیف شیخ طوسی، مؤسسه معارف اسلامى، قم.
- 68- فرحه الغری، تألیف سید عبدالکریم بن طاووس، انتشارات رضی، قم.
- 69- الفضائل، تألیف شاذان بن جبرئیل، انتشارات رضی، قم.
- 70- الفقه المنسوب للأمام الرضا علیه السلام، انتشارات مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم.
- 71- فلاح السائل، تألیف ابن طاووس، دفتر تبلیغات اسلامى، قم.
- 72- قرب الإسناد، تألیف ابوالعباس عبدالله بن جعفر حمیری، کتابفروشى نینوى جدید، تهران، مؤسسه آل البيت علیهم السلام قم.
- 73- قصص الأنبياء، تألیف راوندی، بنیاد پژوهشهای اسلامى، مشهد.
- 74- الکافی، تألیف شیخ کلینى رازى، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- 75- کامل الزیارات، تألیف ابن قولویه، منشورات المرتضویه، نجف اشرف.
- 76- کشف الغمه فى معرفه الأئمه، تألیف ابوالفتح اربلى، نشر ادب الحوزه و کتابفروشى اسلامى.
- 77- کنز العمال، تألیف متقى هندی، مؤسسه رسالت، بیروت.
- 78- کنز الفوائد، تألیف کراچکى، کتابفروشى مصطفوى و دارالأضواء بیروت.



79- لسان العرب، تألیف ابن منظور، نشر ادب الحوزه، قم.

80- المجازات النبویه، تألیف شریف رضی، سال چاپ / 1408.

ص: 126

81- مجمع البحرين، تألیف طریحی، کتابفروشی مرتضوی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.

82- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تألیف فضل بن حسن طبرسی، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی، قم.

83- مجمع الزوائد، تألیف هیتمی، انتشارات دارالکتاب، بیروت.

84- المحاسن، تألیف برقی، دارالکتب الاسلامیه، قم.

85- المحجّه البیضاء، تألیف فیض کاشانی، دفتر انتشارات اسلامی قم.

86- مرصد الإطلاع، تألیف ابن عبدالحق بغدادی، دارالمعرفه، بیروت.

87- مستدرک الوسائل، تألیف شیخ نوری طبرسی، تحقیق مؤسسه آل البيت علیهم السلام قم، همچنین چاپ سنگی، مؤسسه اسماعیلیان، قم.

88- المستطرف، تألیف ابستهی، دارالفکر، بیروت.

89- مسکن الفؤاد، تألیف شهید ثانی، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم.



- 90- مشكاه الأنوار، تأليف ابوالفضل على طبرسى، انتشارات المكتبة الحيدريه، نجف.
- 91- مشارق الأنوار، تأليف برسى، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اهل البيت عليهم السلام تهران.
- 92- مصباح الشريعه امام جعفر صادق عليه السلام، انتشارات مؤسسه اعلمى، بيروت.
- 93- المعارف، تأليف ابن قتيبه، دارالمعارف، مصر.
- 94- معانى الأخبار، تأليف شيخ صدوق، دارالمعرفه، بيروت.
- 95- المعبر، تأليف محقق حلى، مؤسسه سيدالشهداء، قم.
- 96- معجم البلدان، تأليف ياقوت حموى، داراحياء التراث العربى، بيروت.
- 97- مفتاح الكرامه، تأليف سيد محمد حسينى عاملى، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم.
- 98- المقنع، تأليف شيخ صدوق، دارالمحجّه البيضاء، بيروت و دارالرسول الأكرم.
- 99- المقنعه، تأليف شيخ مفيد، كتابفروشى داورى، قم.
- 100- مكارم الأخلاق، تأليف حسن بن فضل طبرسى، انتشارات مؤسسه الأعلمى، بيروت.
- 101- من لا يحضره الفقيه، تأليف شيخ صدوق، انتشارات امام مهدى عليه السلام قم و چاپ جامعه مدرسین، قم.
- 102- مناقب آل ابوطالب، تأليف ابن شهر آشوب، مؤسسه انتشارات علامه، قم.



ص: 127

103- المنتظم فى تاريخ الأمم و الملوك، تأليف ابوالفرج ابن الجوزى، دارالكتب العلميه، بيروت.

104- النفلية، تأليف شهيد اول، دفتر تبليغات اسلامى، قم.

105- النهايه، شيخ طوسى، انتشارات قدس محمّدى، قم.

106- النهايه فى غريب الحديث و الأثر، تأليف ابن اثير، مؤسسّه مطبوعاتى، اسماعيليان، قم.

107- نهج البلاغه امام على عليه السلام، ضبط و فهرست دكتور صبحى صالح، دارالكتاب اللبنانى.

108- نوادر راوندى، انتشارات مكتبه الحيدريه، نجف.

109- الهدايه، تأليف صدوق، دارالمحجّه البيضاء و دارالرسول الأكرم(ص)، بيروت.

110- الوافى بالوفيات، تأليف صفدى، چاپ دوم / 1394 هـ .

111- وسائل الشيعه الى تحصيل مسائل الشريعة، تأليف شيخ حرّ عاملى، داراحياء التراث العربى، بيروت و مؤسسّه آل البيت، قم.

112- وفاء الوفا، تأليف سمهودى، انتشارات داراحياء التراث العربى، بيروت.

113- وفيات الأعيان، تأليف ابن خلكان، انتشارات شريف رضى، قم.



114- الیقین فی امره امیر المؤمنین علیه السلام ، تألیف ابن طاووس ، مؤسسہ دارالکتاب ، قم.

ص: 128